

# مذاکرات مجلس

• صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس  
۲ - معرفی معاون وزارت دارائی از طرف آقای وزیر دارائی  
۳ - بقیه شور در لایحه مالیات بر درآمد  
۴ - ختم جلسه بعنوان تنفس .

( مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس روز ۱۴ آبان ماه را آقای ( طوسی ) منشی قرائت نمودند

## [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

این قسمت را اصلاح کنند و در نظر بگیرند و آقای مخبر هم توضیح بدهند که منظور کار کتان یا خدمتگذاران است بطور عموم که شامل پیشخدمت و سرایدار و امثال آنها هم بشود - ( صحیح است ) عرض دیگرم این است که از موقع استفاده میکنم و استدعا میکنم راجع بکمک بکارمندان دولت ( بازنشستگان و همچنین منتظرین خدمت ) عرض کرده باشم که برای این آقایان هم آقای وزیر دارائی تصمیمی اتخاذ فرموده اید یا خیر ؟

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ آقای طوسی  
طوسی - توجه وزیر دارائی را باین قسمت جلب میکنم که پیشنهاد آقای فردونی راجع بحقوق بازنشستگی و یا حقوق پایان خدمت کارمندان دولت کارمندان آنچه در دوائر دولتی خودمان معمولاً مصطلح است فقط پشت میزیها را میگویند حال آنکه منظور خدمتگذاران یا کارکنان بطور عموم است ( صحیح است ) بطور کلی این است که بنده میخواستم

این مذاکرات مشروح دویست و پانزدهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : منصف - فاطمی - فروهر - دولتشاهی .  
غائبین بی اجازه - آقایان : رضوی - دکتر سمیعی - اقبال - افخمی - نوبخت - مؤید ثابتی - اوحدی - نبیل سمیعی - مؤید احمدی - نواب یزدی - اورنگ - دکتر تاج بخش - مشار - مکرم انشار - شجاع - اکبر - امیر ابراهیمی - عطاء الله پالیزی - حمزه تاش - هدایت الله پالیزی - رفیعی - معتمد سنک - اصفهانی - نقة الاسلامی - صادق وزیری - سلطانی - افشار - دکتر نفیسی - مستشار - امامی - امید - نقابت - کامل ماکو - نصر تیان - همراز - منشور .  
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : ناصری - دکتر قول ایباغ - خسروشاهی .

**طباطبائی** - وارد دستور شدیم دیگر این صحبت ها را نمیشود کرد

**طوسی** - هنوز صورت مجلس تصویب نشده است  
**معدل** - در آن تبصره راجع بموقوفات کلمه منحصرأ را حذف بفرمائید آقای طوسی (صحیح است) و دوم اینکه در این قسمت ج از ماده ۶ فقط نوشته شود حقوق بازنشستگی و یا حقوق پایان خدمت دیگر اضافه ندارد

**وزیر دارائی** - منظور شملیلمهم تأمین میکند  
**معدل** - بلی نوشته میشود حقوق بازنشستگی و یا حقوق پایان خدمت

**طوسی** - بنا برین همانطوریکه میفرمائید شامل حال آنها هم میشود که عرض کردم؟

**طباطبائی** - اینها اصلاح صورت جلسه است؟  
**طوسی** - بلی بلی

**معدل** - بلی بلی شامل حال همه مستخدمین دولتی یعنی کارکنان دولتی عموماً میشود

**رئیس** - در صورت مجلس با این اصلاحی که شد دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد

### ۲ - معرفی معاون وزارت دارائی از طرف وزیر دارائی

**وزیر دارائی** (آقای بیات) - اجازه بفرمائید آقای دکتر مهین را بسمت معاونت وزارت دارائی بمجلس شورای ملی معرفی کنم (صحیح است - مبارک است)

### ۳ - بقیه شور در لایحه مالیات بردرآمد

**رئیس** - ماده هفتم لایحه بردرآمد خوانده میشود:

ماده هفتم - برای تشخیص میزان هزینه و بهای کالای فروخته شده که باید از درآمد غیر ویژه کسر تا درآمد ویژه تعیین گردد کلیه اجناس و کالاهای موجوده در اول سال و کالاهائی که در طی سال فروش رسیده و آنچه در پایان سال موجود میباشد باید به بهائی که برای شخص مؤدی تمام شده است ارزیابی و بحساب منظور گردد در صورتیکه بهای تمام شده اجناس را از دفاتر و اسناد مالیات دهنده بتوان بدست آورد ارزیابی آن بطریق آن که در آئین نامه مخصوص

**انوار** - آقایان وزراء و تنظیم کنندگان این لایحه طریق وضع و تنظیم لوایح قانونی هم از دستشان رفته است همه هی شلاق کش وضع قانون میکنند و همینطور هم میخواهند بگردانند آخر لا اقل شما به دساتیر انبیاء از آن اولی که آمدند مراجعه کنید به بینید که چه جور قانون گذرانند از اول که نیامدند شمشیر بکشند و حمله کنند قوانین همیشه متناسب با اوضاع و احوال مردم بوده است قوانین باید بیک ترتیبی وضع شود و بگذرد که اولاً اذهان بان انس بگیرد و طوری نباشد که همشاش عنوان تنفر و از جاز خاطر مردم باشد که ما بیائیم وضع قانون کنیم یک گلی هنوز ما بدست این مردم نداده ایم همشاش شلاق کش آقای صفوی الان بیان کردند که چشم همه مردم باز است و نگران هستند ملاحظه بفرمائید سابقاً همه میگفتند هر وقت باران عقب می آمد و در آبان بارندگی میشد نعمت همه دنیا را پرمیکرد... (وزیر دارائی - حالا هم همینطور است) عجب حالا هم همینطور است. شما پاشوید خدا شاهد است یک روز صبح پاشوید و بروید توی این کوچه ها و خیابانها به بینید مردم بدبخت برای بدست آوردن یک لقمه نان چه جور در زحمت هستند همانطور که پریروز هم عرض کردم برای ما این دستگاه مالییه یک چاهی ایجاد نکند بلکه باید یک قدمی بردارد که ما بتوانیم باین ملت بگوئیم بابا مالییه آمده است فلان کار را کرده است برای تو نه اینکه بگوئیم دوست ملیون پول اقتصادی را از بین برده و بهشان بخشیده است و گفته است که بروید و کیل بشوید و بر گردید و خودتان را تطهیر کنید، یک کاری کرده باشد یک قدمی برداشته باشد آنوقت بلی. حالا این عرایض من در این جا تأثیری هم در شماها نمیکند و شلاق کش گرفته خواهد شد و قانون را هم میخواهید بگذرانید و انشاءالله هم موفق نخواهید شد. این جا ماده هفتم است در ماده هفتم توجه میدهم آقای وزیر دارائی و مخبر محترم را این جا میگوید برای تشخیص میزان هزینه و بهای کالای فروخته شده که باید از درآمد غیر ویژه کسر تا درآمد ویژه تعیین گردد کلیه اجناس و

کالای موجوده در اول سال و کالائی که در طی سال بفروش رسیده و آنچه در پایان سال موجود میباشد باید به بهائی که برای شخص مؤدی تمام شده ارزیابی و بحساب منظور گردد بنده با این قسمتش اولاً مخالفم برای اینکه بنده عقیده ام این است که باید بهمان قیمت وقتی که در مقام ارزیابی برآمده اند حساب کنند و منظور بدانند نه به قیمت تمام شده تا اینکه اختلافی پیدا نشود این یک موضوع موضوع دیگر اینکه آقای وزیر دارائی توجه بفرمایند بعد در ماده مینویسد: در صورتیکه بهای تمام شده اجناس را از دفاتر و اسناد مالیات دهنده نتوان بدست آورد با این جمله هم بنده مخالفم این عبارت را اینجا داشته باشید در ماده ۱۸ هم راجع بمسئله دفاتر و اسناد یک چیزی هست که آنجا هم عرض میکنم اگر نظرتان باشد در کمیسیون هم راجع به این موضوع خیلی بحث کردیم که دفتر و اسناد باید طرف اعتماد باشد ما نمیتوانیم بگوئیم تاجر یا کاسب یا فلان از دفتر و اسنادش نتواند استفاده کند نتواند یعنی چه؟ چطور نتواند؟ اگر محاسب دارد دفتر سالیانه دارد دفتر روزانه دارد دفتر ماهانه دارد دفاترش را نگاه کنید و ازش استنباط کنید نه اینکه بنویسید نتوان نتوان یعنی چه فردا هم فوراً مأمور مالییه میگوید آقای حاجی، شهدی این دفتر را بردار ما خودمان ارزیابی میکنیم و میرویم مطابق آئین نامه کارمان را انجام میدهم و ارزیابی میکنیم. نه آقا این خوب نیست. نکنید آقا شما افراد ایرانی هستید و وضع مالیات برای ایرانی میکنید ما که مغول و تاتار نیستیم که با مردم لجاجت بازی کنیم و اینطور رفتار کنیم این جا برداشته است و نوشته است که اگر نتواند اینکه معنی ندارد این جز اینکه یک زحمتی و حقیقتاً یک مخارجی برای مؤدی مالیاتی ایجاد کند فایده ندارد این یکی. این جور خوب نیست اگر در نظرتان باشد در کمیسیون هم عرض کردم دفاتر ما از وقتیکه پارک مان مرتب شده و در وزارت سابق آمدند از برای هر یک از این دفاتر یک پلمبی درست کردند و معین کردند و یک مهری زدند بهش و سرش کردند دیگر دفتر رسمیت پیدا کرد

تصریح خواهد گشت بعمل خواهد آمد.

**رئیس** - آقای بهبهانی

**بهبهانی** - بنده در جلسه قبل یک تذکری دادم راجع بمدارس و مدارس قدیمه و آقای وزیر دارائی در پای همین تریبون فرمودند که این بخشودگی و این عدم مشمولیت شامل آنها هم است یعنی مدارس قدیمه هم هست ولی اینجا میخواهم یک تذکری بدهم و آن این است که مدرسه عالی سپهسالار یکی از مدارس قدیمه است

**وزیر دارائی** - اینکه راجع بماده هفتم نیست آقا

**بهبهانی** - اجازه بفرمائید. چرا حالا عرض میکنم و تولیت آنجا هم با سلطان عصر است و در قانون موقوفات هم هست که موقوفاتی که تولیتش با سلطان عصر است از تحت نظارت دولت خارج است یعنی مستثنی شده است و اینجا هم در تبصره نوشته شده است مشروط بر اینکه دولت یا شهرداری در درآمد آن نظارت داشته باشد بنابراین آنوقت مدرسه عالی سپهسالار را شامل نمیشود و من میخواستم از آقای وزیر دارائی تقاضا کنم باینکه چون اینطور است خواهش میکنم این مسئله مدرسه عالی سپهسالار را هم جزو موقوفات حضرت رضا و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم اسم برشود حالا اگر موافقت میفرمائید اسم برده شود **وزیر دارائی** - این فرمایش آقا مربوط باین ماده نبود البته مربوط بان تبصره ایست که در ماده ششم گذشته و تصویب شده ولی همینطور که اظهار فرمودند چون یک اشکالی هست ممکن است این قسمت مسجد سپهسالار را هم در آن قسمت بالا بعد از موقوفات استان قدس حضرت رضا و سایر موقوفاتی که اسم برده شده موقوفات مدرسه عالی سپهسالار هم اضافه شود و اگر مقام ریاست صلاح بدانند یک رائی هم گرفته شود

**عده از نمایندگان** - مخالفی نیست.

**رئیس** - با این موضوع مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) بسیار خوب. اضافه میشود. آقای انوار در ماده هفتم فرمایشی داشتید بفرمائید.



و مدعی العموم این دفاتر را برسمیت می‌شناسد و محل اعتبار است اگر اینطور است دیگر این جمله زائد است در ماده هیجدهم هم راجع باین موضوع هست و عرایض خودم را عرض خواهم کرد. دفتر وقتی پلمب شد و مهر شد حجت است مثل سند رسمی است که از محضر رسمی در می‌آید او هم اعتبار دارد این هم اعتبار دارد و ما نباید خدشه بهش وارد کنیم همینطور که دفتر و اسناد یک تاجر یا یک کاسب بود باید مالیه آنها را معتبر بدانند اگر هم یک چیزی به بیند باید تذکر بدهد که اصلاحش کنند این را که عرض میکنم برای این است که مقصود وضع مالیات است نه جبر دادن مردم و اذیت کردن این خوب نیست اینقدر مردم را متنفر از حکومت نکنید وضع این جور قوانین موجب تنفر عامه است در محکومت وقتی که تنفر عمومی از حکومت پیدا شد والله ما را بیک بدبختی خواهد کشاند وضع قانون و عنوان قانون باید مطابق اخلاق و عادات شایع باشد ملایم با طبع مردم باشد نهایت البته در موقع خودش سختی و شدت و جریمه هم داشته باشد و الا در هر جای طفره گاهی برای خودتان قرار داده باشید که دفتر را بهم بزنید اسناد را بهم بزنید بنده مخالفم این است که پیشنهاد کردم که باید بقیمت روزی که ارزیابی شده بقیمت همان روز تعیین بشود و نوشته شود اگر اسناد و دفاتری نباشد و آن قسمت نتوان بدست آورد زائد است حالا اگر قبول هم نکردند نکنند خیلی چیزها را قبول نکردند

**وزیر دارائی** - در قسمت اشکال اولیه آقای انوار این

یک طرز است که معمول است اصولاً وقتی که جنسی را میخواهند قیمت کنند مطابق آنچه برای خود تاجر تمام شده چه در اول سال چه در آخر سال حساب میکنند برای اینکه آن بیلان و صورت عایدات و ترتیب عمل شایع معلوم بشود اگر بخواهند بقیمت روز بگذارند این بیشتر اسباب اشکال میشود و معمول همه تجار هم امروز همین است و بهمین ترتیبی است که اینجا نوشته شده (صحیح است) والا آن هم مجری است و بان عمل میکنند و در صورت تغییرش

اسباب اشکال فراهم میشود بنابراین البته آقا متوجه هستند که بهمین ترتیبی که مجری و معمول است رفتار بشود بهتر است (صحیح است) اما نسبت بقسمت دوم که فرمودید اینجا نوشته شده در صورتیکه بهای تمام شده اجناس را از دفاتر و اسناد مالیات دهنده نتوان بدست آورد آنوقت آن فکر دومی آقارا عملی میکنند یعنی مطابق قیمت روز عمل میشود و این هیچ جاهش اشکال ندارد این در قسمت اول همانطور که معمول است آنچه برایش تمام شده در اول سال حساب میکنند آنچه را که فروخته کسر میکنند آنچه را در آخر سال باقی مانده حساب میکنند و کسر میکنند و در آمدش معلوم میشود این معمول به عمومی است اما در صورت دوم اگر از روی دفاتر و اسنادش معلوم نشد آنوقت بنرخ عادلۀ روز ارزیابی میکنند و معلوم میکنند پس بنظر بنده هیچیک از این دو قسمت اشکالی که آقای فرمائید وارد نیست.

**رئیس** - آقای مهندس

**مهندس** - بنده در آن قسمتی که هنوز خوانده نشده است عرضی دارم

**رئیس** - آقای روحی

**یکی از نمایندگان** - نیستند

**رئیس** - آقای امیر تیمور

**امیر تیمور** - در خود ماده اینطور نوشته شده که در آئین نامه مخصوص تصریح خواهد گشت بنده از این نظر باین ماده رأی میدهم که این ماده که متذکر آئین نامه است و مواد دیگری که مشابه این است و ابیهی از آئین نامه برده شده است تمام این آئین نامه ها باید از تصویب کمیسیون قوانین دارائی بگذرد و الا با غیر این ترتیب بنده در رأی شرکت نخواهم کرد، آئین نامه ای که وزارت دارائی بنویسد مورد موافقت و قبول نیست آئین نامه را البته دولت باید تدوین کند ولی باید از تصویب کمیسیون دارائی مجلس (نمیگوئیم از تصویب مجلس) بیاورند بگذارند عمل هم بما نشان داد که این حق برای ما باید محفوظ بماند و به مصلحت مملکت است

که آئین نامه باید از تصویب کمیسیون دارائی مجلس بگذرد و بنده با حفظ این حق به این ماده رأی میدهم که این آئین نامه ها باید از تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس بگذرد. **مخبر** - در قسمت تصویب آئین نامه ها در ماده بیست و یک تصریح شده البته اگر نظر مجلس شورای ملی باشد که با تصویب کمیسیون بگذرد یا همینطوری که پیشنهاد شده بتصویب هیئت وزراء باشد بنظر بنده مقتضی است در خود ماده ۲۱ این بحث بشود ولی این بالاخره در هر ماده که لزوم دارد باید ذکر شود که مطابق آئین نامه است.

**رئیس** - آقای تهرانچی

**تهرانچی** - عرض کنم در این ماده و ماده بعدی که میگوید در آمد سال آتی یعنی آن سالی را که میخواهد مالیات بگیرند از سر روی در آمد سال گذشته حساب خواهند کرد و مالیات خواهند گرفت این قانون اینطور میگوید آنوقت اینجا میخواهد بگوید همه این هزینه ها را حساب میکنند چطور حساب میکنند یعنی می آید سال قبل را در نظر میگیرد و مالیات را روی آن سال میگیرد پس سال گذشته را مأخذ میگیرد و مخارج سال گذشته را هم از ش منها میکند آنوقت این شرحی که اینجا نوشته شده چیست که باید حساب بکنند قیمت کالا های موجوده در اول سال را و کالاهائی که فروخته شده این چه حالی پیدا میکند. این را یا آقای مخبر توضیح بدهند بدانیم چه عملی میکنند که مالیات هر سال را روی در آمد سال گذشته و هزینه اش هم روی همان سال باشد آنوقت چطور آخر سال میخواهد قیمت بکند و چه بکند این یک چیزی است که بنظر بنده ترتیب اثری نمیتواند بهش بدهد برای اینکه سال گذشته است، این یکی، یکی هم اینکه چون قوانین البته مطابق مفهومش و شأن نزولش در موقع اجرا هیچوقت اجرا نمیشود این است که میخواستم تذکر بدهم که این قسمت مربوط باجناس کشاورزی نخواهد بود ممکن است که یک وقتی این قسمت غیر از ماده پنج راجع به اجناس کشاورزی باشد و این قسمت و راجع باجناس کشاورزی و عوائد فلاحتی

نباید باشد این را هم توضیح بفرمایند که بعد ها یکوقت اسباب زحمت مردم نشود.

**مخبر** - بنظر بنده این ماده واضح نوشته شده فقط هر کس هر کاری را دارد استفاده میکند پس اگر همه نمیتوانند استفاده از این ماده بکنند سببش این است که سر و کاری شاید با این ماده ندارند و قطع دارم که جنابعالی استفاده می فرمائید و مقصودتان تصریح موضوع است با اینجهت بنده از نظر تصریح موضوع درست این را تشریح میکنم در این دو سه جلسه گذشته مذاکرانی که در اطراف این ماده شد چه از نظر استفاداتی که آقایان کردند و توضیحاتی که خواستند و چه

از نظر توضیحاتی که دولت در این باب داد و بنام کمیسیون قبول شد جراید این را خوب توضیح و تشریح بکردند تا افکار عمومی هم متوجه شود در اطراف همان چیزهای تصویب شده خیلی توضیح میخواهد و این نکته باید خیلی مورد دقت آقایان ارباب جراید باشد چون موضوع این مالیات از موضوع های مهم است و همه علاقه مندند که تمام دقائق آنرا بدانند و بفهمند و این توضیحاتی که اینجاداده میشود تنها برای اقتناع آقایان نیست برای این است که مالیات دهندگان هم اقتناع بشود و متقاعد بشود و تصور نکنند که فقط آمدند یک کلمه اینجا گفتند و رد شدند رفتند. در این باب بنده خدمتتان عرض میکنم که تاجری جنسی را خریده... اولاً آن قسمت دوم فرمایشتان را جواب عرض کنم که این مربوط بامور کشاورزی نیست برای اینکه امر کشاورزی اول بصورت مقاطعه در می آید اول می آیند روی سه سال گذشته بر آوردی میکنند و تشخیص مالیاتی روی ملک میدهند و این تا پنجسال معتبر است باین جهت این مربوط بامر کشاورزی نیست. در قسمت دوم تاجری می آید جنسی را میخرد هر مقداری از این را که فروش کند که دفاترش نشان میدهد آن قسمتی که باقی و موجود میماند اگر آن نظر آقای انوار را بخواهیم بگیریم و بگوئیم بقیمت اول سال این را بر آورد کنیم منظور از مالیات بر درآمد حاصل نمیشود برای اینکه میخواهند بدانند که آیا این جنسی که وارد کرده فایده برده یا ضرر پس باید قیمت روز اول که برایش تمام شده ملاک میگیریم لذا باید قیمت



تمام شده آنرا مالک قرار بدهیم این در این قسمت امانظر حضرت تعالی سؤالی که میفرمایند در این ماده وارد نیست منتها چون حالا طرح فرمودند بنده جوابش را عرض میکنم حضرت تعالی میفرمائید مخارجی را که برای اینکار میشود مثلاً یکی خود مالیات خود ذات مالیات بر درآمد این يك نوع خرجی است دیگر. بالاخره تاجر را هر چه که تشخیص دادند هزینه دارد آیا بحساب میآید یا نمیآید؟ هر چیزیکه بر داشت کند در حسابش میآید باین جهت بنده ابهامی در این ماده نمی بینم و همینطور که دیروز هم عرض کردم. . . (تهرانچی امسال مال سال قبل را میگیرید. اینرا چطور می گیرید باید صبر کنید تا سال تمام شود و حساب کنید مخارج را) اینکه میفرمائید اصلاً در این ماده نیست و هنوز بآن ماده نرسیدیم (تهرانچی - آن هم جزء این قانون است این ضد و نقیض است با هم باید کلیه مواد را در نظر بگیریم) توجه بفرمائید در اینجا برای این است که اول سال که میشود و تشخیص موجودی داده شود یعنی معین شود که این چه مقدار از اجناسش بفروش رفته و چه مقدارش موجود است این ماده فقط برای این قسمت است آن نظر حضرت تعالی در ماده خودش هست و همانطور که اشاره فرمودید نوشته شده است که مالیات روی ملاک سال قبل گرفته شده در آن جا باید این موضوع را طرح بفرمائید تا جوابش را عرض کنم

**رئیس - آقای ملک مدنی**

**ملک مدنی -** بنده يك موضوعی را که میخواستم تذکر بدهم که در ماده پیش بوده است ولی برای اینکه مذاکراتی در این موضوع شده است در مجلس باید این مطلب مطرح شود و آقای وزیر دارائی یا آقای مخبر توجه بفرمائید توضیح بدهند که روشن بشود و در عمل تولید اشکال نشود اینجا ما آمدیم کارمندان دولت را معاف کردیم بسیار خوب ولی يك موضوعی است که بعضی شرکتها و مؤسساتی هست که سرمایه آن مال دولت است مثل بانک ملی بانک کشاورزی شرکت بیمه اینها يك مؤسساتی است که مال دولت است اینها را ذکر در ماده نشده راجع بپرداخت مالیات که

معاف باشند همانطور که کارمندان دولت معاف هستند گرچه محقق است که آنها هم مشمول هستند که نباید مالیات بدهند ولی برای اینکه اشکال پیش نیاید بنده خواستم این مطلب را در مجلس تذکر بدهم که آقای وزیر دارائی و آقای مخبر کمیسیون جواب بدهند که در صورت مجلس باقی بماند و بعد در عمل تولید اشکالی نکنند

**مخبر -** فرمایش آقای ملک مدنی در ماده هفت جایش نیست ولی فرمایش اساسی و حسابی است حالا هم برای اینکه میفرمائید باید جواب داده شود و هم برای اینکه در این ماده وارد نیست خوبست در شور کلیات ثانی این قسمت را مطرح بفرمائید تا جواب حضرت عالی را عرض کنم

**ملک مدنی -** بسیار خوب یاد داشت بفرمائید که تأمین بشود.

**رئیس - آقای دکتر طاهری**

**دکتر طاهری -** بنده موافقم با این ماده و این ماده صاف و صریحی است همین شکلی هم که نوشته شده خیلی خوب است برای اینکه منفعت کالائی معلوم شود باید قیمت خرید و فروش معلوم بشود تا منفعت را معلوم کنند همینطور هم رسوم است که اول قیمت تمام را منظور میکنند بعد اگر چنانچه ضرر کرد که هیچ اگر منفعت کرد و بقیمت بالاتری فروش رفت حساب میشود و آن هزینه هائی که برای تحصیل درآمد خرج شده که احاله کرده اند به آئین نامه حساب میکنند و منظور میشود آنهم موقعش میرسد در آن ماده که راجع بآئین نامه است و بنده موافقم با این ماده و معتقدم که مذاکره بقدر کفایت شده پیشنهادات قرائت شود

**رئیس -** پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای انوار بنده پیشنهاد میکنم در ماده هفتم بجای جمله در صورتی که بهای تمام شده اجناس را از دفاتر و اسناد مالیات دهنده بتوان بدست آورد نوشته شود اسناد و دفاتری نباشد

**رئیس - آقای انوار**

**انوار -** بنده غرضم این است چون در ماده دیگر هم

این موضوع میآید آقای وزیر دارائی توجه فرمودند بعرض بنده اولاً باید با مردم قدری مباحثات کرد و اسناد و دفاترشان را معتبر دانست این عبارت که اینجا نوشته شده از دفاتر و اسناد بتوان بدست آورد این نتوان ندارد آقای مگر اینکه اداره مالیه برای خودش يك طرفه گاهی قرار بدهد و برای مأمورین خودش که کاملاً از اخلاق و عادات اینها مستحضر هستید يك طرفه گاهی قرار بدهد که اگر نشد تکلیف چیست آقایان دفاتر سالیانه است ماهیانه است روزانه است چطور نمیتوان از این استنباط کرد اینجا نوشته است اگر نتوان، اسناد هست دفاتر هست چطور نمیتواند؟ اگر اسکناس بهش بدهد میتواند؛ شما يك طرفه گاهی برای اینها قائل نشوید اگر دفاتر و اسناد نداشته باشد آنوقت مطابق آئین نامه رسیدگی و ارزیابی بکنند و الا مادام که دفاتر و اسناد موجود است مرجع همان دفاتر و اسناد باشد این است عقیده بنده

**وزیر بهداری (آقای اردلان) -** همینطور که آقای

دکتر طاهری فرمودند اشکالی ندارد این واضح است نگاه میکنند بدفتر بنده اگر کامل بود و صریح بود که چه هزینه ای کرده ام البته از من قبول میکنند ولی يك وقت هست که دفتر نشان نمیدهد آنوقت موقعی است که دفتر ناقص است نمیتوان استخراج کرد آنوقت متوسل میشوند بآئین نامه این خیلی مطلب صریحی است

**مخبر -** اجازه بدهید بنده يك توضیحی عرض کنم که

قانع کنم آقای انوار را تصدیق میفرمائید که خود دولت اعتبار دفاتر آقایان تجار را قبول کرده است و خود دولت ایجاد دفاتر برای آقایان کرده و رسمیت برایش قائل شده مهر کرده و پلمپ کرده معتبر شناخته در اعتبار اینها مذاکره و شک و تردید نیست که آیا ما آنها را معتبر بشناسیم یا خیر؛ بحث در این است که تمام افراد را نمیشود بيك چشم نگاه کرد، آیا ممکن نیست بین طبقه تجار بکنفر آدمی هم بغلط وارد شده باشد و يك دفتر نامعتبری هم داشته باشد چون بین تمام طبقات میشود این فرض را کرد اینکه نامعتبر بودن دفاتر و اسناد تمام را نگفته است اعتبار دفاتر بجای خود محفوظ است میگوید اگر

يك فرد ناجنسی پیدا شد که از دفترش نشد این استفاده را بکنیم در مورد او احتیاج پیدا کرد دستور کلی باشد که اگر این فرد موجود باشد و در دفترش هم دست برده شده و باید طوری باشد که مورد اعتماد نباشد و تشخیص داده نشود باید رفت نظایر و امثالش را پیدا کرد یعنی دید تاجر دیگری در آن تاریخ این جنس را بچه قیمت خریده است این را باید رعایت کرد بعلاوه باید توجه داشته باشید که بيك تاجری اگر نسبت داده شده که کتوی دفترش دست برده و صحیح نبود می رود بمذعی العموم شکایت میکند و رسیدگی میکنند و برایش راه حل در این قانون باز کرده و جای نگرانی نیست

**رئیس -** رأی بگیریم یا خیر؟

**انوار -** مسکوت بگذارید (خنده نمایندگان)

**وزیر بهداری -** مسکوت چیست؟ این چیز تازه ایست!

**رئیس -** موافقین باماده هفتم برخیزند (اکثر برخاستند)

تصویب شد. ماده هشتم

ماده ۸ - درآمدهای ارزی بایستی بنرخ روزی که تحصیل شده تسعیر و مالیات آن بریال تعیین گردد وزارت دارائی اختیار دارد مالیات مقرر را بریال یا بارز بهمان نرخ وصول نماید.

**رئیس -** آقای انوار

**انوار -** در اینجا نوشته است درآمدهای ارزی بایستی بنرخ روزی که تحصیل شده تسعیر و مالیات آن بریال تعیین گردد آنوقت وزارت دارائی اختیار دارد مالیات مقرر را بریال یا به ارزش بگیرد ملاحظه بفرمائید الان دولتی که دستش باز است کمیسیون ارز دارد ارز میفروشد ارز میخرد همه ترتیب دارد دولت میگوید مختار است که ارز بگیرد یا پول اما آن بدبخت رعیتی که مؤدع مالیات است این اختیار برای او نیست یعنی او ملزم است بهر چیزی که دولت گفته است برای چه شما که می آئید ارز را تسعیر میکنید دولت اختیار دارد که ارز یا پول بگیرد دیگر چرا این اختیار را برای مؤدی قائل نمیشود دولت که همه جور دستش باز است حکایت آن ملاک بزرگ است که گفت این ملک را بتو اجاره

میدهم امادراول میزان اختیار فسخ دارم گفت آقاهمین الان اختیارداری دولت که این اختیار را همیشه دارد برای مؤدی هم قرار بدهید باین جهت بنده پیشنهاد کردم که اختیار دادن پول یا ارز برای مؤدی باشد نه برای دولت

**وزیر پست و تلگراف ( آقای انتظام )** - آقای انوار با اینکه خیلی دلسوزند و حرارت دارند گاهی خودشان توجه نمی فرمایند ماده میگویی کسی عایداتی تحصیل کرده باز باید ارزش مالیات بدهد فرض بفرمائید مالیاتی که باو تعلق میگردد پنجاه لیره میشود این پنجاه لیره را باید بهر صورت بدهد مال او که نخواهد بود اینجا دولت مختار است که یا عین پنجاه لیره را از او بگیرد یا پولش را نرخ روز این اصلاً صدمه بمالیات دهنده وارد نمیکند (انوار - آقا دولت که آزاد است) آقا مالیات بده که این پنجاه لیره مال او نخواهد بود باید این پنجاه لیره را بدولت بدهد حالا این را اگر دولت ارز خواست ارز میگردد اگر نیخواست تسعیر میکند ریال میگردد دیگر نمیدانم چه اشکالی دارد؟

**رئیس - آقای منشور**

**منشور -** بنده تصور میکنم بحث در اطراف این ماده بواسطه پیش آمدی است که نوشته شده است اگر این را نمی نوشتند ضرری هم بخزانة دولت وارد نمی آمد برای اینکه ما قانون داریم که هر کس ارزی بدست بیاورد باید در ظرف سه روز آنرا بدولت بفروشد اگر نفروشد مورد تعقیب واقع میشود نرخ لیره یا سایر ارزها هم معین است مخصوصاً حالا که ما دارای یک عهد نامه هستیم با متفقین و دوازده تومان و هشتقران بانک میخورد و سیزده تومان میفروشد علیهذا موردی پیدا نمیشود که یک مؤدی ارز داشته باشد که دولت مخیر باشد که مالیاتش را باز بگیرد یا بریال ممکن است اگر موقعی که ارز آزاد باشد و در دست مردم باشد آنوقت مالیات را باز بگیریم اما حالا همانطور که آقای انوار فرمودند مؤدی مخیر باشد یا باز بدهد یا بریال باین جهت بنظر بنده باید این ماده حذف شود اگر هم نخواهند حذفش کنند ممکن است بنویسند مؤدی مالیاتی میتواند مالیات خودش را به ارز

بپردازد یا بریال این پیشنهاد را هم تقدیم کردم .  
**مخبر -** این ماده برای این نوشته که اگر وقتی قانون ارزش تعیین شود و آزاد باشد باین معنی همانطور که آقای وزیر پیشه و هنر فرمودند تا قانون ارز باعتبار خودش باقی است که اجرا میشود که احتیاج به استفاده از این ماده نیست اگر هم شاید پس از خاتمه جنگ قانون ارز لغو شد دیگر حاجت نباشد یک ماده برای اصلاح این قانون بیاورند اگر هم گاهی دولت از نظر مصالح اقتصادی بخواهد چشمش را روی هم بگذارد و یک تسهیلاتی از برای خرید و فروش اسعار بکند و آزاد باشد آنوقت هم باز اشکال خاصی فراهم نشود باین جهت آقایان نگرانی نداشته باشند و بنده اصولاً این موضوع را از نظر آقای انوار از این حیث تعجب میکنیم که مؤدی اگر ارز در آمدش هست فایده اش ارز است فایده ای را که برده باسعار برده حقاً باید از عین آن اسعار مالیات بدهد اگر کسی ریال فایده برده ریال را بدهد اگر کسی لیره فایده برده لیره بدهد حالا در اینجا دولت اگر گفت عین لیره را بده عین را میدهد اگر گفت ریال بدهد خوب میفروشد بنرخ بازار

**وزیر دارائی -** بنرخ روز هم هست .

**رئیس - آقای امیر تیمور**

**امیر تیمور -** بنده در این ماده اشکالی ندارم و معتقدم اگر یک کسی عوائد ارزی داشت و دولت خواست ارز بگیرد باز بگیرد اختیار با دولت باشد به ارز بگیرد یا بریال فقط چیزی که هست در موعده مقرر دولت تکلیف مؤدی را معین کند ممکن است امروز که مالیات باید بدهد بگوید شما بریال بدهید پنج روز که گذشت ارز ترقی کرد دولت بچسبد بگوید تو باید این را پس بگیری ارز بدهی یا ارز تنزل کرد بگوید ریال باید بدهی با این خرابی که در دستگاه ادارات هست اسباب زحمت خواهد بود تا ابد بنا بر این بنده یک کلمه پیشنهاد میکنم و تمنی میکنم آقای مخبر قبول بفرمایند اینجه که نوشته شده است وزارت دارائی اختیار دارد مالیات مقرر را بریال یا باز بهمان نرخ مقرر و وصول نماید بنده

پیشنهاد میکنم يك كلمه موعده مقرر را اضافه بفرمائید که در موعده مقرر بدهد این را بنده تقاضا میکنم که اضافه بفرمائید که رفع هر گونه اشکالی بشود (صحیح است).  
**وزیر دارائی -** مانعی نداجد قبول میکنیم در موعده را  
**رئیس - آقای طوسی**

**طوسی -** يك سئوالی بنده داشتم واستدعا میکنم آقای وزیر دارائی و آقای مخبر محترم توجه بفرمایند این مالیاتی که میگیرند مال سنه ۱۳۲۳ است یعنی از پنج ماه بعد است که از اول سال ۱۳۲۳ بمأخذ ۱۳۲۲ میگیرند ولی در گذشته اشخاص و شرکتهائی شاید يك استفاده های خیلی زیادی کرده باشند و يك عوائد هنگفتی برده اند از لیره فرضاً در شش تومان و هشت قران بعد بواسطه شاید غفلت بعضی از مأمورین فروخته شده است به چهارده تومان خواستم سئوال کنم اگر از این قبیل مسائل باشد در قسمت گذشته آیا نسبت بآنها هم توجهی خواهند کرد یا خیر؟ اگر دولت در این قسمت حقیقه دخالت میکند و مالیاتش را میگیرد آنوقت بنده اطلاعات وسیع تری در این قسمت دارم که در دسترس دولت خواهم گذاشت (صحیح است).

**مخبر -** این قانون الان سال ۱۳۲۲ است و نرخ لیره الان که بیال ۱۳۲۲ است ۱۳ تومان است ۶ تومان و هشت هزار مال گذشته است این مالیات هم از سال ۱۳۲۳ گرفته میشود همانطور که وعده فرمودند روی مأخذ سال ۱۳۲۲ بنا بر این اصلاً موضوع ۶۸ قران مربوط بسابق است و مورد ندارد که شامل این بشود یا نشود.

**طوسی -** ببخشید توجه نفرمودید مقصود مالیات گرفتن از اشخاص توانا و مستطیع است نه از اشخاص فقیر و بیچاره بلکه باید از اشخاصیکه عوائد غیر مشروعی برده مثل بعضی شرکتهای که باید مالیات بگیرند اعم از اینکه در گذشته باشد یا آینده و بنده عرض میکنم اگر چنین مواردی پیدا شد که سه چهار میلیون برده شده در اثر غفلت مأمور دولت چه کار میکنید شما میگیرید یا نمیگیرید؟

**وزیر دارائی -** عرض کنم همانطور که آقای معذل اظهار

فرمودند از اول سال ۱۳۲۳ است که هر کس منافع ارزی دارد باید بدولت بدهد اما موضوع اظهاری که فرمودید مربوط بسابق و تقلب اعضای اداری ممکن است يك چیزی بعنوان یاد داشت مرقوم بفرمائید و به بنده بدهید تا بنده تعقیب کنم .

**طوسی -** عرض من مربوط بشرکتهاست اگر چنانکه فرمودید بعد تعقیب خواهید کرد اطلاعات خودم را در دسترس تان خواهم گذاشت و امیدوارم نتیجه بگیرید (صحیح است).

**رئیس - آقای ملک مدنی**

**ملک مدنی -** بنده هم نظرم این بود که این ماده بنظر بنده عیبی ندارد آقایان موافقت فرمایند زیاد صحبت نشود و بنظر بنده اشکالی ندارد رأی بگیریم .

**رئیس - آقای خسرو شاهی**

**خسرو شاهی -** بنده میخواستم از آقای وزیر دارائی سئوال کنم که در آخر این ماده نوشته شده بهمان نرخ وصول نماید بکدام نرخ؟ (وزیر دارائی - بنرخ روز بنرخ روز) اگر بریال است که در قسمت اول لایحه نوشته شده است بنرخ روز اگر هم باز باشد که ارز را میگیرند پس بهمان نرخ در آخر ماده دیگر زاید است و بکلمه نرخ احتیاجی نیست و این تولید اشکال خواهد شد و بنده پیشنهاد میکنم حذف شود این قسمت آخر .

**وزیر دارائی -** مقصود این است که بهمان نرخ روز که مشخص شده بنرخ آنروز پولش را میدهند آقای امیر تیمور هم يك پیشنهادی کردند که در موعده مقرر همین کار بشود دیگر در اینصورت در موعده مقرر باشد اشکالی ندارد .

**طباطباتی -** اینکه معنی ندارد آنرا که شما پیشنهاد میکنید بی معنی تر است پیشنهاد آقای خسرو شاهی درست است و باید قسمت آخر حذف شود .

**رئیس - پیشنهاد آقای انوار**

پیشنهاد میکنم : عوض کلمه دارائی الخ نوشته شود مؤدی اختیار دارد الخ .

**رئیس - آقای انوار**



**انوار** - آقای مخبر و آقای وزیر دارائی توجه بفرمایند اینک بنده عرض کردم . عرض کردم که دفتر دارد اسناد دارد دفتر و اسناد مناطاعتبار است مادام که هست اگر ایرادی داشتید بوزارت عدلیه مراجعه کنید . . .

**وزیر دارائی** - آقا اینک مربوط بماده هشتم نیست آنکه گذشت .

**انوار** - بلی . ببخشید راجع باین پیشنهاد عرض میکنم که ما باید بقدر مقدور تشویق کنیم برای مردم تسهیلات قائل شویم این شخص آمده است درآمد ارزی دارد دولت هم آمد در آمد ارزی خودش را تسعیر کرد که دلار فرضاً ۳۲ قران است بعد از آنکه تسعیر کرد اختیار برای مؤدی باشد نه برای دولت یعنی مؤدی بتواند که مالیاتش را بریال بدهد یا بارز نه اینکه اختیار برای دولت باشد دولت که در همه چیز اختیار دارد .

**وزیر دارائی** - آقای انوار اگر توجه بفرمایند اینجا اظهار شد که الآن ارز در انحصار دولت است وقتی که در انحصار دولت است شما نمی توانید این را بنویسید که مؤدی مختار است ارز بدهد یا بریال بدهد و حتماً باید ارزش را بدهد این جا فقط چیزی که نوشته شده است درآمد های ارزی باید بنرخ روزی که تسعیر شده آنرا مؤدی بپردازد و این جا مثل سایر جنس ها است که جنس ها را تسعیر میکنند این جا هم نوشته اند بنرخ روز تسعیر بریال شود آنوقت دولت می تواند که یا ارز بگيرد و یا بریال .

**رئیس** - آقای انوار .

**انوار** - مسترد میکنم .

**رئیس** - پیشنهاد دیگری است از آقای منشور .

**پیشنهاد میکنم ماده ۸** باین طور اصلاح شود : مالیات بر درآمد های ارزی را مؤدی میتواند به ارز یا بریال تأدییه نماید .

**رئیس** - آقای منشور .

**منشور** - مقصود بنده این بود که گفته باشم اینقانون

که باین عجله آمده است يك نواقصی دارد قربان بنده تذکری دادم با آقایان حالامی خواهید رأی بدهید میخواهید رأی ندهید .

**وزیر دارائی** - اینک آقایان نمایندگان اظهار می فرمائید این قانون را با عجله و شتاب آورده اند پریروز این جا تذکر داده شد که چهار ماه است پنجمه است این لایحه در کمیسیون ها است و در آنجا مشغول مطالعه هستند بنده نمی دانم که يك قانون در اطرافش چند سال باید مذاکره بشود ، الآن چند ماه است که این قانون در کمیسیون های مجلس است آمده مطرح شده است و بنظر آقایان نمایندگان رسیده و البته از نقطه نظر این که مطالعاتش کامل شده است و چهار پنجمه در کمیسیونها مطرح شده و مورد شور قرار گرفته است . و بعد هم اگر میخواستیم دوشوری باشد ممکن بود که قانون اصلاً از این مجلس نگذرد لذا تقاضا شد که بقید فوریت باشد که از این مجلس بگذرد آقایان هم موافقت فرمودند و رأی دادند و جلسات زیادی شد از طرف دولت و این اصلاحات شد .

**منشور** - مطالعه هایی که میفرمائید مربوط به مجلس شورای ملی نیست باید در مجلس مطالعه شود جرائد انتقادات بموقع و بجائی کردند البته این موضوعات بنظر هر کسی میرسد که مطالعاتی دارد آقایان هر کدام يك نظریاتی دارند و در کمیسیون اظهار کرده اند ما که در کمیسیون نبودیم اگر میخواستید که به تصویب مجلس نرسانید خوب آن را بتصویب کمیسیون میرسانیدند و کافی بود که در جلسه خصوصی هم بحث کنید و يك ماده واجده بگذرانید که کمیسیون و اصنع قانون باشد ولی آقایان قبول نفرمودند و قرار شد در مجلس شور بشود اصلاحاتی هم که در مجلس شده است از اصلاحات لازمه بوده است بتصدیق خود آقای وزیر دارائی و حالا بنده پیشنهاد خودم را مسترد میکنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای خسروشاهی :

**پیشنهاد میکنم** در آخر ماده بهمان نرخ حذف شود .

**طباطبائی** - صحیح است آقا آن عبارت زائد بود ولی

این پیشنهاد صحیح است آقا .

**وزیر دارائی** - قبول میکنم آقا .

**مخبر** - قبول میکنم .

**رئیس** - موافقین با ماده هفتم و با این اصلاحاتی که شده است برخیزند ؛ ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .  
ماده نهم - در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات هر مؤدی چنانچه درآمد او از دوازده هزار ریال در سال متجاوز باشد اقلام زیر از درآمد ویژه او کسر میشود .

الف - مبلغی برابر شش هزار ریال .

ب - در صورتی که متأهل بوده و با عیال یا شوهر خود زندگانی نماید و یا اینکه کفیل خانواده باشد مبلغ چهار هزار ریال علاوه بر منافع فوق .

ج - برای هر يك از فرزندان کمتر از هیجده سال که متکفل زندگانی آنها باشد مبلغ سه هزار ریال اضافه بر مبالغ فوق همچنین در صورتی که اطفال بیش از هیجده سال داشته باشند تا سن ۲۵ سالگی آنها این معافیت منظور خواهد شد بشرط آنکه مشغول تحصیل باشند .

د - صدی ده کلیه درآمد حاصله از حقوق و اجرت و مزد و فوق العاده ها .

ه - بهره دریافتی از کلیه وجوه پس انداز و سپرده های ثابت در هر يك از بانکها در ایران و بهره حاصله از سهام دولتی ایران که خریداری نموده است .

و - در مدت دو سال از تاریخ اجرای این قانون مبلغی معادل سه برابر بهره دریافتی در سال از وجوه پس انداز و سپرده های ثابت در بانکهای ایران و بهره سهام دولتی ایران که خریداری نموده است مشروط بر این که اینگونه وجوه و سپرده های ثابت و سهام را در عرض سال وسیله تضمین برای گرفتن وام قرار نداده باشد .

ز - وجوهی که برای بیمه عمر خود یا بستگانش در عرض سال پرداخت نموده پس از کسر مبلغ وامی که از شرکت بیمه یا بانک ها در ظرف سال دریافت و تا آخر سال پرداخت نکرده باشد .

ح - منافع و جوهری که بمنظور آبادی ملک از بانک

کشاورزی استقراض شده است .

**وزیر دارائی** - در قسمت ه آخر این ماده این طور اصلاح شده است .

( منافع و جوهری که بمنظور آبادی ملک از بانکهای دولتی استقراض شده یا استقراض هائی که در دفاتر اسناد رسمی بموجب اسناد ثبتی قبل از اول آبان ۱۳۲۲ استقراض شده است ) .

**نیک پور** - چرا اختصاص دادید به قسمت کشاورزی تجارתי را نوشته اید ؟

**وزیر دارائی** - در قسمت کشاورزی نبود ولی در قسمت تجارתי بود و بجای خودش هست .

**تهرانچی** - صحیح است و باید در قانون منظور شود .  
**رئیس** - آقای انوار .

**انوار** - در اینجا ماده نهم در واقع تسهیلاتی را که دولت در نظر گرفته است برای مؤدیان مواردش را تسهیلات قائل شده است و گفته است این مبدء مأخوذ است از مالیات بر درآمدی که زمان مرحوم داور آمد معین کرد که در سال اگر ۲۴۰ تومان هر ماه بیست تومان عایدی داشته باشد مالیات ندهد این مقدار در سال دو بست و چهل تومان میشود دو بست و چهل تومان آنوقت الآن که ملاحظه کنید چهار هزار تومان میشود و این هم حالا پولی نیست الآن دولت مسا کبریب را قوطی سی شاهی میفرود شد سیگار دانه يك پول بود الآن دولت سیگار دانه ۹ شاهی میفرود شد و همین جور اجناس دیگری که در انحصار دولت است و بد بختانه پس از آن که شرکت مرکزی تأسیس شد زندگانی مردم را آن شرکت مرکزی باین روز انداخته است که هنوز این آثارش باقی است و همه روزه دسته دسته گدا و بدبخت میشوند و اشخاصی که دارای منافعنی بوده اند آن کارها از شان گرفته شد و بقر و فاقه افتادند و حالا تصور میکنید که دولت ایران یا ملت دارای يك پولی است که مالیاتی را ما بر آنها تحمیل کنیم یکبار آن چهار فرسخ راه ما را درست نکرده بودند که این جا بگویند مقاطعه کاران



منفعت برده اند پس باید مالیات گزاف از مردم گرفت آقا ملاحظه توده ملت را بکنید این باعث شده که يك مالیات باین کم رشکشی را تحمیل ب مردم بکنیم و مالیات جنگ بگیرییم مالیات را به گردن سفته بازها و محتکرین به بندید بنده عوض يك رأی چهار رأی میدهم اما این يك مالیاتی است که بر توده ایران است بر تمام مردم ایران تحمیل میشود بیچاره طبقه دوم و سوم که متحمل این مالیات شدند آنوقت بار ما سبکتر میشود؟ آقا نانتان قند و چائی و قماش تان را ارزان می کنند؟ کدام یکی از اینها تفاوت پیدا کرده است؟ این مالیات است که تجار باز همین را روی اجناسشان می کشند دو مرتبه و ب مردم می فروشند حالا در این جا نوشته شده است اگر از دوازده هزار ریال مثلاً تجاوز کرد شش هزار ریال که شصت تومان باشد برای اولاد شصت تومان کار شصت تومان از شما می آید آقایان همه تان گرفتار خرج هستید هیچ نمیشود از این پول استفاده کرد خودتان خبردارید اولاد هم دارید يك لباس يك پالتو برای بچه تان تهیه می کنید در حدود دوست تومان تمام میشود آنوقت برای بچه ای که در حجره پدر است آمده اند آنرا موافقت کنند به سیصد تومان که عبارت از سی تومان باشد از خزانه پادشاهی بهش تفضل کردند اگر زن داشته باشد ۴۰ تومان یا چهل تومان اینها مسخره است آقا شما طبقه توده توجه داشته باشید و مالیات را به طبقه ای که منافع بزرگ برداشته اند هر چه میخواهید مالیات را وضع کنید ولی این را بر سهم افراد تحمیل نکنید این است که بنده با این چیز هائی که نوشته شده است موافق نیستم و این را پیشنهاد میکنم میخواهید قبول نکنید نکنید مثل خیلی از چیز هائی که قبول نمی کنید يك چیز دیگر هم که بنده میخواستم بگویم و ملتفت نشدم این است که میگویید بهره دریافتی از کلیه وجوه پس انداز و سپرده های ثابت در هر يك از بانکها در ایران و بهره حاصله از سهام دولتی ایران که خریداری نموده است در سهام پس انداز ملی که خریداری شده است این سهام پس انداز ملی بمعنی سهام شرکت عمومی منظور بوده است؟ یا نظر دیگری است آنرا هم به بیان

پس انداز میکنند و یکی هم سپرده های ثابت که در بانک ها گذارده میشوند یکی هم بهره حاصله از منابع سهام دولتی است که چند روز قبل قانونش تصویب شد که پنجاه میلیون سهام دولت بفروش میرود با این اسناد خزانه این سه چهار قسمتی را که اظهار شده است اشخاصی که وجوهی در این قسمت ها بگذارند و يك بهره بابت آن وجوه بگیرند آن مالیات گرفته نمی شود و بآن بهره ها مالیات تعلق نمی گیرد و مستثنی میشود و این هم يك تشویقی است نسبت به این قسمت ها که سپرده های بانک باشد و سهام دولتی و پس انداز هر چه بهره از این قسمت ها گرفته میشود معاف است و ازش مالیات گرفته نمی شود اما قسمت آخر ه که فرمودید منافع وجوهی که بمنظور این قسمت شد که ممکن است بعضی از مالکین برای آبادی و عمران غیر از بعضی خرج هائی کرده اند و از این بابت ها سالیانه تنزیلی داده میشود این را قبول کردند آن وجوهی را که برای آبادی ملك استقراض شده باشد چه از بانک و چه بموجب اسناد ثبتی باشد و تا اول آبان ۱۳۲۲ آن را محدود کردند این اشخاص تنزیلی را که از این بابت ها می پردازند از پرداخت مالیات معاف خواهند بود.

رئیس - آقای ملك مدنی .

ملك مدنی - در دو جلسه قبل بود گویا راجع به اشخاصی که اولادشان را به اروپا میفرستند برای تحصیل مذاکره شد و پیشنهادی هم داده شد که هزینه آنها بالاخره از درآمد اشخاص کم شود و گمان میکنم آقای مخبر فرمودند که این باشد برای اینکه در موقع خودش تأمین بشود بنظر بنده موردش اینجا است و در بند ح باید افزوده شود و این فکر بنظر بنده فکر بسیار صحیحی است و ما باید تشویق کنیم آقا تا این اشخاص که اولاد زیاد دارند و متمول هستند و آنها را باروپا بفرستند و اشخاص تحصیل کرده زیاد بشود و در کشور وجودشان مفید باشد این بهتر است خصوصاً اشخاصی که اولادشان را برای تحصیل طب میفرستند آقای وزیر بهداری میدانند الآن دانشکده پزشکی ما

گنجایش بیش از صد تا در سال قبول محصل ندارد و حال اینکه کشور ما خیلی زیاده تر از این احتیاج به طبیب دارد در سال گذشته هم ما این مطلب را مذاکره کردیم که شاید يك توسعه بدانشکده طب بدهند این قضیه در آنجا مذاکره شد در موقعی که آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ بودند و موافقت کردند و قرار شد اقدام کنند و نکردند مردم مملکت آقا منحصر بطهران تنها نیست بنده مکرر عرض کردم مردم این مملکت طبقه مالیات بده که باز سنگین مالیات بدوشان است طبقه هستند که در شهرستانها و در ولایات هستند و اینها از همه نعمات محروم هستند متأسفانه تمام این دستگاه دولت که کار میکنند برای شهر تهران است و بهیچوجه دولت توجه بولایات ندارد وقتی هم آدم مراجعه میکند که مردم طبیب میخواهند خود آقای وزیر بهداری میگوبند طبیب نداریم پس ما باید خودمان مردم را تشویق کنیم که بیشتر از این طریق بتوانیم استفاده کنیم برای کشور حالا که يك همچو مالیات باین سنگینی بقول آقای انوار دارد وضع میشود مصلحت کشور هم در این است و بنده خودم هم با این فکر موافق هستم يك مزایائی هم باید قائل شویم باین جهت بنده يك پیشنهادی دارم در این موضوع و تقاضایم این است که آقای وزیر دارائی و آقای مخبر هم با این منظور موافقت بکنند این يك قسمت يك قسمت هم راجع به همان اصلاحی بود که فرمودید در بند ه راجع بقسمت منافع وجوهی که بمنظور آبادی است صحبت شد که يك پول هائی هم برای ساختمان بنا و عمارت اشخاص از بانک رهنی استقراض کرده اند و شایسته است منافع آن وجوهی هم که استقراض شده است از بانک رهنی آنها هم راجع بحساب اشخاص برای معافیت شان منظور شود اگر این نظریات که بطور کلی گفته شده تأمین است که بنده عرضی ندارم و اگر تأمین نشده است باید این قسمت هم ملحوظ نظر باشد چه فرق میکند کسی که برای ملکش قرض کرده است یا کسی برای تعمیر خانه یا برای ساختمانی هر دو اش يك منظور و يك هدف دارد وقتی ما برای زارعین



قائل شدیم باید برای خانه هم این نظریه را تأمین کنیم .  
**وزیر دارائی** - اولاً قیمت خانه ها را آقای ملک مدنی تصدیق بفرمائید که اغلب يك بولی گرفته اند و شاید خواسته اند بیایند بفرشند و بخرند و این يك چیزی است که در واقع نمیشود آنرا تشخیص داد ولی از حیث آبادی ملک البته هر چه بیشتر آبادی در املاک بشود خوب است و مفید است ولی نسبت بخانه ها و عمارات اغلب عرض کردم برای خرید و فروش بوده است و تشخیص آنها هم که برای خودش است یا برای فروش است این یک قدری مشکل است برای قسمت محصلین که بارویا فرستاده میشوند پریروز هم بنده عرض کردم اشخاص میتوانند محصل بارویا بفرستند که متمول باشند اشخاص متمول البته باید مالیاتشانرا بدهند يك کاری نیست که مخصوص فقرا و بی بضاعت باشد چون بنده الان خودم پسر را فرستادم وقتی که از عهده اش بر بیایم که میتوانم پسر را بفرستم از عهده مالیات هم که يك وظیفه است برای من مانعی ندارد و این البته برای يك طبقه ممتازی است که میتوانند این کار را بکنند تمول و دارائی دارند خرج اروپا را که میدهند خرج مالیات کشور را هم بدهند .

**رئیس** - آقای صفوی

**صفوی** - در قسمت د این ماده آقای معذل توجه بفرمائید يك ابهامی است که بایستی رفع این ابهام شود اینجا که نوشته شده است ۱۰٪ (صدی ده) کلیه درآمد حاصله از حقوق و اجرت و مزد و فوق العاده این مفهوم مخالفش این است که صدی ده معاف میشود و صدی نودش باید مشمول مالیات بشود ولی در ماده ۳ قسمت ه آنجا نوشته شده است کلیه اشخاص که از دولت ایران یا شهرداریها حقوق میگیرند فقط نسبت بآن قسمتی که از دولت میگیرند معافند اولاً اینجا ذکر نشده است که این صدی ده کلیه درآمد از حقوق مستخدمین دولتی است یا غیر دولتی؟ پس بطور کلی نوشته شده است و آن قسمت ه از ماده ۲ را هم متزلزل میکند بعلاوه وقتی که شما منظورتان این است که کلیه مستخدمین را از پرداخت مالیات معاف بکنید یعنی مستخدمین دولتی

علاوه بر ۱۲۰۰ تومان هم يك ترتیبی دارد که در این ماده نوشته شده است برای عیال چهارصد تومان برای فرزندان هم همینطور معین شده است و معاف شده است بنابراین البته ما نسبت بمستخدمین خارج که برای دیگران کار میکنند آن تخفیف هارا تا این میزان قائل شدیم و اینجا هم علاوه بر این تخفیف ها گفتم يك صدی ده هم از آن حقوق و اجرت و غیر ذلك که میگیرند این را هم حساب کنیم این هم علاوه بر آن تخفیفی است که قبلاً قائل شدیم این هم اضافه بر آن است و اگر بخواهیم از آن قسمتی هم که آقا پیشنهاد فرمودند صرف نظر کنیم باید از يك قسمت عمده مالیات صرف نظر کنیم **رئیس** - آقای تهرانچی .

**تهرانچی** - عرض کنم که آقای وزیر دارائی در این قسمت يك بی لطفی فرمودند چون مأمورین دولت با سایرین در مقابل دولت هیچ فرقی نباید داشته باشد مملکت مأمور دولتش ایرانی است سایرین هم ایرانی هستند اینجا توجه بفرمائید آقای وزیر دارائی در این لایحه تمام حقوق مأمورین دولت را از پرداخت مالیات معاف کرده است در اینجا ما از ماهی سی تومان هست یا ماهی شصت تومان یا صد تومان تا ماهی فرض کنید هزار تومان که در سال از ۱۲ هزار ریال میشود تا ۱۲ هزار تومان اینها را معاف کرده است خوب مردم دیگر چرا نباید از این معافیت استفاده کنند منظور از این چه بوده است منظور از این معافیت این بوده است که چون عوائد آنها که حقوقشان باشد کفاف مخارجشان را نمیدهد باینجهت شما معاف کرده اید که تحمیل دیگری سرشان نشود علت دیگری ندارد و منظور همین بوده است چون ما می بینیم امروز سطح زندگی بقدری گران شده است که این حقوقهایی که شما میدهد بآنها کفاف مخارج آنها را نمیدهد بهمین جهت است که شما در ماده دیگر میگوئید اگر در آمد دیگری نداشته باشد یعنی اگر حقوق تنها داشته باشد این حقوق را معاف کردید برای اینکه اگر مالیات هم بخواهید از این بگیرد قوز بالا قوز میشود و دخلش خرجش را اداره

تمیکنند و با صدی سی صدی پنجاه معافیت هم نمیتواند خودش را اداره کند اما ما نمیتوانیم مردم دیگر را مستثنی کنیم مردم دیگر هم همین مخارج را دارند و باید معاف باشند بیان آقای صفوی خیلی بموقع و وارد است چون مردم دیگری هم که بهمان اندازه عوائد داشته باشند نمیتوانند خرج خودشانرا اداره کنند آنها هم باید معاف باشند این مطلب را ما مطلقاً میگوئیم که باید برای آنها هم بهمان اندازه معافیت منظور شود اگر مقصود این است که مردم غیر مستخدم دولت زندگانشان مختل باشد آن امری است علیحده در صورتیکه بعضی از مستخدمین دولت هم ممکن است عوائد دیگری داشته باشند که اصلاً جزء درآمدشان نیاید اما سایر اهالی مزدورها مستخدمین عملیات دوائر ملی یا غیر ملی سایر اشخاصی که درآمدشان همان است که میگیرند اگر بهمان اندازه شما معاف نکنید زندگی آنها هم مختل میشود عرض دیگرم که میخواستیم توجه بفرمائید این است که قسمت الف این ماده هم عرض کنم که بند ب وجش خیلی کم نوشته شده است مثلاً برای متأهل ۴۰۰ تومان در سال یعنی برای زن که سی و چند تومان میشود مالیاتش را نگیرند به بینید يك دست لباس چیست آقا برای يك کسی که زن داشته باشد چقدر میشود بیش از سی چهار تومان است غذا هیچ شکم هیچ کفش هیچ فقط به بینید لباسش چقدر میشود خالامیفرمائید که ما کمک میکنیم باشخاص متأهل خیر آقا هم چه چیزی نیست و این منظور را شما تأمین نکرده اید استدعا میکنم قسمت ب را بهش اضافه بفرمائید و بفرمائید ده هزار ریال برای هر کسی که متأهل است زیاد هم بنده استدعا ندارم اولاً قسمت الف را ۱۲ هزار ریال بکنید و برای قسمت ب وج برای هر يك اولاد یا زن ده هزار ریال بکنید که در ماه میشود ۸۰ تومان باز هم زیاد نیست یکجفت کفش الآن هشتاد تومان است برای يك بچه در سال اگر دو جفت کفش بخواهید بخرید یکصد و شصت تومان است خودش میشود در سال برای چند اولاد میشود چندین ده هزار ریال پس این مبلغ کمک زیاد نیست یا هیچ نکنید و این دو تا پول



سیاه هم نمایارزد و خیلی کم است باید يك كاری بکنید که داشتن عیال و اولاد، توالد و تناسل را تشویق بکنید هر جامعه هر ملتی که توالد و تناسل را تشویق نکند در انظار خارجی قیمتی ندارد. قسمت دیگر عرض بنده در قسمت ز بود اینجا استئنا کرده است پولتی را که نپرداخته باشد در ظرف سال بنده میگویم اگر نپرداخته است ازش صرف نظر میکنند و نمیگیرند ازش مقصود چیست؟ آقای وزیر دارائی توجه بفرمائید قسمت زمین و سد و جو هیکه برای عمر خود یا بستگانش در عرض سال پرداخت نموده پس از کسر مبلغ وامی که از شرکت بیمه یا بانکها در ظرف سال دریافت و تا آخر سال پرداخت نکرده باشد البته مقصود از اینکه کسر کرده اید بیمه است که شرکت بیمه میدهد چیزی که میدهد اینها همه میروند بچیب دولت این چیزی را که داد بچیب دولت میروند مالیات میگیرند آنوقت تازه از این هم میخواهند چیزی بگیرند همه معاملات با شرکت بیمه ایران است از این هم میخواهند بگیرند پولی که بعنوان وام گرفته و تا آخر سال نپرداخته میخواهید صرف نظر کنید؟ مگر شرکت بیمه از آن قسمت که پرداخته صرف نظر میکند نه! سال دیگر میگیرد چرا پس منهایش میکنید اگر وامی که پرداخته باشد در همان سال بیمه گذشت میکند و باو میبخشد این استئنا مورد دارد ولی آنها که گذشت نخواهند کرد و در اقساط بعدی خواهند گذاشت یا سال بعد ازش خواهند گرفت در قسمت ح هم راجع بوجوهی که بمنظور آبادی ملک گرفته اند البته آن خوبی ندارد بایستی که پیردازد چه بهره برداری چه تجارت چه ساختمان حالا فرمودید که بعضی ها ممکن است پول گرفته باشند و ساختمان نکنند باید آن منفعتی که میبرند البته منافع زیادی برده اند آن منافع کسر شود پس گرفتن وجوهی برای بهره برداری و آورده بهره مالیات هم داده است البته اضافه بر عوائد خودش کرده است مثل هزینه است که بر هر مال التجاره اضافه میشود و این هم مورد قبولان است یعنی هر چیزی که ازش انتفاع برده شود باید منظور شود

**وزیر مشاور (آقای فهیمی)** - اینجا آقایان راجع به قسمت مالیات مستخدمین و معافیت آنها فرمودند و اظهار کردند که سایر مزدورها هم باید همانطور باشند اما یک قسمت را ملاحظه نکردند که مزدور غیر دولتی به نسبت بالا رفتن نرخ زندگانی دستمزدش را روز بروز زیاد میکنند ولی مستخدم دولت این حق را ندارد يك حقوق معینی باو میدهند و باهمان زندگانی میکنند قانون افزایش هم گذشت که بهیچوجه کمکی بحال مستخدمین نکرد در قدیم روزی سه قران چهار قران مزد داشت الان روزی سه تومان و چهار تومان میگیرد اما مزدور های خارج یعنی غیر دولتی تمام اینها می توان گفت مزدشان و اجرتشان را روزانه زیاد میکنند تنها طبقه که از آن عمل محروم است مستخدم دولت است و بس و با يك حد معینی باید همیشه زندگانی کنند همیشه بسختی باید زندگانی کنند برای مستخدم ملی بهر اندازه که زندگانی جلو میروند حقوقش جلو میروند ولی برای مستخدم دولتی نمیکنند مگر گاهی بعنوان کمک و با آنها چیزی داده میشود علاوه بر این مستخدم دولت پولی که میگیرد میدهد مال دولت است يك مسئولیتها دارد که دیگران آن مسئولیت ها را ندارند باید رعایت این نکته را هم کرد. بین مستخدم دولت و سایر اشخاصی که اجرت میگیرند خیلی فرق است اینها مسئول کلیه قاطبه ایران هستند ولی مستخدمین غیر دولتی فقط مسئول رئیس خودشان هستند و آزادند که کار کنند یا نکنند اما راجع بمعافیهای عیال و اولاد برای عیال و اولاد شاید یک قدری کم باشد اما این قسمت را هم باید در نظر گرفت که اگر همه معافیهای را که در این قانون منظور شده است جمع کنیم می بینیم که خیلی کمک شده است غیر از آن معافیتی که منظور شده صد تومان برای خودش برای اولاد سیصد تومان برای عیال چهار صد تومان شاید متجاوز از دو هزار تومان از عایدات خالص آنها معاف شده است اگر بنا بشود متدرجاً معافیت بیاریم جلو دیگر چیزی باقی نمیماند اما گرانی زندگی را فرمودید شما آقای طهرانچی يك شخصی هستید متنفذ

همینقدر شما رفقایان راجع کنید و بگوئید چیت یک قدری بیاورید پائین ( طهرانچی - شما سیگار را دو مقابلس نکنید ) باید آنها هم يك قدری بیاورند پائین کمک کنند طبقه بی بضاعت بیچاره که زندگانی ندارند هر قدر اینها برود والا البته زندگانی این طبقه مردم هم سخت تر میشود بهر جهت اگر معافیت هائی که در اینجا منظور شده است در هر يك از مواد، در نظر بگیریم از حد قبلی هم تجاوز میکند و بنده گمان می کنم با این معافیهای زیادی که داده شده است شاید در سال آتی مالیات بقدر امسال هم وصول نشود این است که استدعا می کنم يك قدری مساعدت بفرمائید که برای دولت هم يك چیزی باقی بماند

#### ۴ - ختم جلسه بعنوان تنفس |

**رئیس** - اجازه میفرمائید تنفس داده بشود تا سه ساعت بعد از ظهر. ( صحیح است )

در این موقع (یکساعت و نیم بعد از ظهر) جلسه بعنوان تنفس تعطیل و دو ساعت پیش از ظهر روز چهارشنبه ۱۸ آبان مجدداً تشکیل گردید

**رئیس** - آقای طوسی

**طوسی** - بطوریکه خاطر محترم آقایان متذکر است ماده ۹ خوانده شده است حالا پیشنهادات مطرح است

**رئیس** - پیشنهاد آقای بهبهانی :

پیشنهاد مینمایم در قسمت ج ماده ۹ شهزار ریال اضافه بر مبالغ فوق نوشته شود

**رئیس** - آقای بهبهانی

**بهبهانی** - یگمرتبه بنده مذاکره کرده ام ولی این بخشودگیهائی که در این قانون ملاحظه شده است نسبت بوضعیت گرانی جنس و زندگی مناسب نیست اصل منظور قانون و قانون گذار در این قانون نسبت به متمولین و کسانی است که در آمد فوق العاده دارند که از آنها گرفته شود اولاً در همان قسمتی که در صد تومان و در سالی هزار و دویست تومان بخشودگی قائل شده اند فکر بکنید که یک نفر آدم که صد تومان دارد و کار میکند روزی چهار تومان یا پنج تومان

میگیرد ماهی ۱۵۰ تومان عایدی دارد با وجود این زندگانی او کمتر از کسانی که در این شهر زندگی می کنند میباشد در هر صورت اینجا آمده اند و گفته اند اگر کسی صد تومان داشته باشد بخشودگی دارد ولی اگر با زنش و فرزندانش بخواید زندگی کند چهار صد تومان دیگر برای هزار و دویست تومان اضافه میشود اگر بچه داشته باشد در بچه ها اضافه شده است که سیصد تومان اضافه میشود آقایان اغلب اولاد دارند و میدانند که مخارج یک نفر بچه از یک نفر بزرگ بیشتر است یک نفر بچه گذشته از اینکه باید خوراک و پوشاکش بهتر و مناسب تر باشد مخارج فوق العاده ای هم دارد و این مخارج فوق العاده باور بفرمائید که کمر شکن است تصور بفرمائید که این بچه امروز ناخوش میشود در ناخوشی امروز وضعیت نسخها معلوم دواها معلوم وضعیت د کترها معلوم است من نمیخواهم تنقیدی از دکترها یادارو فروشها بکنم مملکت گرانی است و در گرانی این زحمتها بر مردم وارد است اگر يك هفته این بچه بخوابد اقل صد تومان خرج دوا و طبیب میشود علاوه بر این خرج مدرسه دارد شما تصدیق بفرمائید که این خرج مدرسه از کوچک و بزرگ کمر شکن است هر روز يك خرجهائی دارد و گذشته از این حقوق مدارس هم زیاد شده است همه که بچه هایشان را بمدارس دولتی نمیفرستند و اگر هم بفرستند باز يك مخارجی دارد بنابر این بنده عقیده ام این است که ۶۰۰ تومان کافی برای اداره کردن يك بچه در یکماه نیست برای اینکه گذشته از خوراک مخارج فوق العاده دارد و مخارج مدرسه هم دارد حالا اگر این بچه یک قدری بزرگتر شده باشد مخارج مدرسه اش بیشتر است و مخارج خورد و خوراکش هم بیشتر است بنابر این تقاضا میکنم از آقای وزیر دارائی که يك توجهی بکنند و یک قدری بیشتر برای مردم و بچه دارها و اشخاصیکه واقعاً بیچاره هستند فکری بکنند.

**معدل** - (مخبر کمیسیون) - اساساً بیانات آقای بهبهانی صحیح است که مخارج يك طفل و بزرگ کردن يك بچه البته پیش از این مبلغی است که در قانون منظور شده است

ولی توجه باین نکته اساسی داشته باشند که مالیات این مبلغ فقط معاف است و این مالیات بسیار جزئی و ناچیز است با مالیات سیصد تومان البته این نکته را در نظر بگیرید که دولت حالا تصور نمیکند که از این مالیات باین وضعیتی که دارد تصویب میشود مبلغ هنگفتی بدست میآید و در قانونی که سابق تصویب شده و الآن به موقع اجرا گذاشته میشود و در کار است هیچ اینچیزها منظور نشده است اینها يك شالوده‌هائی است که در این قانون گذارده شده بعدا گر دیده شد که عواید رو باز زیاد می‌رود البته این اختیارات بل مجلس شورای ملی است که همیشه اینها را از بین ببرد و امروز اگر ما بخواهیم این مستثنیات و این تخفیفات را زیاد بکنیم بیم این می‌رود که بمقصد نرسیم و شاید آن مالیاتی که الآن عاید خزانه میشود بآن هم نرسیم بنابراین تصور میکنم که بهتر این است آقایان موافقت بفرمایند که باین ترتیب قانون بگذرد اصل مجلس شورای ملی و دوامش در حکومت دموکراسی این است که همیشه قوانین در حال آزمایش است یعنی همیشه این حق برای مجلس باقی است که اگر در حین عمل دید يك جای قانون نقص دارد اصلاح کنند راجع باین قانون هم از اول ۱۳۲۳ نمیشود نتیجه‌اش را پیش بینی کرد تقریباً از موقعی که با اجرا گذاشته میشود و از آن تاریخ که وجهش گرفته میشود یعنی در حقیقت از خرداد اجراء میشود اگر در آن موقع (که البته تا آنوقت مجلس بعد افتتاح شده است) دیدیم افراد در زحمت هستند ممکن است وضعیتش را تغییر بدهیم و الا با این ترتیب یعنی در موقع طرح هر ماده اگر از طرف آقایان نمایندگان گفته شود که آقا اینطورش بکنید آنطورش بکنید با این وقت کوتاهی که ما داریم برای گذراندن این همه قوانین مهمی که در دست ما گذاشته‌اند کار پیش نمی‌رود و بنده عقیده‌ام این است که آقایان موافقت بفرمایند که این قانون باین صورت فعلی بگذرد این حق برای ماها همه باقی است که اگر در هر جا نقصی دیدیم رفع آن نقص را بکنیم.

رئیس - آقای بهبهانی .

بهبهانی - عرض کنم در قوانین باید ملاحظه اضعف را

کشور تهیه شود و از آن زیادی پول يك فکرهايي در مملکت بشود حالا ديگر بسته است بفکر آقایان (نمایندگان رأی رأی).

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای بهبهانی آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد (دو مرتبه پیشنهاد آقای بهبهانی بشرح سابق خوانده شد) رئیس - پیشنهاد آقای مهذب

مهذب - صبر کنید تا تکلیف پیشنهاد آقای بهبهانی معلوم شود پیشنهاد آقای بهبهانی اینطوریکه حالا احساس میکنم این است که (بجای ۳ هزار ریال نوشته شود ۶ هزار ریال) و الا نظرشان به بقیه ديگر نیست بقیه عبارت را نمی‌خوانند تغییر بدهند در حالیکه منظور حقیقی آقا نسبت به سه هزار ریال است که شش هزار ریال شود (بهبهانی - صحیح است) رئیس - پیشنهاد آقای مهذب هم در همین زمینه است و نظرشان تأمین شده است پیشنهاد آقای ملک مدنی :

پیشنهاد مینمایم که بند ج ماده ۹ اضافه شود . همچنین هزینه محصلین که بخارجه برای تحصیل رفته‌اند مطابق مدارک تحصیلی او که باید ارائه داده شود .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عرض زیادی ندارم عرض میکنم يك اشخاصی هستند که اولادشان را برای تحصیل بخارجه می‌فرستند کشور هم احتیاج دارد که هرچه بیشتر اشخاص تحصیل کرده از خارجه بیاید استفاده بیشتر میشود با آقای وزیر دارائی هم عرض کرده‌ام حتی صحبت شد که يك مبلغی برای هزینه آنها در نظر گرفته شود بین دو هزار تومان و ۴ هزار تومان و در ماه بنده عقیده‌ام این است که پیشنهاد خوبی است تشویق میکنند اشخاصی را که میتوانند اولادشان را بخارجه بفرستند سابقاً هم دولت مبالغی پول میداد که محصل بخارجه بفرستند حالا ما هم اینجا ارفاق کنیم که از پول خودشان اولادشان بفرستند بخارجه و تحصیل کنند بر گردند بمملکت و از مالیات معاف شوند بنظر بنده مطلب صحیحی است و امیدوارم آقای وزیر دارائی قبول کنند

مهذب (نخبر کمیسیون - يك مبلغ ثابتی را پیشنهاد بفرمائید برای اینکه اگر غیر ثابت باشد این موضوع عملی نمیشود گویا آقای دکتر ادهم هم در این باب يك پیشنهادی کرده‌اند که مبلغ ثابتی دارد آنرا قرائت مفرمایید که شاید مورد موافقت قرار گیرد .

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر ادهم :

پیشنهاد میکنم که در ماده ۹ اضافه شود کسانی که اولاد خود را برای تحصیل بخارج از ایران روانه نمایند برای هر اولادی سالی دوازده هزار ریال

مهذب (نخبر کمیسیون) - با دوازده هزار ریال موافقت میشود .

وزیر دارائی - عرض کنم که البته از نقطه نظر اینکه بعضی از آقایان نمایندگان نظر داشته‌اند که مبلغی برای خرج تحصیل در قانون تعیین شود چنانچه بریروز هم عرض کردم برای اینکه تأمین نظریه آقایان بشود موافقت کردم که دوازده هزار ریال نوشته شود برای خرج تحصیل و معاف شود حالا خواهش میکنم که آقای ملک مدنی هم با همان ترتیبی که دکتر ادهم پیشنهاد کردند موافقت بفرمایند تا بعد ما بتوانیم ترتیب بهتری بدهیم حالا اگر بخواهیم يك مبلغی اضافه کنیم بعقیده بنده از این قانون چیزی باقی نخواهد ماند .

رئیس - آقای دکتر ادهم

دکتر ادهم - بنده دوازده هزار ریال که پیشنهاد کردم میدانم که دوازده هزار ریال کافی نیست که بتواند زندگی کند برای اینکه حد اقل در آنجا به ۳۰۰ تومان یا چهارصد تومان با بیشتر احتیاج دارد برای اینکه در عایدات مالیات بر درآمد يك کسر زیادی وارد نیاید این مبلغ را پیشنهاد کردم که کمک بشود و تشویق بشود برای آنها

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم بنده تعجب میکنم از آقای دکتر حکیم الدوله که خودشان فرنگستان رفته‌اند و الآن بچه‌هایشان هم آنجا هستند بالاخره باید اگر کاری میکنند



يك كار صحيحی باشد بنده با این پیشنهاد آقای دکتر ادهم و نظر آقای وزیر دارائی موافقت میکنم ولی ملاحظه بفرمائید که دوازده هزار ریال برای یکنفر محصل چیزی نیست

**رئیس** - بنده هم تصور میکنم که این مبلغ دوازده هزار ریال خیلی کم است برای اینکه جاهائی هست مانند انگلیس و فرانسه و آلمان که هیچ مناسب نیست با این مبلغ زندگی کرد

**رئیس** - پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود که در قسمت ج از ماده ۹ بترتیب زیر اصلاح شود .

بهره و جوهریکه برای تحصیل درآمد کسب و تجارت و یا برای آبادی ملک از بانگها استقراض شده باشد یا استقراض هائیکه در دفاتر اسناد رسمی بموجب اسناد ثبتی قبل از اول آبانماه ۱۳۲۲ بعمل آمده است

**معدل** (مخبر کمیسیون) - با پیشنهاد آقای دکتر موافقت میشود .

**رئیس** - پیشنهاد آقای مرآت اسفندیاری :

پیشنهاد میکنم که در ماده ۹ بند ج برای هر يك از فرزندان شش هزار ریال منظور شود (بعضی از نمایندگان اینکه تمام شد)

**رئیس** - پیشنهاد آقای صفوی :

در ماده ۹ قسمت د پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود :

د - درآمد منحصر از حقوق و اجرت و مزد و فوقالعاده ها

**رئیس** - آقای صفوی

**صفوی** - در این قسمت بنده مکرر توضیحاتی عرض کردم که گویا آقای معدل درست توجه نفرموده اند توجه بفرمائید در قسمت ه از ماده ۹ کلیه کارمندان را که از صندوق دولت حقوق میگیرند از پرداخت مالیات معاف کرده است همچنین کلیه اشخاصیکه از دولت ایران یا شهر دارها حقوق میگیرند در صورتیکه در قانونیکه فعلاً مجری است و

مالیاتش را بدهد برای اینکه مملکت خرج دارد فرق نمیکند بنده که و کیل هستم هاهی پدیت و هفت تومان باید مالیات بدهم همینطور وزراء و سایرین چرا ندهیم چرا مستخدم دولت را معاف کرده اید (با عصبانیت) چرا باید مستخدمی که در يك بنگاه ملی کار میکند مالیات بدهد چرا این فرق طبقاتی را در قانون قائل شده اید این یعنی چه مجلس باید بتمام افراد بيك نظر نگاه کند (نمایندگان - صحیح است) بنده عرض میکنم یا از همه بگیرد یا از همه نگیرد مطابق این ماده ۳ که الان اجرا میشود از چهل و پنجاه هزار نفر پنجاه هزار نفر مستخدم حقوق بگیرد در آخر ماه از حقوقشان کسر میگذارید و میدهید بخزانه دولت این بدست و چهار پنج قران برای یکنفر کارمند تأثیر دارد ولی وقتیکه جمع شد در درآمد دولت مؤثر است شما همه کارمندان دولت را معاف کرده اید آنوقت اضافه هم بهشان میدهید کمک میکنید لایحه ۵۰ میلیون میآورید و میخواهید کمک کنید و جنس ارزان میدهید و برایشان فروشگاه درست میکنید بنده هم موافقم البته باید کمک کنید ولی عرض میکنم بین آنها و بین مستخدمیکه در تجارخانه ها و یا فرضا در بنگاه جوش اکسیژن کار میکند چرا فرق قائل شده اید او چرا باید مالیات بدهد و مستخدم دولت ندهد اگر اشخاصیکه شغل آزاد دارند او باید مالیات بدهد مستخدم دولت هم باید بدهد زیرا همه از منافع کشور و تأسیسات کشور و سازمانهای کشور باسویه استفاده میکنند کسیکه از بهداری و فرهنگ حقوق میگیرد با يك معلمی که در مدارس ملی تدریس میکند باید فرقی نداشته باشد معلمینی که در مدارس عالیه دولتی کار میکنند نباید از حقوقشان کم شود ولی معلمی که در مدرسه ملی تدریس میکند باید از حقوقش کم بشود و مالیات بدهد این فلسفه ندارد آنروز که بنده عرض کردم آقای وزیر دارائی فرمودند که ما نمیتوانیم از یکدست بدهیم و از یکدست بگیریم آقا این فلسفه درست نیست پس خواهش میکنم که بفرمائید امروز پول نان سیلوراهم از مستخدمین نگیرند چون از یکطرف میدهید و از یکطرف میگیرید

مالیات يك چیزی است که باید هر کسی عادت کند و عادت هم کرده است ملت ایران بر دبار ترین ملتها است که همیشه نسبت بقوانین موضوعه سر تکریم فرود آورده و اطاعت کرده است الان همه مردم عادت کرده اند آقای وزیر دارائی توجه بفرمائید اگر ما بخواهیم این شکل عمل بکنیم یعنی ماده ۳ را که در قانون فعلی است برداریم و این اشکرا که برای مالیات حقوق تعیین کرده است حذف کنیم آنوقت سر و کار تمام مأمورین با مردم است حالا کارخانه ها و بنگاه ها یا کارخانه جوراب بافی آخر ماه که میخواهد حقوق مستخدمین خودش را بپردازد يك لیست تهیه میکند و روی این لیست مالیات را از حقوق آنها کم میگذارد و مالیات را میفرستد بداره دارائی ادارات دارائی هم دیگر با آن مستخدم کاری ندارد و رئیس آن بنگاه مسئول حقوق مستخدمینش است حالا شما این اشکرا حذف کرده اید و نمیدانید که همه سر و کارشان با ادارات دارائی باید باشد یعنی آن بنای روزی ده تومان مزد و آن مستخدم بنگاه ملی همه باید اظهار نامه بدهند و این ترتیب در محل موجب اشکالات میشود اگر ما هم نفهمیده و نسنجیده بخواهیم رأی بدهیم تولید زحمت برای مردم کرده ایم بنده عرض میکنم که تمام را یکسان بکنید یا بنده هم مالیات بدهم آقای وزیر دارائی هم مالیات بدهند مستخدمین دولت هم متناسب حقوقشان مالیات بدهند یا تمام مستخدمین ندهند این کار معنی ندارد . . .

**رئیس** - آقای صفوی مختصر کنید .

**صفوی** - مختصر یعنی چه من حق دارم مطالب خودم را بگویم چه معنی دارد؟ مطلب مهم است ما که مکتب خانه نیامده ایم چه فرمایشی آقای رئیس میکنند؟! مطلب انسانی است توجه کنید من میگویم باین ترتیب سر و کار تمام افراد مردم با وزارت دارائی و با مأمورین دارائی است و اسباب زحمت مردم میشوند اگر میخواهید مالیات بگیرد يك اشلی معین کنید و هر کس که عایداتش بآن مبلغ رسید از ش مالیات بگیرد و اگر عایدات بیشتری داشت بیشتر مالیات بگیرد بخواه مستخدم دولت باشد یا غیر مستخدم



دولت مثل همین ماده ۳ قانون اصلاحی ۱۳۱۷ که الان دارد عمل میکنند که مستخدم دولت و دیگران همه مالیات میدهند اگر کسی عایدانش کمتر است البته کمتر مالیات میدهد بنده تقاضا میکنم این ماده را از این قانون بردارید و میزانی قائل بشوید که اسباب زحمت مردم نشود از مستخدمین دولت بگیرید از سایرین هم بگیرید مگر وزارت فرهنگ از بچه های مستخدمین که میروند در مدارس عالییه تحصیل میکنند شهریه نمیگیرد؟ مستخدم دولت وقتی بچه اش را میگنارد در مدارس عالییه باید شهریه بدهد اینها جزء خرج هر کس است هر کسی باید مالیاتی را هم که بدولت برای مخارج عمومی لازم است بدهد و باید همه یکسان باشند اگر این ترتیب اجرا نشود دچار اشکال خواهیم شد.

**معدل** - فرمایشات آقای صفوی چون یکقدری با حالت عصبانی بیان فرمودند بنظر پیچیده آمد و الا مطلبشان روی این اصل بود که چرا از مستخدمین دولت مالیات گرفته نمیشود و بنده وقتی بخوام جواب این قسمت را عرض کنم جواب قسمت مهمی از فرمایشاتشان داده شده. عرض کنم به مستخدمین دولت تا بحال دولت حقوق میداد و يك مالیاتی هم ازشان میگرفت و يك عده ای را هم نشانده بود و بآنها حقوق میداد که حساب مالیات مستخدمین را بکنند در صورتیکه دولت از آن دست بآنها میداد و از دست دیگر حساب میکرد و ازشان پس میگرفت این نظری را که فعلاً دولت اتخاذ کرده است يك عمل حسابی بوده است دولت آمده است گفته است بجای اینکه بشما ۴۷۵ تومان حقوق میدهیم و بیست و هفت تومان ازش کسر میکنم چهار صد و پنجاه تومان بشما واجب میدهیم. این فلسفه این کار است حالا خواهید فرمود که به مستخدمین دولت زیادتر رعایت میشود و چرا این رعایتها می شود که برای مستخدمین دولت فروشگاه درست کرده اید ذغال میدهید هیز میدهید بنده عرض میکنم قبلاً آنقدر که ما از مستخدمین دولت طرفداری میکردیم خود دولت طرفداری نمیکرد خود شما همیشه در طرفداری از مستخدمین دولت جدیت داشتید نسبت

مدنی شرحی فرمودند مثل بانک ملی و بانک کشاورزی که تمام یا يك قسمتی از سرمایه آنها را دولت داده است در این قسمت هم فرمودند که چرا آنها را معاف نکرده اند بنده با اینکه جواب این قسمت را واگذار کرده بودم که در شور کلیات عرض کنم ولی حالا که مذاکره در این قسمتهاش در عرض میکنم که نمیشود آنها را مثل مستخدمین دولت معاف کرد چون مستخدمین دولت مطابق يك قوانین خاصی و يك نظامات معینی حقوق میگیرند و دولت کمتر اختیار دارد حقوق آنها را کم و زیاد کند مگر بموجب آن قوانین ولی حقوق مستخدمین این مؤسسات اختیارش با هیئت مدیره شان است یعنی ممکن است هیئت مدیره امروز عصر تشکیل بشود و حقوق عده از اعضاء را صد ده اضافه کنند یا خیر می بینند فلان عضو بهتر کار نمیکند با اضافه نمیدهند و بهمان فلسفه ای که میگویند هر چیزیکه بدست دولت افتاد خراب میشود برای این است که دولت همه را بيك چشم نگاه میکند و میگوید که هر کس فلان رتبه دارد باو فلان مبلغ اضافه بدهند ولی در آن مؤسسات اگر مستخدمی بهتر کار کرد بهتر حقوق باو میدهند و هر وقت هم بخواهند باو حقوق میدهند و تابع مقررات خاصی هم نیستند بنابراین آنها را نمیشود تابع این قسمت قرار داد اما اینکه ضمن فرمایشاتشان فرمودند (با اینکه حق است که آقای وزیر دارائی جواب این قسمت را بفرمایند) بنده عرض نکردم که چشم بسته رأی بدهید و بنده هم که از این لایحه دفاع میکنم فقط عرض بنده این است که تشخیص خود ما این است که این قانون را بگذرانیم وقتیکه خواستیم بگذرانیم آنوقت آنقدر دست بردن در قانون که دیگر صاحبش آنرا نشناسد موجب خواهد شد که از روز اول در اجراش اشکال تولید میشود و الا پیشنهاداتی که واقعاً مورد قبول و نظر آقایان و مفید و خوب باشد مسلماً قبول میشود الا ملاحظه فرمودید پیشنهاد آقای د کتر طاهری بدون اینکه توضیح داده شود و بحث شود درش موافقت شد پس بنابراین این را خیال نکنید که میگویند

به همین صورتی که داده ایم همین صورت تصویب شود ولی برای اینکه این وقت باشد سایر قوانین لازم را هم بگذرانیم و تصویب شود بهتر این است که زود تر باین قانون آقایان رأی بدهند که تکلیف این قانون معلوم شود و برای آن لوایح هم وقت باقی بماند.

**رئیس** - آقای صفوی به پیشنهاد شما رأی بگیریم؟  
**صفوی** - بلی رأی بگیرید نباید فرقی بگذارید بین مستخدم دولت و سایرین.

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای صفوی موافقین برخیزند (عده کمتری برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد آقای منشور:

پیشنهاد میشود در ماده ۹ بند (ه) نوشته شود: منافع و جوهری که بمنظور آبادی ملک و ساختن خانه و مستغلات از بانکها و اشخاص و سایر مؤسسات استقران شده باشد.

**معدل** - وقتی با پیشنهاد آقای د کتر طاهری موافقت شد آنهم عین پیشنهاد آقای منشور است و نظرشان تأمین شده.  
**منشور** - صحیح است. پس میگیرم.

**رئیس** - پیشنهاد آقای امیر تیمور:  
ط - برای هر يك پدر یا مادر یا برادر یا خواهر علیل و پیری که قادر به تأمین اعاشه خود نباشند شش هزار ریال.  
**معدل** - این پیشنهاد را دو مرتبه بخوانند.

(شرح سابق خوانده شد)  
**رئیس** - آقای امیر تیمور:

**امیر تیمور** - ملاحظه بفرمائید در این ماده يك قسمت هائی را مشمول معافیت قرار داده اند برای فرزند و عیال و اینها فرض کنیم که جنابعالی دارای يك پدر یا مادر یا خواهر علیل پیر و از کار افتاده داشته باشید که آنها قادر باعاشه و زندگانی خودشان نباشند البته بایستی يك رعایت هائی هم نسبت به مؤدی که متکفل مخارج آنها است بشود و این هم يك چیز فوق العاده عادلانه ایست و شش هزار ریال هم حد اقل يك خرجی است که برای یک نفر در نظر گرفته میشود بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه دارای چنین پدر یا

مادر یا برادر و خواهری باشد که از کار افتاده و علیل باشند نسبت بآنها هم این رعایت بشود و استدعا میکنم آقای مخبر و آقای وزیر دارائی لطفاً این پیشنهاد را قبول بفرمایند

**وزیر دارائی** - در جلسه دیروز هم بعرض آقایان رساندم که این لایحه مالیات بردرآمد مدتی در کمیسیون مطرح شود و مذاکره بود و بالاخره يك توافق بین کمیسیون و دولت در این قانون حاصل شد و آن را پرتی که از طرف کمیسیون داده شد همانطور که آقایان ملاحظه فرمودند از نقطه نظر اینکه زودتر بگذرد دولت همان راپرت کمیسیون را بقید دوفوریت پیشنهاد کرد و مجلس هم موافقت کرد که قانون باینصورت بگذرد البته در اطراف این قانون در کمیسیون يك مذاکره شد و توافق شد که این قانون بصورتی بگذرد که مفید باشد و بتواند جبران کسری بودجه مملکت و وضعیت حاضر را بکند حالا البته هر قسمتی از این مطالبی که هست همه آنها بجای خودش صحیح است همچنین پیشنهادی که آقای امیر تیمور فرمودند و پیشنهادات دیگر آقایان که از نقطه نظر ارفاق به مؤدیان است ولی از یکطرف دیگر هم ما يك نظری از این قانون داریم اگر بنا باشد در همه قسمتهایش ما تخفیف قائل شویم و از بین برود بالاخره آن مقصود و منظوری که ما داریم بالنتیجه از بین میرود بنابراین بنده تصور میکنم همانطوری که در بعضی قسمتها موافقت شد و با رئیس کل دارائی و سایر مستخدمین هم که از این قوانین اطلاعات بیشتری دارند مشورت شد و در کمیسیون موافقت شد آقایان هم موافقت بفرمایند بهمین ترتیب بگذرد زیرا در هر يك از این مواد و قسمت ها يك مذاکرات مفصلی در کمیسیون شد و اگر ما بخواهیم در هر قسمتی يك چیزی کسر بکنیم و تخفیفی در نظر بگیریم گمان میکنم آن نتیجه که مطلوب است از دست خواهد رفت البته هر نظری که در مجلس شورای ملی مورد موافقت اکثریت آقایان باشد و آقایان صلاح بدانند ما هم قبول میکنیم و مورد موافقت است ولی آقایان هم باید در نظر بگیرند که این قانون طوری نشود که آن نتیجه مطلوبه از

بین برود حالا دیگر بسته بنظر مجلس است.

**وزیر پست و تلگراف** - قبل از اینکه رأی به این پیشنهاد گرفته شود (چون ممکن است تصویب بشود) بنده يك تذکره عبارت از داشته‌ام. در ماده نوشته شده است برای هر يك از فرزندان وقتی که در مورد پدر یا مادر هم طبق این پیشنهاد نوشته شود برای هر يك از پدر یا مادر این تعداد پدر یا مادر بنظر زننده میآید و فرض تعدد می‌رود.

**امیر تیمور** - پیشنهاد شده برای هر يك از پدر یا مادر یا برادر و خواهر و اینهم درست است.

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای امیر تیمور موافقت بر خیزند (عده کمتری قیام نمودند) تصویب نشد.

**تهرانچی** - عده که برخاسته بودند سی و شش نفر بودند و تصویب شد. اگر تردیدی هست دو مرتبه رأی گرفته شود.

**رئیس** - تردیدی نبود که مجدداً رأی گرفته شود و رد شد.

**تهرانچی** - تردید شد و مطابق نظامنامه باید با ورقه رأی گرفته شود.

**رئیس** - عده موافقین سی و چهار نفر بود و از هفتاد نفر عده حاضر رد شد. پیشنهاد دیگر آقای امیر تیمور: پیشنهاد میکنم: در آخر قسمت (ح) ماده ۹ اضافه شود (فرع قروض ثابت)

**رئیس** - آقای امیر تیمور.

**امیر تیمور** - یکی در قسمتهای خوب این ماده ۹ همین قسمت (ه) است و بنده يك جمله هم اینجا اضافه کردم که فرع قروض ثابت هم اضافه شود. آقای مخبر تمنا میکنم توجه بفرمائید مالیات را اشخاص بایستی به نسبت دارائی و تمکن و توانائی که دارند بدهند ولی فرض بفرمائید يك کسی است قروض زیادی دارد و در سال يك مبالغ زیادی باید فرع آن قروض را بدهد اقلاً آن فرعی را هم که میدهد از مالیات معاف کنید و این پیشنهاد فوق العاده عادلانه است زیرا مالیات را اشخاص متمکن باید بدهند نه اشخاصی که

فرض دارند و مبالغی باید فرع آن قروض را بدهند و تمنا میکنم آقای مخبر قبول بفرمایند.

**معدل** - پیشنهاد آقای دکتر طاهری که مورد موافقت قرار گرفت. يك قسمت از نظر آقای امیر تیمور را تأمین میکند برای اینکه در آنجا ذکر شده است که برای کسب و تجارت و امور رعیتی و کشاورزی و ساختمان مستغلات افراد از بانکها میتوانند قرض کنند و فرع آنرا بحساب بیاورند و قسمت دیگر هم که در خود ماده است فرع قروضی که در دفاتر اسناد رسمی بموجب اسناد ثبتی تا اول آبان ۱۳۲۲ بعمل آمده محسوب میشود اگر میخواهید بفرمائید ز این ببعدهم اگر اشخاصی با افراد قرضی داشته باشند محسوب شود ایجاد اشکال میکند برای اینکه ممکنست يك اشخاصی باشند که چندان حسن عمل نداشته باشند و بیایند يك صورت ظاهری درست کنند و با همدیگر تباخی کنند و این کار برخلاف منظور است (امیر تیمور - از بانکها فقط) نسبت به بانکها نظر حضرتعالی تأمین شده است (امیر تیمور - نوشته شود فرع قروض ثابت از بانکها) این قسمت نوشته شده و در ماده هست.

**امیر تیمور** - بنده از توضیح آقای مخبر اتخاذ سند میکنم چون نظر بنده تأمین است و فرع قروضی که اشخاص از بانکها کرده‌اند و فرع ثابت میدهند معاف است مسترد میدارم.

**رئیس** - پیشنهاد آقای مجد ضیائی

بعد از تکلمه مشغول تحصیل باشند نوشته شود: یا اولادی داشته باشند از کار افتاده یا علیل

**رئیس** - آقای مجد ضیائی

**مجد ضیائی** - ملاحظه بفرمائید در ماده مینویسد و معافیت فرزندان تا سن ۲۵ سالگی در صورتیکه مشغول تحصیل باشند باقی خواهد بود ولی بعد از ۲۵ سالگی این معافیت از بین می‌رود ولی اگر يك کسی اولاد عیالی داشته باشد که بعد از ۲۵ سالگی هم از عهده کار کردن بر نیاید در اینصورت شامل این بند نمیشود...

**معدل** - بیشتر توضیح بفرمائید که مقصود را بفهمم

**مجد ضیائی** - در اینجا ۲۵ سالگی موقع معافی فرزند تمام شده است اگر يك کسی يك دختری داشته باشد که علیل و از کار افتاده باشد شامل نخواهد شد و خودتان تصدیق بفرمائید که وقتی يك فرزندی علیل و از کار افتاده باشد باید مشمول این معافیت بشود در صورتیکه مطابق این ماده بعد از بیست و پنج سالگی معاف نمیشود

**رئیس** - موافقت با پیشنهاد آقای مجد ضیائی بر خیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد:

**پیشنهاد آقای تهرانچی**

اینجانب پیشنهاد می‌کنم قسمت الف ماده ۹ به دوازده هزار ریال و قسمت ب و ج به ده هزار ریال بالا برده شود در قسمت ده صدی ده حذف شود و قسمت ج اینطور اصلاح شود: منافع و جوهریکه بمنظور آبادی املاک و یا هر گونه بهره برداری دیگری

**معدل** - اینها را تفکیکاً بخواهید:

در قسمت (الف) ماده ۹ به دوازده هزار دینار

**رئیس** - آقای تهرانچی

**تهرانچی** - عرض کنم بنده در قسمت اول که شش هزار ریال برای هر مؤدی معین کرده‌است بنده دوازده هزار ریال پیشنهاد کردم این ششصد تومان یک هزار و دویست تومان می‌شود شما وقتیکه مستخدمین دولت را از پرداخت مالیات معاف کردید برای چه بود؟ برای این بود که مخارج زیاد است و حقوق او به خرجش نمیرسد و از همین جهت هم که از عوائد کسانی که کمتر عوائد دارند مالیات کمتری می‌گیرید برای اینکه خرج گران است پس در نظر بگیرید که کسی سالیانه یک هزار و دویست تومان عوائد دارد یعنی ماهی صد تومان با این گسرانی مخارج زیادی نیست که مالیات بآن تعلق بگیرد و خواهش می‌کنم موافقت بفرمائید که این شش هزار ریال در این قسمت به دوازده هزار ریال تبدیل شود که نسبت با اشخاص کم عایدی يك ارفاق بیشتری بشود:



**معدل** - در این باب در کمیسیون مذاکره مقتضی بعمل آمد و تقریباً میشود گفت که يك نكث مجلس شورای ملی عضو کمیسیون بودند البته برای طبقات عالی که منظور آقاییست این ارفاق برای طبقات متوسط و پائین است خانواده تصور میفرمائید از چند نفر تشکیل میشود از پدر و مادر خانواده و اقلا دو طفل ما حساب کردیم که این مرد برای خودش ششصد تومان معاف کردیم برای زنش هم چهارصد تومان برای هر طفل هم ششصد تومان که نسبت به دو طفل او یکهزار و دوست تومان می شود پس رویهم دو هزار و دوست تومان برای او معافیت قائل شده ایم مگر يك فرد متوسط مادر آمدش از این مبلغ تجاوز میکند که مشمول مالیات بشود؟ (تهرانچی - پول تنزل دارد) مگر منظور جنابعالی طبقات بالاتر باشد (تهرانچی - خیر طبقات متوسط است) مامیدانیم که عایدی طبقات متوسط و پائین ما عایداتشان هیچوقت از این مبلغ تجاوز نمیکنند و امروز با اینکه در آمد ها نسبتاً زیاد شده است عایدی آن طبقاتی که ما برایشان دلسوزی میکنیم روزی چهار پنج تومان بیشتر نیست و منشمول نمیشود اگر برای طبقات بالاتر است پس شما باید رعایت عوائد دولت را هم بکنید برای همان طبقات و اشخاصی که شما دل برایشان میسوزانید دولت از کجا بیاورد مدرسه مجانی درست کند؟ برای آنها بهداری و بیمارستان درست کند؟ راهها را بسازد؟ اینها را حساب بکنید و طوری باشد که این دلسوزیها عکس العمل پیدا نکنند هر وقت صحبت این مالیات میشود آقایان فوراً نظرشان هیرو روی يك عده معدودی که عایداتشان از صد هزار تومان بیشتر است که آنها مبلغی زیادتر میپردازند ولی در نظر بگیرد که بیشتر اشخاص عایدیشان کم است و راه معافیت برای آنها از هر طرف باز است و مالیاتی که از طبقات پائین و متوسط گرفته میشود آنقدر کم است که چیز قابلی نخواهد بود و اگر ما بخواهیم در این قانون آنقدر معافیت درست کنیم که از طبقات متوسط هم هیچ چیز گرفته نشود مثل این است که بگوئید اصلاً این مالیات گرفته نشود و اگر درست توجه بفرمائید

باز فاقهائی که باین طبقه شده است قطعاً جنابعالی هم معتقد خواهید شد که همین حدی که در نظر گرفته شده بسیار حد عادلانه و خوبی است

**تهرانچی** - بنده از این قسمت پیشنهاد صرف نظر میکنم  
**رئیس** - قسمت دوم پیشنهاد آقای طهرانچی خوانده می شود

قسمت ب و ج به ده هزار ریال بالا برده شود  
**تهرانچی** - همانوقتی که بنده در ماده صحبت کردم در این موضوع هم عرض کردم که برای يك عیال در سال چهار هزار ریال که چهار صد تومان است در نظر گرفته شده در صورتیکه اگر بخواهد يك کسی يك دست لباس برای عیالش بگیرد قیمتش بیش از این مبلغ است این است که بنده پیشنهاد کردم که این مبلغ به ده هزار ریال بالا برده شود و اگر این قسمت را قبول بفرمائید بنده قسمت (ج) را پس می گیرم

**وزیر دارائی** - با توضیحاتی که آقای مخبر دادند و خود آقا هم قبول فرمودید که برای خود شخص شش هزار ریال باشد وقتی برای خود او شش هزار ریال را قبول کردید برای عیالش ده هزار ریال مورد ندارد و بعلاوه برای بچه ها هم که اضافه شد و هر کدام شش هزار ریال شد (تهرانچی - این برای تشویق تأهل لازم است) و با این تخفیفاتی که داده شده است اگر بخواهید کاری بکنید که این قانون عملی نشود آن يك مطلبی است و الا همانطور که حساب کردیم این رقمهای بالا تعدادش خیلی کم است و تازه فرض کنید که هزار تومان هم با این تخفیفات اضافه داشته باشد مالیات هزار تومان بیست تومان میشود و این هم چه زیادی نیست

**تهرانچی** - این قسمت را هم مسترد میکنم  
**رئیس** - قسمت دیگر پیشنهاد آقای تهرانچی : در قسمت صدی ده حذف شود و قسمت (ح) اینطور اصلاح شود : و جوهی که بمنظور آبادی املاک و باهر گونه بهره برداری دیگری

**بعضی از نمایندگان** - این قسمت هم ضمن ماده تأمین شده است

**تهرانچی** - این قسمت را هم پس میگیرم  
**رئیس** - پیشنهاد آقای دبستانی :

پیشنهاد مینمایم در ماده ۹ در بند هفتم نشان (ح) که اصل قرضه هم در سال آخر که پایان مدت وام است مثل منافع آن منظور و از در آمد و بهره کسر شود  
**رئیس** - آقای دبستانی

**دبستانی** - بنده استدعا میکنم از آقای وزیر و آقای تهرانچی که درست دقت کنند بعروض بنده بعد تصمیم بگیرند ملکات ایران تقریباً آنچه که در طی حوادث و توالی و امور مختلف پیش آمده است تقریباً يك پنجم دایر است و چهار پنجم آن بائر است و آنهم به نسبت عددی است نه قدرت مثلاً خرابی اهواز شاید مطابق تمام این دهاتی که امروز دایر است بیشتر و ضررش زیاد تر است و برای يك ملکات در موقع تولید و حیات شرط اعظم بقاء نفوس است و بقاء کشور است و وقتیکه يك مالیاتی وضع میشود باید دو چیز را در نظر بگیرند یکی اینکه قوه تولید مردم فلج نشود یعنی شخص در عین اینکه میخواهد حرکت کند دست و پایش بسته نشود و آبادی مملکت هم در نظر گرفته شود (که سلطان نخواهد خراج از خراب) البته وقتی که قوه تولید مردم زیاد شد مملکت آباد میشود ولی وقتی قوه تولید کم شود مملکت رو بخرابی میگنارد و این نه تنها بضرر مردم است بلکه در واقع خزانه کشور را از بین میبرد و دچار فقر و بد بختی میکنند و برای تشویق اشخاصی که میخواهند املاک بایر را آباد کنند لازم است اصل قرضه را هم که سال آخر میپردازند معاف باشد در سال آخر که ملکش هم هنوز يك حاصل عمده ندارد که وفا کند بقرضش این يك طوفانی است در زندگانی او که برای پرداخت قرضش حاصل میشود حضرت امیر در دستور بگه بمالك اشتر میدهد میفرماید :

« فلیکن عمارة الارض ابلغ فی نظرك عن نظرك فی الجلاب الخراج لان ذلك لا يدرك الا بها و من الطلب

الخراج بدون عمارت فقد اخرج البلاد و الملك العباد و لم يستقم امره الا قليلاً » .

این يك عبارتی باین بلاغت است که حقیقه شبیه به آیات قرآن است و علاوه بر این بهترین نقشه اقتصاد است و مخصوصاً باید توجه کرد از آدم اسمیت و ریکاردو که علمای معروف اقتصاد هستند ما استفاده میکنیم ولی این فرمایش حضرت امیر را بهش پشت پامیز نیم . به دیوژن کلیبی گفتند که حرف تو را قبول نمیکنند گفت من حرفم را میزنم میخواهند قبول کنند میخواهند قبول نکنند

**رئیس** - موافقین با پیشنهاد آقای دبستانی بر خیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد .

پیشنهاد دیگر آقای دبستانی

پیشنهاد میکنم برای هر يك فرزند ۴ هزار ریال در نظر گرفته شود

**بعضی از نمایندگان** - آقا تأمین شد نظر شما

**رئیس** - پیشنهاد آقای انوار :

پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) ماده ۹ عوض ۴ هزار ریال ۶ هزار ریال نوشته شود

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - اولاً برای ارادتی که با آقای معدل دارم و همینطور با آقای وزیر دارائی دارم این را تذکر میدهم که مواد قانون اساسی را در نظر داشته باشید هیچ چیزی رسمیت پیدا نمیکند مگر در مجلس شورای ملی محل طرح و گفتگو و انتقاداتی واقع شود . اگر يك چیزی آمد بمجلس البته مورد ایراد واقع میشود و ممکن است حتی اصل آن هم از بین برود ولی آنچه یزیکه قابل اجراء است آن چیزی است که از مجلس میگذرد این را با قایان بگویم که متوجه باشند حکومت ماحکومت دموکراسی است یعنی نمایندگان مجلس میتوانند لوایحی که اینجام طرح میشود در آن صحبت کنند نظامنامه ما این است که لوایح چهار شوری باشد شور اول و دوم و سوم و چهارم ولی این لوایح باین ترتیب که تقاضای فوریتش شده باید فلسفه ای بفوریت هم داشته باشد



**معدل** - در این باب در کمیسیون مذاکره مقتضی بعمل آمد و تقریباً میشود گفت که يك ثلث مجلس شورای ملی عضو کمیسیون بودند البته برای طبقات عالی که منظور آقانیست این ارفاق برای طبقات متوسط و پائین است خانواده تصور میفرمائید از چند نفر تشکیل میشود از پدر و مادر خانواده و اقلا دو طفل ما حساب کردیم که این مرد برای خودش ششصد تومان معاف کردیم برای زنش هم چهارصد تومان برای هر طفل هم ششصد تومان که نسبت به دو طفل از یک هزار و دو بیست تومان می شود پس رویهم دو هزار و دو بیست تومان برای او معافیت قائل شده ایم مگر يك فرد متوسط مادر آمدش از این مبلغ تجاوز میکند که مشمول مالیات بشود؟ (تهرانچی - پول تنزل دارد) مگر منظور جنابعالی طبقات بالاتر باشد (تهرانچی - خیر طبقات متوسط است) مامیدانیم که عایدی طبقات متوسط و پائین ما عایداتشان هیچوقت از این مبلغ تجاوز نمیکنند و امروز با اینکه در آمد ها نسبتاً زیاد شده است عایدی آن طبقاتی که ما برایشان دلسوزی میکنیم روزی چهار پنج تومان بیشتر نیست و مشمول نمیشود اگر برای طبقات بالاتر است پس شما باید رعایت عوائد دولت را هم بکنید برای همان طبقات و اشخاصی که شما دل برایشان میسوزانید دولت از کجا بیاورد مدرسه مجانی درست کند؟ برای آنها بهداشتی و بیمارستان درست کند؟ راهها را بسازد؟ اینها را حساب بکنید و طوری باشد که این دلسوزیها عکس العمل پیدا نکنند هر وقت صحبت این مالیات میشود آقایان فوراً نظرشان می رود روی يك عده معدودی که عایداتشان از صد هزار تومان بیشتر است که آنها مبلغی زیاده تر میپردازند ولی در نظر بگیرد که بیشتر اشخاص عایدیشان کم است و راه معافیت برای آنها از هر طرف باز است و مالیاتی که از طبقات پائین و متوسط گرفته میشود آنقدر کم است که چیز قابلی نخواهد بود و اگر ما بخواهیم در این قانون آنقدر معافیت درست کنیم که از طبقات متوسط هم هیچ چیز گرفته نشود مثل این است که بگوئید اصلاً این مالیات گرفته نشود و اگر درست توجه بفرمائید

باز فاقهائی که باین طبقه شده است قطعاً جنابعالی هم معتقد خواهید شد که همین حدی که در نظر گرفته شده بسیار حد عادلانه و خوبی است

**تهرانچی** - بنده از این قسمت پیشنهاد صرف نظر میکنم

**رئیس** - قسمت دوم پیشنهاد آقای طهرانچی خوانده می شود

قسمت ب و ج به ده هزار ریال بالا برده شود

**تهرانچی** - همانوقتی که بنده در ماده صحبت کردم در این موضوع هم عرض کردم که برای يك عیال در سال چهار هزار ریال که چهار صد تومان است در نظر گرفته شده در صورتیکه اگر بخواهد يك کسی يك دست لباس برای عیالش بگیرد قیمتش بیش از این مبلغ است این است که بنده پیشنهاد کردم که این مبلغ به ده هزار ریال بالا برده شود و اگر این قسمت را قبول بفرمائید بنده قسمت (ج) را پس می گیرم

**وزیر دارائی** - با توضیحاتی که آقای مخبر دادند و خود آقا هم قبول فرمودید که برای خود شخص شش هزار ریال باشد وقتی برای خود او شش هزار ریال را قبول کردید برای عیالش ده هزار ریال مورد ندارد و بعلاوه برای بچه ها هم که اضافه شد و هر کدام شش هزار ریال شد (تهرانچی - این برای تشویق تأهل لازم است) و با این تخفیفاتی که داده شده است اگر بخواهید کاری بکنید که این قانون عملی نشود آن يك مطلبی است و الا همانطور که حساب کردیم این رقمهای بالا تعدادش خیلی کم است و تازه فرض کنید که هزار تومان هم با این تخفیفات اضافه داشته باشد مالیات هزار تومان بیست تومان میشود و این هم چیز زیادی نیست

**تهرانچی** - این قسمت را هم مسترد میکنم

**رئیس** - قسمت دیگر پیشنهاد آقای تهرانچی : در قسمت صدی ده حذف شود و قسمت (ح) اینطور اصلاح شود : و جوهری که بمنظور آبادی املاک و باهر گونه بهره برداری دیگری

**بعضی از نمایندگان** - این قسمت هم ضمن ماده تأمین شده است

**تهرانچی** - این قسمت را هم پس میگیرم

**رئیس** - پیشنهاد آقای دبستانی :

پیشنهاد مینمایم در ماده ۹ در بند هفتم نشان (ح) که اصل قرضه هم در سال آخر که پایان مدت وام است مثل منافع آن منظور و از در آمد و بهره کسر شود

**رئیس** - آقای دبستانی

**دبستانی** - بنده استدعا میکنم از آقای وزیر و آقای مخبر که درست دقت کنند بعراض بنده بعد تصمیم بگیرند مملکت ایران تقریباً آنچه که در طی حوادث و توالی و امور مختلف پیش آمده است تقریباً يك پنجم دائر است و چهار پنجم آن بائر است و آنهم به نسبت عددی است نه کمیت مثلاً خرابی اهواز شاید مطابق تمام این دهانی که امروز دائر است بیشتر و ضررش زیاد تر است و برای يك مملکت در موقع تولید و حیات شرط اعظم بقاء نفوس است و بقاء کشور است و وقتیکه يك مالیاتی وضع میشود باید دو چیز را در نظر بگیرند یکی اینکه قوه تولید مردم فلج نشود یعنی شخص در عین اینکه میخواهد خرکت کند دست و پایش بسته نشود و آبادی مملکت هم در نظر گرفته شود (که سلطان نخواهد خراج از خراب) البته وقتی که قوه تولید مردم زیاد شد مملکت آباد میشود ولی وقتی قوه تولید کم شود مملکت رو بخرابی میکندارد و این نه تنها بضرر مردم است بلکه در واقع خزانه کشور را از بین میبرد و دچار فقر و بد بختی میکند و برای تشویق اشخاصی که میخواهند املاک بایر را آباد کنند لازم است اصل قرضی را هم که سال آخر میپردازند معاف باشد در سال آخر که ملکش هم هنوز يك حاصل عمده ندارد که وفا کند بقرضش این يك طوفانی است درزندگانی او که برای پرداخت قرضش حاصل میشود حضرت امیر در دستوری که بمالك اشتر میدهد میفرماید :

« فلینکن عمارة الارض ابلغ فی نظرك عن نظرك فی الجلاب الخراج لان ذلك لا بدرك الا بها و من الطلب

الخراج بدون عمارت فقد اخرج البلاد والملك العباد و لم يستقم امره الا قليلاً » .

این يك عبارتی باین بلاغت است که حقیقه شبیه به آیات قرآن است و علاوه بر این بهترین نقشه اقتصاد است و مخصوصاً باید توجه کرد از آدم اسمیت و ریکاردو که علمای معروف اقتصاد هستند ما استفاده میکنیم ولی این فرمایش حضرت امیر را بهش پشت پامیز نیم . به دیورن کلبی گفتند که حرف تورا قبول نمیکنند گفت من حرفم را میزنم میخواهند قبول کنند میخواهند قبول نکنند

**رئیس** - موافقین با پیشنهاد آقای دبستانی بر خیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد .

پیشنهاد دیگر آقای دبستانی : پیشنهاد میکنم برای هر يك فرزند ۴ هزار ریال در نظر گرفته شود

**بعضی از نمایندگان** - آقا تأمین شد نظر شما

**رئیس** - پیشنهاد آقای انوار :

پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) ماده ۹ عوض ۴ هزار ریال ۶ هزار ریال نوشته شود

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - اولاً برای ارادتی که با آقای معدل دارم و همینطور با آقای وزیر دارائی دارم این را تذکر میدهم که مواد قانون اساسی را در نظر داشته باشید هیچ چیزی رسمیت پیدا نمیکند مگر در مجلس شورای ملی محل طرح و گفتگو و انتقاداتی واقع شود . اگر يك چیزی آمد بمجلس البته مورد ایراد واقع میشود و ممکن است حتی اصل آن هم از بین برود ولی آنچه بیکه قابل اجراء است آن چیزی است که از مجلس میگذرد این را با آقایان بگویم که متوجه باشند حکومت ماحکومت دموکراسی است یعنی نمایندگان مجلس میتوانند لوایحی که اینجام طرح میشود در آن صحبت کنند نظامنامه ما این است که لوایح چهار شوری باشد شور اول و دوم و سوم و چهارم ولی این لوایح باین ترتیب که تقاضای فوریتش شده باید فلسفه ای بفرودیت هم داشته باشد



در صورتیکه این شش ماه دیگر اجراء میشود گفتیم فوریت در صورتیکه آقای معدل میفرمایند ( این شهر مال مرحوم نظامی است که) گز تو به بینی شناسیدش باز یعنی آنرا میخواهید یک جویری بکنید که دیگر شناخته نشود... (آزادی راجع به پیشنهادتان بفرمائید) این را حالا خواستم تذکر بدهم راجع باین موضوع که شما حالا موافقت کردید که مردرا شش هزار ریال برای زندگانش در نظر گرفتید اگر زنی داشته باشد و بخواهد مخارج او را بدهد همین اندازه که نسبت باو ملاحظه کرده اید میزان زندگانی او را هم در نظر بگیرید بنده پیشنهاد کردم که مطابق او یعنی برای او که ۶ هزار ریال معین کرده اید برای زن و الاد او هم عوض ۴ هزار ریال معین کنید حالا این را اگر میل دارید قبول کنید و اگر میل ندارید قبول نکنید

**بعضی از نمایندگان** - رأی بگیرید آقای (انوار - صبر کن آقای جواب بدهد)

**وزیر دارائی** (آقای بیات) - در این باب بنده توضیحات دادم و آقای تهرانچی هم قانع شدند و حالا آقای انوار هم جواب میدهم که قانع بشوند...

**انوار** - خیر بنده قانع نمیشوم بنویسید مسکوت ماند (خنده نمایندگان)

**طوسی** - اینجا یک قسمتی است که باید اصلاح بشود.

**معدل** - توجه کنید پیشنهاد آقای دکتر ظاهری را بجای (ح) بنویسید با آن قسمت دفاتر و اسناد رسمی و بطور خلاصه اینطور میشود... (بعضی از نمایندگان - بگوئید با اصلاحی که شده است)

**رئیس** - رأی گرفته میشود به ماده ۹ با اصلاحاتی که شده است آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۰

ماده ۱۰ - برای تشخیص میزان درآمد سالیانه مشمول مالیات شرکتهای سهامی اقلام زیر از درآمد ویژه آن کسر می شود

الف - پانزده درصد سرمایه پرداخته شده

مخصوصاً دوره مظفرالدین شاه اول زمانی بود که قدمش برداشته شد برای تأسیس شرکت مخصوصاً شرکتی که عمومی باشد و آن شرکت عمومی هم بواسطه هر جهتی که باشد آن نتایج را نداد تا خدا خواست در این دوره های آخر یک روحی در مردم پیدا شد و متوجه شدند به تشکیل شرکتهای عمومی این موضوع را مخصوصاً باید در نظر داشت که این منافعی که گیر افراد میاید این ایجاد نشاط و شوق میکند برای مردم در کار کردن و شرکت تشکیل دادن. در این صورت ممالیات را باید طوری وضع کنیم که دماغ اهالی نسوزد هم باعث تقویت آنها و تشویق آنها بشود و هم باعث سرور و نشاطشان باشد نه اینکه یک کاری کنیم که اینها را دلسرد بکنیم که آن روح نشاطشان ازین برود. تصدیق بفرمائید که این شرکت سهامی خیلی نفع مملکت است و خیلی از منافع مملکت ما را احاطه کرده است و یک کارهای مهمی را تحت این گونه شرکتهای ما پیش بردیم و امیدوار هستیم که تشویق بکنیم آنها را. البته هیئت مستشاران در این باب خیلی جدیت دارند و مخصوصاً در این باب د کتر میلسپو جدیت دارد که دولت باید شرکت سهامی را تشویق بکنند و من البته از این خیال و فکر خیلی خوشحال و امیدوار شدم که نظر دولت این است که این شرکتهای را تشویق بکنند و این ذوق کار کردن در افراد ازین بریزد. این را البته همه آقایان تصدیق خواهند کرد که شرکت سهامی یکی از کارهای عام المنفعه است. ما که افراد مجلس شورای ملی هستیم باید تقویب کنیم این روح را و این نشاط را در مردم و اگر ما در اینجا تسهیلاتی برای آنها قائل میشویم برای این است و همانطور که عرض کردم در کمیسیون هم پیشنهاد شد آقای نیکپور صدی ۱۸ پیشنهاد کرد: و من صدی ۲۰ پیشنهاد کردم و حالا هم باز من پیشنهاد میکنم که آقای مخبر و آقای وزیر دارائی موافقت بفرمایند که این برای نشاط مردم لازم است این عرض را کردم برای اینکه اگر یک قدری مردم را که در کار هستند و زحمت میکشند یک خوردن ای که بهشان فشار آمد فوراً میگذارد و در بر میروند این است که بنده استدعا

میکنم این سرمایه شرکت را که ۱۵٪ قائل شدند این را اقل ۲۰٪ بکنند این را هم پیشنهاد میکنم این حاصل عرض بنده است

**معدل** - در قسمت شرکتهای همانطوری که خود آقای انوار گفتند هم دولت هم مجلس شورای ملی و همه افراد مملکت این نظر را دارند که تشویق بکنند شرکتهای را و موجبات ازدیاد آنها را فراهم بکنند. حالا این قسمت آخر را که فرمودید بنده نظرم هست ولی راجع بآن قسمتهای عهد ناصر الدین شاه و محمد شاه که خود حضرت عالی یادتان است و بنده هم از شما میشنوم این را باید توجه داشته باشید آقای انوار که در این قانون نسبت بقانون سابق راجع به شرکتهای زیادتری شده است. یکی همین صدی ۱۵ سرمایه است که معاف شده اند در صورتیکه در قانون سابق این را معاف نمودند. دیگر اینکه در قانون سابق سه مرتبه از شرکتهای مالیات گرفته میشد یکی وقتی که اصل سرمایه شان و درآمد شان حاصل میشد روی جمع کل یک مرتبه میگرفتند و یکی هم وقتی شرکت میخواست تقسیم منافع کند مالیات سهم هر یک را بر میداشت و بقیه را میدادند و یکی هم وقتی که این منافع را با افراد میدادند و داخل منافع افراد میشد. در صورتیکه در این قانون دو دفعه مالیات گرفته میشود یک مرتبه از کل عایدی شرکت دریافت میشود البته پس از کسر کاردف ۱۵٪ و یکی هم افراد آن چیزی را که بطور خالص دریافت مینمایند

**یکی از نمایندگان** - در جمع هم باید بدهند

**معدل** - دیگر در جمع نیست. عرض کنم قصد مجلس این است که در این قانون ارفاق بیشتری شود ولی این نظر حضرت عالی از طرف دیگر ممکن است یک نگرانی دیگری ایجاد بکند و آن این است که باید مواظب باشیم که میزان فرع پول زیاد نشود. یعنی تصدیق نشود از طرف مقامات رسمی و اکثر این فرع زیاد بشود خوب نیست و هر قدر این را ما کمتر قرار بدهیم بهتر است و این ۱۵٪ را که ما قائل شدیم این بنظر بنده خیلی عادلانه است. (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.)



رئیس - آقای نراقی

**نراقی** - بنده کاملاً با این لایحه مالیات بر درآمد موافقم اما این قسمت مالیات بر شرکتهای سهامی یک تعدی نسبت باینها شده است که اسباب این خواهد شد که این شرکتهای یا بر چیده بشود یا از میزان فعالیتشان کاسته بشود در عین اینکه بنده خودم در هیچ شرکتهای سهامی نیستم ولی بی اطلاع هم نیستم این جور بکه آقای معدل فرمودند که فرمودند مساعدتهای زیادی شده است ولی وقتی خواستند بشمارند بنده چیزی ندیدم که مساعدتی شده باشد. این جدولی که اینجا تنظیم کرده اند برای گرفتن مالیات حد اکثرش متوجه شرکتهای است. یک شرکت سهامی است که در حدود صد هزار تومان در سال عایدی دارد. اینها همه مشمول پرداخت حداکثر خواهند بود و صاحبان سهام ۳ دفعه مالیات خواهند پرداخت حالا توجه بفرمائید که بنده تشریح میکنم که چطور صاحب سهام سه مرتبه مالیات خواهد پرداخت بموجب این قانون یک صاحب سهام از کل سرمایه شرکت پس از وضع چند رقم یک مالیاتی خواهد پرداخت آنهم حداکثر و وقتی که درآمد شرکت را معین کردند که این شرکت سهامی یک میلیون درآمد دارد حداکثر مالیات را طبق این جدول از این شرکتها میگیرند بعد تقسیم میکنند بین صاحبان سهام و هر صاحب سهامی هر چه نصیبش شد کارخانه و آن شرکت ملزم است که مالیاتش را کسر کند و منافع را بهش بدهد این میشود مالیات دوم یعنی اگر یک کسی از شرکت صد هزار تومان منافع دارد اول در جمع سرمایه شرکت مالیات ازش گرفته می شود و وقتی سهم خصوصی خودش را هم خواستند بهش بدهند می بینند موافق کدام یک از مراحل این جدول است و این را هم ازش مالیات میگیرند بعد این را هم با سایر درآمدهایش جمع میکنند در اظهارنامه که خواهد داد مالیات سوم را هم ازش میگیرند (معدل - ایندفعه اینطور نیست آقا) همینطور است که عرض میکنم هر صاحب سهامی سه مرتبه باید مالیات پرداخت و این یک تعدی است در حقیقت که ما نسبت بکسانی میکنیم که نمیخواهند

صاحبان سهام تقسیم میشود مجدداً از صاحبان سهام گرفته میشود. ولی ما برای اینکه این قسمت را مختصر کرده باشیم در اینجا این قسمت ملاحظه شد باین ترتیب که ما فرض کردیم برای سرمایه اشخاص باید یک منافع عادلانه محسوب و منظور شود و اگر درست دقت بفرمایند در املاک و مستغلات و غیر ذلك استفاده ای که از سرمایه در این مملکت میشود صدی ۷ یا صدی ۶ بیشتر نیست که عوائد املاک و مستغلات را روی سرمایه حساب کنیم بیش از ۶٪ یا ۷٪ صاحب آن سرمایه نمیرسد. حالا آمدیم از جنبه شرکتهای که تقسیم ما اینجا آن نظری را که آقای نراقی میفرمایند اگر بخواهیم از شرکت یک مالیات کلی بگیریم این جا نسبت به آن صاحبان سرمایه یک تبعیضی شده و اسباب زحمت است آقا هزار تومان داد. بنده ۱۰ هزار تومان دادم و دیگری صد هزار تومان داده است وقتی که خواستیم روی مالیات کل شرکت که روی تصاعد می رود مالیات بگیریم من هم که سهم ۱۰ هزار تومان است باید آن مالیات ۱۰۰ هزار تومانی را بپردازم. باینجهت بود که ما آمدیم گفتیم بنا بر سرمایه ای که در شرکت گذاشته میشود یک منافع عادلانه ای را در نظر گرفتیم که از آن مالیات گرفته شود که تا اندازه ای از این مالیات گراف معاف بشود یعنی یک قسمتی از آن مالیات بهش تعلق نمیگیرد ما گفتیم از سرمایه که گذاشته میشود اول صدی ۱۵ آن از این عایدات شرکت خارج بشود یعنی دیگر آن مالیات تصاعدی باین صدی ۱۵ که خارج میشود تعلق نگیرد باین معنی که بنده که ۱۰۰۰ تومان پول دادم صدی ۱۵ آن که ۱۵۰ تومان میشود کسر میشود و آن کسی که ده هزار تومان سرمایه دارد صدی ۱۵ آن که میشود ۱۵۰۰ تومان کسر میشود بطور متوسط در مملکت ما منافع را صدی ۱۵ گرفته ایم که البته یک حد معتدلی است و حد زیادی نیست این صدی ۱۵ را اول خارج میکنیم هر که سهم خودش را از این صدی ۱۵ میبرد اگر شرکت از صدی ۱۵ منافع زیادتری داشت آن صدی ۱۵ ازش کسر میشود و اضافه از آن منافع بطور کلی مالیات بهش تعلق میگیرد و بعد هم تقسیم میشود بصاحبان

سهام. اضافه بر صدی ۱۵ صاحبان سهام یک دفعه مالیات میدهند از طرف دیگر اینها یا شرکت نسبی و تضامنی است یا شرکت سهامی است که برای کارهای دیگر تشکیل شده باشد البته اگر کارخانجات باشد که خود مجلس شورای ملی قانون گذرانده است که از صدی ۱۲ بیشتر حق ندارند نفع ببرند و ما اینجا صدی ۱۵ گذاشته ایم پس از این نظر مجلس شورای ملی هم که تصویب کرده است ما بیشتر گذاشته ایم از طرف دیگر دستگاهها و چیزهایی که لازم است برای ساختمان ما آنها را هم از این مالیات معاف کردیم آن قسمت استهلاك راهم که میفرمایند این راهم اساساً استهلاك یک کارخانه و مؤسسه قبلاً اینها حساب میشود و تعمیراتش حساب میشود بعد از منافع حاصله یعنی منافی که از برای شرکت باقی میماند صدی ۱۵ آن راهم ازش کسر میکنیم و از مازاد آن مالیات میگیریم بنا بر این اگر دقت بفرمایند آن نظریاتی که آقا دارند ما ملاحظه کرده ایم و این لایحه را پیشنهاد کردیم و این را که آقای انوار فرمودند صدی ۲۰ باشد این موضوع در کمیسیون هم صحبت شد و همانطور که بنده عرض کردم چون معلوم شد که منافع عادلانه که از یک سرمایه گرفته میشود همین مقدار است توافق نظر حاصل شد که همین ۱۵٪ نوشته شود. بنا بر این بنده تصور میکنم که نظر آقا تأمین شده باشد و خیلی هم نسبت به این ترتیبی که حالا هست ارفاقها و ملاحظاتی شده که این شرکتها باقی بماند.

رئیس - آقای امیر تیمور.

**امیر تیمور** - عرض کنم بهترین طریق برای استفاده از سرمایه های کوچک فقط تشکیل شرکتهای سهامی است فرض بفرمائید که اگر اشخاصی دارای صد تومان سرمایه باشند و بخواهند از صد تومان سرمایه شان استفاده بکنند صد تومان سرمایه چون خیلی کم است نمیشود از آن به تنهایی استفاده کنند این است که چندین صد تومان باید جمع بشود و یک شرکتی تشکیل بشود و سرمایه آنها جمعاً میشود صد هزار تومان و این را بکار می اندازند و مشغول کار میشوند طبق این قانون پس

از وضع آن صدی ۱۵ نسبت به بقیه آن باید مالیات بدهد فرض بفرمائید يك شركتی كسه دارایی صد هزار تومان سرمایه است و ۱۰ نفر صاحب سهم دارد پس از پرداخت مالیات ۲۰٪ از آن باقی میماند این ۲۰٪ را برای يك سرمایه صد تومانی حساب کنید به بینید این چه حالی را پیدا میکند. این دیگر جمع و خرج میتواند پیدا کند؟ این شخص دیگر قادر به ادامه شرکت نیست و از بین میرود. بنده عرض میکنم که اگر این قانون و این ماده باین شکل بگذرد بنده با قاطعیت میگویم که کلیه شرکت های سهامی منحل خواهد شد و در آن همه بهیچوجه من الوجوه سرمایه های کوچک کوچک بصورت شرکت سهامی در نمیآید و ما هیچگونه استفاده ای از سرمایه های کوچک نمیتوانیم بکنیم. در صورتیکه در تمام ممالک دنیا قسمت اعظم سرمایه های بزرگشان را این سرمایه های کوچک تشکیل میدهد. برای تشویق این سرمایه های کوچک آمده اند شرکت سهامی تشکیل داده اند و همه جور آنها را باید تشویق کرد در صورتیکه در اثر این ماده بکلی از بین خواهند رفت. بنا بر این بنده معتقدم که برای اینها باید يك فکر دیگر و يك فکر بهتری بکنند و الا این شرکتهای از بین میرود.

**وزیر دارائی** - آقای امیر تیمور توجه بعروض بنده نکرده بنده عرض کرده ام باید برای سرمایه های شرکتهای يك منافع عادلانه را در نظر بگیریم. الان همه شکایت دارند که دارند مردم را میچاپند و با يك قیمتهای گزافی اجناس را مردم میفروشند و يك عوائد زیادی هم بکار خانیجات و هم دیگران دارند. عرض کردم در این مملکت املاك و مستغلات صدی ۶ و صدی ۷ عایداتش بیشتر نیست و برای پول و سرمایه ما صدی ۱۵ گرفته ایم و صدی ۱۵ تصدیق بفرمائید که يك منافع عادلانه ای است و آن سرمایه را که میفرمائید ممکن است صد تومان باشند عرض کرده ام که اول آن صدی ۱۵ را از آن بر میدارند اگر از صدی ۱۵ بیشتر عایدات داشت و مقداری علاوه بر آن باقی ماند البته از آن مقدار کسه

برایش باقی مانده است مالیات میگیرند در حقیقت ما منافع اصلی او را تأمین کرده ایم و گفته ایم صدی پانزده که امروز بطور عادلانه منافع از برای يك پولی است او باید بهش برسد اما اضافه بر او چنانچه يك منافع بیشتری میبرد يك مالیات بیشتری هم میدهد همانطور که راجع بشرکتهای سهامی فرمودند که با سرمایه های کوچک يك سرمایه های بزرگ تشکیل میشود چون که وقتی سرمایه کم باشد البته خرجش زیاد و نفعش کم است ولی وقتی که این سرمایه های کم رو به هم رفت و يك سرمایه بزرگی تشکیل شد برعکس نفع آن زیاد و مخارجش کم میشود مالم که عوائد عادی را تأمین کردیم گفتیم آقایی که صد تومان گذاشتی صدی پانزده ات را ببر آنوقت هر چه اضافه آمد از آن اضافه يك قسمت خودش ببرد يك قسمت هم دولت ببرد بنا بر این منظور آقا تأمین شده.

**پیشنهاد آقای بهبهانی** - بنده پیشنهاد میدنماید در ماده ۱۰ قسمت ب آخر سطر بعد از کلمه تولیدی اضافه شود (یا تعمیرات لازمه).

**بهبهانی** - این مطلب مهمی است بنظر بنده این جا نوشته است و جوهی در عرض سال برای توسعه ساختمان کارخانه آنوقت قید کرده است کارخانه را بدستگاه های تولیدی این هم بر حسب این بود که اگر دیواری در کارخانه خوابیده باشد حق ندارد درست کند.

**معدل** - يك واو افتاده است و او اضافه شود درست میشود.

**بهبهانی** - پس میشود بدستگاههای تولیدی یا تعمیرات لازم و این تعمیرات لازم بنظر بنده لازم است و این نمیشود که هم تعمیرات بکنند و هم مالیات بدهند این بنظر بنده صحیح نیست.

**معدل** - عرض کردم بعد از کارخانه يك واو اضافه کنید درست میشود و این پیشنهاد آقای بهبهانی را هم قبول میکنم.

**طوسی** - پیشنهاد آقای فرمائید هم نظیر همین است

**فرمائید مائیان** - نظر بنده هم همین بود که آقای مخبر قبول کردند.

**پیشنهاد آقای صفوی** :

**پیشنهاد میکنم قسمت (ج) از ماده ۱۰** بشرح زیر اصلاح شود.

**ج -** وجوهی که در حدود میزان متعارفی بمصرف بهداشت و خواربار کارگرا و مستخدمین رسیده باشد.

**صفوی** - عرض میکنم اینجا در قسمت ج نوشته شده وجوهی که در حدود میزان تعاونی بمصرف بهداشت کارگرا و مستخدمین رسیده باشد اغلب از این شرکتهای کارخانه ها در این چند ساله بواسطه سختی امور معیشت و سایر خواربار کارگران را هم تهیه میکنند یعنی گندم میخرند آرد میخرند بقیمت گرانتری و بقیمت ارزاتری میفروشند اغلب کارخانه های اصفهان و بوشهر از این قبیل اقدامات کرده اند و حتی نان را خیلی کمتر از آنچه تمام میشود بکارگران میدهند بنده اینجا علاوه کردم که قسمتهای بهداشتی را هم در نظر بگیرند و البته بایستی کم بکنند و خواربار را هم در نظر بگیرند که اگر يك کارخانه قسمت های خوارباری را كمك کرد بکارگران خودش این قسمت را هم از مالیات معاف کنند

**معدل** - این قسمت بهداشت قابل کنترل است یعنی اگر يك کارخانه یا يك مؤسسه يك طبیعی استخدام کرده باشد یا با مریضخانه قرار دادی کرده باشد که به آنجا رجوع کنند یا يك دوائی بدهد این قابل این است که تحت نظر گرفته شود و کنترل شود که اگر بنا باشد که ما بهداشتی تمام کارگران و غذای تمام آن اشخاص که کار میکنند این را بنویسیم این اجرائش عملی نیست برای اینکه این عمل روی یکسی از این دو اصل بوده است یا این است که کارخانه ها آمده اند در اول سال که يك جنسی ارزان بوده آن جنس را خریدند و در تمام سال بکارگرهای خودشان داده اند و نتیجه اش این بوده که کارگرها جنسی گران نخریده اند چون آنها قادر نبوده اند که بروند خودشان اول سال این جنس را بخرند

خوب همین آن پول را گرفته است ولی اگر يك کارخانه نهار هم بمستخدمةین خودش داده است این جزو مزاد و محسوب میشود یعنی میگوید که دو تومان میدهم و ناهارت را هم می دهم خوب این جزء مزد محسوب میشود ولی اگر کسی شاید فردا در حساب خودش بگوید که من گندم خریده ام دو بیست تومان داده ام صد تومان این کنترلش و عملی شدنش خیلی کار مشکلی است و تصور نمیکنم عملی شود.

**دکتر طاهری** - پس گرفتند.

**پیشنهاد آقای مخبر فرهند** - پیشنهاد میکنم در قسمت الف بجای پانزده در صد هیجده در صد نوشته شود.

**مخبر فرهند** - بنده تصور میکنم که توضیح زیادی لازم نباشد چون این مالیاتی که برای مؤسسات عام المنفعه گذاشته اند نسبت به آنها فشار زیادی وارد میآورد بنا بر این باید از يك راههایی موجب تشویق آنها را هم فراهم کرد و این صدی پانزده اگر تبدیل به صدی هیجده شود يك ارفاقی است برای آنها.

**جمعی از نمایندگان** - رأی بگیرید.

**رئیس** - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مخبر فرهند موافقین بر خیزند.

(اغلب بر خاستند)

**رئیس** - تصویب شد. پیشنهاد آقای دهستانی.

**پیشنهاد میکنم در ماده ۱۰ قسمت (ب)** بعد از کلمه توسعه اضافه شود کشاورزی و ساختمان کارخانهجات الی آخر.

**دهستانی** - این موضوع قسمت شرکتهای است ممکن است که شرکتهای فلاحتی هم باشند وقتی که يك شرکت فلاحتی خواست يك عمران و آبادی در مملکت بکند و در واقع تولید ثروت بکند او را نباید گفت نکن بنا بر این این شرکت هم در اینجا مورد دارد و باید اضافه شود.

**وزیر دارائی** - عرض میکنم اولاً این شرکتهای اعم است و آن صدی هیجده که داده میشود از منافع اولش کسر می شود ثانیاً در قسمت های ساختمان کارخانه و دستگاه های



تولیدی باشد که البته همان معامله باهاش میشود و اگر از جنبه عمران و آبادی هم میفرمائید که ما صدی پنجاه در آنجا قائل شدیم که کسر میشود و از این جهت در آنجا ملحوظ میشود.

**معدل** - در حقیقت نظر آقای دهستانی تأمین است و محتاج بطرح این پیشنهاد نیست چرا برای اینکه این فرض را که فرمودید که یک شرکت فلاحتی باشد که این شرکت فلاحتی یک کارخانه داشته باشد که یک کارخانه بوجاری داشته باشد یا یک کارخانه بذریاک کنی داشته باشد در اینجا که نوشته نشده شرکت های تجاری یا فلان پس شامل شرکت های کشاورزی هم میشود و نظر جنابعالی هم تأمین است پیشنهادتان را پس بگیرید

پیشنهاد آقای یمین اسفندیاری

پیشنهاد میکنم که آئین نامه مخصوصی که در بند ماده ۱۰ نوشته شده باید آئین نامه بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی برسد

**معدل** - در ماده ۲۱ این را پیشنهاد بفرمائید

**یمین اسفندیاری** - این قسمت را در هر موردی باید تذکر داد زیرا که این آئین نامه هائی که این جا وعده داده میشود اگر بخواهیم منتظر آن آئین نامه ها باشیم که خود وزارت دارائی بدون اطلاع مجلس منتشر میکند از آئین نامه هائی که تا بحال منتشر شده که ما چیزی نفهمیدیم و آقایان هم همین توجه را دارند ما نظرمان این است که این قانون مالیات بر درآمد بگذرد چنانچه تا ماده ۱۰ گذشته است و بقیه اش را هم حاضر هستیم بگذرانیم ولی اگر بنا بود که عین همان پروژه که وزارت دارائی یا مستشار مالیه داده است همانطور میگذشت که دیگر مجلس شورای ملی لازم نبود پس مجلس شورای ملی نظریات خودش را در قانون تأمین میکند و با اطلاع عامه میرساند که هم مایل است که یک قانونی برای مردم بگذرد که مردم هم متوجه باشند که روز عادی نیست و یک مبالغی باید بآن مالیات هائی که میدادند اضافه شود و بالاخره مردم هم بدانند که این پولی که میدهند

بچه مصرف میرسد این است که بنده تمنا میکنم از آقای مخبر و آقای وزیر دارائی که نسبت به آئین نامه این قانون این پیشنهاد را قبول بفرمایند که بعد باشکال بر نخوریم

**معدل** - در ماده ۲۱ جوابشان را عرض میکنم

**رئیس** - موافقین با ماده ۱۰ با اصلاحاتی که شده برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. اگر نظر آقایان این است که عصر جلسه تشکیل شود حالا جلسه را ختم کنیم **معدل** - بنده استدعا میکنم آقایان الان تکلیف جلسه بعد را معین فرمایند اگر بناست که عصر جلسه تشکیل بدهند تصمیم قطعی گرفته شود که آنوقت مثل دیروز نباشد که یکمده از آقایان نمایندگان بیایند در مجلس و برای چند نفر اقلیت مجلس تشکیل نشود.

**رئیس** - آقای لیتوانی

**لیتوانی** - بنده تصور میکنم که اگر تا یک ساعت دیگر هم بنشینیم و کار کنیم هیچ عیبی ندارد بنابراین بنده عقیده ام این است که جلسه را ادامه بدهیم

**رئیس** - ماده یازده قرائت شد

ماده ۱۱ - در مورد تعیین میزان درآمد مشمول مالیات شرکتهای غیر سهامی از قبیل شرکتهای تضامنی و نسبی و غیره مبالغی که بهر یک از شرکاء در حدود میزان متعارفی پرداخته شده باشد در حکم هزینه ضروری شرکت محسوب و از درآمد غیر ویژه برای تشخیص درآمد ویژه کسر میگردد ولی میزان و جو هیکه باین ترتیب بهر یک از شرکاء تأدیبه شده است باید جزو درآمد ویژه آن شخص منظور و بحساب درآمد مشمول مالیات او محسوب گردد.

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - عرض میکنم در این مطالبی که آقای نراقی اظهار کرد که در شرکت از افراد سه مرتبه مالیات میگیرند از طرف آقای مخبر و آقای وزیر دارائی جواب داده نشد و هیچ تشویقی را که ما در نظر داشتیم نشد بنده نظرم این بود بنده عقیده ام این است که باید اینطور مؤسسات را تشویق کرد و آن چیزی که اسباب فزح و نشاط است برای اینها

قائل شویم نه اینکه اسباب دماغ سوختگی فراهم کنیم حالا بنده خیلی خوشوقت هستم که معمر هشتم و از عهد محمد شاه هم در نظر دارم عمر داشتن که قبیح نیست یکی از ایراد های آقای معدل این است که بنده عمر دارم حالا شما جوانید و فرورید یا الله بنا بر این یک جوابی که قانع کننده باشد بما داده نشد خصوصاً عرض میکنم که شما توجه داشته باشید که آنچه که اصول زندگی و سرمایه ما را زنده میکند او را تقویت کنید در اینجا چیزی که بنده عقیده دارم که هم باعث زحمت برای وزارتخانه میشود و هم مأمورین مینویسند بهر یک از شرکاء میزان متعارفی پرداخته شده باشد این را اگر نظر آقایان باشد در کمیسیون ما گفتیم که این کلمه مبهم است این کلمه را برداریم چرا که هیچ نتیجه برای دولت و وزارت دارائی ندارد برای اینکه هر شرکتی که تشکیل شود اساسنامه دارد صورت حساب دارد مدیر شرکت هم برداشتی که میکند معلوم است اعضاء هم معلوم است که چه جور برداشت میکنند مدیر شرکت هم البته ملاحظه سرمایه را میکند و این عبارت در حدود میزان متعارف را بنده ندانستم چیست و عقیده ام این است که حذف شود و بنده پیشنهاد حذفش را میکنم.

**وزیر دارائی** - البته جواب هائی که بنده دادم آقای انوار توجه فرموده اند و اینکه فرمودند راجع بمیزان متعارف البته شرکت هر اندازه که خرج او است مثلاً ده هزار تومان برداشت میکنند این دخلی بمنافع شرکت ندارد همانطور که در آنجا ما صدی پانزده قائل شدیم و صدی هجده قائل شدیم اینجا هم نوشته ایم که میزان متعارفی (امیر تیمور - یعنی چه) عرض میکنم که یک شرکتی است که ده نفر تشکیل داده بیست هزار تومان عایداتش است بمیزان متعارفی حقوق آقا و حقوق بنده که شریک هستیم میزان متعارفی و وضعیت ما آنطور است که فرضاً دو بیست هزار تومان سرمایه است ده هزار تومان برداشت میکنیم مثل آن صدی هجده جزء آن قسمتی که باید مالیات بدهد در نمیآید (امیر تیمور - آقا ایجاد اختلاف میشود).

**رئیس** - آقای تهرانچی

**تهرانچی** - بنده هم در همین قسمت میخواهم عرض کنم و قتی که میزان متعارف گفتیم این تولید اختلاف میشود بنده عقیده بنده بایستی یک حدی برایش معین کنید او میگوید من بمیزان متعارفی برداشت کرده ام مأمور میگوید خیر معلوم نیست و در این صورت ایجاد اختلاف میشود این است که میبایستی یک حدی برای این قائل شد که صدی هجده یا صدی بیست یا اینکه میزان متعارف را بردارید که اختلاف در بین نیاید بنده عقیده ام این است که تمام اینها میرود بعایدات شخصی او حساب میشود چون حساب میشود متعارف را بردارید.

**معدل** - بنده هم معایبش و محاسنش را خدمت آقایان عرض میکنم در این نوع شرکتها افراد متساوی نیستند نسبت به آن حد نصابشان بعضی ها هستند آخر سال می نشینند حساب میکنند و می بینند که اگر آخر سال مطابق آن سهمی که گذارند برداشت کنند مالیات کمتر بهشان تعلق میگیرد تا اینکه آن عایدات در شرکت باشد و اگر این جمله برداشته شود میرود آخر سال حساب میکنید و اگر یک جزئی برایش تفاوت کند میرود از شرکت سهمش را میگیرد و ضرر بخزانة دولت میخورد عرض کردم همیشه این را باید در نظر داشته باشیم که یک تعادلی باشد و اگر بخواید حدودی قائل شوید بنده تصور میکنم همان صدی هجده را قائل شوید.

**رئیس** - آقای امیر تیمور

**امیر تیمور** - بنده هم معتقدم که این عبارت میزان متعارفی یک عبارت مبهمی است که در عمل برای مردم اشکال تولید خواهد کرد و همینطور که آقای مخبر قبول کردند بنده پیشنهاد کردم بجای میزان متعارفی صدی هجده نوشته شود.

**رئیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - بنده عقیده ام این است میزان متعارفی بهتر از صدی هجده است برای اینکه اگر یک کسی در

شرکت تضامنی سهم داشت در حدود مخارج خودش برداشت میکند در کمیسیون هم صحبت شد و اغلب آقایان هم حضور داشتند بنده خیال میکنم آقایان هم موافقت بفرمایند با همین کلمه متعارف بهتر است.

**معدل** - بنده يك توضیح دیگری عرض میکنم که این کلمه متعارف خیلی خوبست و آن این است که متعارف چیست؟ یعنی آنچه عرف و جامعه آنرا قبول کرده اند و وقتی که بخواهند عمل کنند به پنج سال بیشتر و سه سال بیشتر رجوع میکنند حالا دیگر شما توقع دارید بیشتر از آنچه تا بحال میشده بشود.

پیشنهاد آقای تهرانچی و چند نفر از آقایان پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ در حدود میزان متعارفی حذف شود.

**تهرانچی** - اگر این پیشنهاد را اینطور قبول بفرمائید که نوشته شود در حدود میزان متعارف مخارجشان یعنی کلمه مخارج را اضافه کنید که به میزان متعارف مخارجشان بشود.

**معدل** - این کلمه را نمیشود قبول کرد برای اینکه ممکن است يك شركتی باشد با دو هزار تومان سرمایه تشکیل شده باشد و یکی از شرکایش هم هر ماهی دو هزار تومان خرج داشته باشد (تهرانچی - پس متعارف را بردارید)

**معدل** - متعارف به نسبت همان سرمایه ایست که دارند و بهر حال این را نمیشود قبول کرد آقای

**جمعی از نمایندگان** - پس گرفتند پیشنهاد آقای امیر تیمور خوانده نشد پیشنهاد آقای مخبر فرهمند - پیشنهاد می کنم بماده ۱۲ سطر سوم بعد از جمله میزان متعارفی پرداخته شود اضافه شود ~~صکه~~ نباید از سهم سود هر يك از شرکاء تجاوز نماید.

**معدل** - حضرت تعالی کاملاً آن طرفش را گرفته اید خواهش میکنم حضرت تعالی هم این پیشنهاد را مسترد بفرمائید آقایان این طرف را موافقت می کنند جناب عالی هم آن طرف را مسترد فرمائید.

**مخبر فرهمند** - مسترد میکنم **جمعی از نمایندگان** - رأی بگیرید

**رئیس** - رأی میگیریم بماده یازدهم آقایان موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۲ مطرح است

**جمعی از نمایندگان** - ختم جلسه

**ملك مانفی** - یکی از نظریات ما این بود که ما تا دو ساعت بعد از ظهر بنشینیم و این وظیفه را انجام بدهیم یا اینکه حالا تنفس بدهید و بعد از ظهر بیائیم و این کار را تمام کنیم ما همیشه در اواخر ادوار مجلس صبح و عصر جلسه داشتیم و بالاخره کار و وظیفه که داریم باید انجام بدهیم و اینطور عملی نیست

**رئیس** - بنده عرض میکنم با این همه لوایحی که داریم و با این وقت کم البته آقایان بایستی بیشتر مراقبت فرمائید و اگر حالا میخواهند جلسه را تعطیل کنیم بایستی چهار بعد از ظهر تشریف بیاورند و این لایحه را تمام کنیم و لوایح دیگری که داریم بگذرانیم (صحیح است)

(در این موقع نیم ساعت بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و ساعت پنج بعد از ظهر مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس** - ماده ۱۲ لایحه مالیات بر درآمد مطرح است خوانده میشود:

ماده ۱۲ - هر مؤدی مالیاتی از درآمد مشمول مالیات خود بنرخ های معینه زیر و جوهی را که دین قطعی و مسلم او میباشد باید طبق این قانون بابت مالیات بپردازد . . . . .

**عده از نمایندگان** - لازم نیست خوانده شود لازم نیست

طبع و توزیع بشود. نزد همه است **مروحی** - چاپ شده است آقا اجازه بدهید صحبت کنیم **رئیس** - بسیار خوب آقای مجد ضیائی

**مجد ضیائی** - بنده خواستم آقای مخبر توجه بفرمائید سئوالی دارم خواستم بپرسم اینجا که مینویسد (هر مؤدی مالیاتی از درآمد مشمول مالیات خود بنرخهای معینه زیر و جوهی را که دین قطعی و مسلم او میباشد باید طبق این قانون مالیات بپردازد) این وقتی قطعی میشود که مورد اختلاف

نباشد. در قانون سابق اینطور مینویسد ملاحظه بفرمائید: از عایدات خالص مشمولین این قانون در صورتی که از پنج هزار ریال در سال تجاوز کند طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد

اینجا اگر کسی يك اختلافی هم داشته باشد رئیس مالیه میگوید این دین قطعی و مسلم شماست پولش را اول بدهید بعد بروید برای حل اختلاف. خواستم به بینم از این کلمه دین قطعی و مسلم مقصودتان چیست؟

**امیر تیمور** - راست میگوید آقا.

**وزیر دارائی** - هیچوقت همچو چیزی نیست که میفرمائید در ابتدای امر خود مؤدی اظهار نامه میدهد آقا میفرمایند که رئیس مالیه میگوید این دین قطعی و مسلم شماست اینطور نیست آقا ترتیب پرداخت و جریان آنرا این جا نوشته اند هر مؤدی يك اظهار نامه می دهد وقتی که داد آن وقت اداره بایستی رسیدگی کند اگر اختلاف نظری نداشت که مطابق همان اظهار نامه عمل خاتمه یافته است و قطعی است اگر اختلاف نظری داشت رئیس دارائی یا کسانی که موظف هستند که بآن اظهار نامه او اعتراض میکنند و لسی در هر حال آنچه را که خود او در اظهار نامه اش نوشته است که دین قطعی و مسلم خودش میدانند و میدهد بعداً نسبت به اعتراضی که هست مطابق ماده دیگر این قانون اداره اعتراض خودش را اظهار می کند و بطرف ابلاغ میشود باز هم اگر طرف اظهاری دارد میکند و مراجعه میشود بکمیسیون مربوطه.

**رئیس** - آقای انوار.

**انوار** - آقایان را توجه میدهم که این ماده بیت العقیده این قانون است که اشل را برای دادن مالیات معین می کند ولی این ماده را در تحت يك برهانی که مقدمات واضحی داشته باشد ذکر نکرده اند بچه دلیل از هزار تومان و يك قران تا سه هزار تومان صد در سه هست یا صد در چهار هست این يك چیزی نیست که بنده بخواهم بگویم در تحت يك میزانی آمده باشند و حساب کرده باشند و اصل مالیات را

در نظر گرفته باشند یعنی مثلاً ثروت مملکت را در نظر گرفته باشند بعد آن ثروت مملکت را قسمت کرده باشند بین طبقات مختلفه و در هر طبقه هم ملاحظه کرده باشند آنوقت با این طبقه بندی آمده باشند از مرتبه يك صدی سه بگیرند تا برسد به صدی هشتاد. نه اینطور نیست نه در این قانون این جور است نه در آن قانون و در کمیسیون هم برای مادلیلی ذکر نکردند که چه جور شد که ما این ترتیب را قرار دادیم و این خانه ها را پر کردیم و دلیل مقننی بما نگفتند که ما بتوانیم در مقابل کسانی که از ما سؤال میکنند بچه دلیل باین ترتیب ذکر کرده اید ما بیان بکنیم این ذکر نشده است و يك چیزی است بر حسب حدس و تخمین در نظر گرفته اند که اگر مالیات را اینطور تصاعدی در نظر بگیریم و اینطور قرار بدهیم با مخارجی که برای مملکت در نظر گرفته ایم آنوقت این مالیات با این مخارج توافق می کند.

این مسئله هم غیر محقق است چرا؟ چون همان چیزی که آقای مخبر محترم در اینجا بیان کردند در فلسفه این قانون که این قانون برای چه وضع شده است و چرا وضع میشود بواسطه آن چهار امری که بیان کردند ولی هیچیک از آنها ما را نمیرساند باینکه باید باین ترتیب این مالیات را وضع کنیم که صدی سه تا کجا باشد و صدی هشت تا کجا و صدی بیست و پنج تا کجا و صدی چهل تا کجا و صدی هشتاد تا فلان حد باشد الی آخر بنابراین باز نظر تاخیر بر گشته است بیک عده که در این مدت احتکار کرده اند یا در واقع مقاطعه کاری کرده اند و يك دخلی برده اند و این افرادی که شما

در نظر گرفته اید خیلی کمند و حقیقه خیلی کم هستند اگر هم بوده اند اشخاص خارجی بوده اند که حالا دیگر نیستند و شما را يك خیالی فرا گرفته است والا اغلب افراد مملکت که این جور نیستند اقلیت قلیلی این جور هستند شاید در مرکز و ولایات عده معدودی از این قبیل باشند و برای عده معدود هم که نمیشود این مالیات را اینقدر بالا برد حالا شما می فرمائید خوب اگر نباشد که نمیگیریم حالا ما چرایی این يك میزانی را تصور کنیم که هیچوقت در مملکت ما



تصورش هم نشود که تحقق پیدا کند برای چهار پنج نفر محتمل یا مقطعه کار هم که يك دخل سرشاری برده اند ما نمیتوانیم قانون عمومی وضع کنیم آقا که تمام مردم را گرفتار کنیم از این نقطه نظر چون نه دز کمیسیون برای ما دلیلی ذکر شد و نه آن بیاناتی که آقای مخبر بیان کردند ما را ملزم میکند که این اشل را تصویب کنیم و قبول کنیم این است که بنده مطابق با نظریه خودم با همکاران محترم خودم يك پیشنهادی کرده ایم و بنده هم موافقت کرده ام آقای امیر تیمور و جمعی پیشنهاد کرده اند و عقیده مان بر اینست که اشل همان ترتیبی باشد که پیشنهاد کرده ایم و مطابق همان هم رای میدهم دلیلش هم این است که ملت ایران آقا يك ملتی است مطیع قانون دولتش را دوست میدارد و همیشه متوجه در بار خودش است هر وقت این ملت این مالیاتی را که مطابق با این اشلی که ما پیشنهاد کردیم اگر دیدید کم آمد همین مجلس باقی است و انشاء الله شما هم وزیر دارائی هستید و همین میسیون آمریکائی هم هستند بیائید و پیشنهاد کنید و بگذرانید دیگر عجله کردن و این مالیات باین سنگینی را این جور شلاق کش تحمیل کردن بنده که موافق نیستم و معتقد نیستم این هم پیشنهاد است .

**مخبر** - آقای انوار از جهت زیاد بودن مأخذ این اشل بحثی نفرمودند فقط خواستند فلسفه اش را برای شان ذکر کنم که چه شده است که این را باین ترتیب نوشته اند این نکته را باید خدمت حضرت تعالی تذکر بدهم که هر کاری آقای انوار يك تخصصی می خواهد و هر وقت که آن متخصص یا اهل فن يك نظری را داد دیگر نمیشود هر دفعه و هر ساعت و هر دقیقه باو اعتراض کرد و ایراد کرد مثلاً سلعتی یا که توی جیب حضرت تعالی هست این را ببرند از سازنده اش ببرند و اعتراض کنند که چرا این را بزرگ درست کرده ای یا چرا کوچک ساخته ای و تناسب بین این دو تا چطور است؟ این که نمیشود آقا شما از ساعت کار کردن خوب بخواهید بزرگ و کوچکش را چه کار دارید مردی را شما برای اصلاح امور مالیاتان استخدام کرده اید که بیاید و امور مالیاتان را

اداره کند خودتان هم می فرمائید که ما ایمان داریم که این آدم از عهده این کار برمی آید این آدم آمده است و گفته است که من این دوارا برای شما تشخیص میدهم و این نسخه را میدهم برای درد شما حالا دیگر چرا این دارورا نوشته چهار مثقال و آن دوارا نوشته دو مثقال یا بآن دوا اعتراضی دارم این نمیشود آقا این را دیگر ما نباید معترض باشیم آقا بنده ضمناً این نکته را هم می خواهم متذکر بشوم که این قانون در موقع رأی گرفتن مواد يك موافقتی هم دارد که بنده میشوند و رأی میدهند ولی بنده نمی بینم که این آقایان موافقین برخیزند و از قانون دفاعی بفرمایند .

**آزادی** - برای اینکه وقت تلف نشود .

**یکی از نمایندگان** - شما که مجال بموافقین نمیدهد .  
**مخبر** - توجه بفرمائید آقا بنده می خواهم آقا این منعکس نشود که تنها وزیر دارائی و هیئت وزیران و مخبر کمیسیون از نقطه نظر وظیفه دفاع میکند . خیر باید آقایان مخالفین و منتقدین متوجه این نکته باشند که موافقین هم برهان دارند دلیل دارند .

**رئیس** - آقای لیقوانی .

**لیقوانی** - عرض کنم بنده رویه که برای خودم اتخاذ کرده ام در این قانون این است که هیچ وقت پیشنهاد تقابل مالیات نکنم پیشنهادی هم که بنده در جلسه گذشته کردم راجع به بیمارستان و حق التألیف و اینها بود که آنها را هم خوب گفتند اسباب معطلی و اشکال میشود و دولت قبول نکردند .

حالا موضوعی را که بنده خواستم تذکر بدهم بادر بفرمائید که فقط از نقطه نظر خیر خواهی است نسبت بخود این قانون و می خواهم عرض کنم که طوری نشود این قانون خنثی بشود و بالاخره کاری بشود که مالیات ها هم وصول بشود (صحیح است) و آن موضوع مسئله مالیات برشرکتهاست اولاً این را عرض کنم که بنده نه شرکتی دارم و نه در عمرم داخل در شرکتی بودم . . . (یکی از نمایندگان) - آف ماده راجع بشرکتها گذشت (بنده از نقطه نظر اشل ها دارم

حرف میزنم عرض کنم که شرکت يك مالیاتی میدهد فرض بفرمائید يك شرکتی که صد هزار تومان عایدی دارد . . . . آقای وزیر مالیه توجه بفرمائید این صدی ۸۰ مالیات بدهد بقیه را هم بین دارندگان سهام تقسیم میکنند فرض کنید يك دارنده سهمی خودش هم ده هزار تومان دوازده هزار تومان عایدی دارد هزار تومان دو هزار تومان هم از سهمی که در شرکت داشته است بهش میرسد فرضاً این میشود دوازده هزار تومان آنوقت به دوازده هزار تومان هم مالیات بسته میشود در صورتی که آن مالیات را نسبت بسهم این شرکت پرداخته است و بنده با این ترتیب میترسم . . . از راه خیر خواهی عرض میکنم میترسم که دیگر هیچکس دنبال شرکت نرود و بقول یکی از دوستان بجای انفلاسیون اسکناس انفلاسیون شرکتها پیش بیاید و هیچکس دنبال ایجاد شرکت یا ورود در شرکت نرود و شرکتها هم اصلاً بسته بشوند و دیگر صرف نداشته باشد (صحیح است) یکی از غنیمت هائی که ما تا بحال در این سنوات اخیر در این دوره چند ساله اخیر بردیم همانا تشویق و ایجاد شرکتها بود چون همه میدانید که در ایران هیچ شرکتی نبود و هیچکس هم اطمینان بشرکت نداشت و هر کس میرفت دنبال کار و کسب انفرادی بعد که تشویق شد شرکتهائی ایجاد شد و يك مملکت متمدن هم نمی تواند يك سازمان صحیح و سالم اقتصادی بدون وجود شرکت داشته باشد پس اگر بنا باشد که مثل دوران قرون وسطی هر کس عقب کارهای انفرادی برود این که برای مملکت فایده نخواهد داشت (صحیح است) و بنده میترسم که بالاخره شرکتها از بین بروند و کسی هم دیگر حاضر نباشد برای تأسیس شرکت این است که این جا دو چیز را عرض میکنم یا اینکه اشل مالیاتی شرکتها را پائین ببرند که این موضوع جبران شود یا مثل مالیات سابق مابه التفاوت را منظور دارید و حساب کنید یعنی دارنده سهام مالیات سهامش را که داده اگر عوائد دیگری هم دارد مابه التفاوتش را بدهد این اشکال بنظر بنده هست و وارد است (صحیح است) و الا این را بدانید و بنده عرض میکنم که صد در صد طرفدار قانون مالیات بردرآمد

هستم ولی بنده میترسم بواسطه همین ضرری که بشرکتها وارد میشود و بقدری شدید است که دیگر برای هیچکس یعنی هیچ شرکتی صرف نمیکند و بمرور این شرکتها از بین میروند و آن منظوری که از ازدیاد مالیات هست آن هم بدست مان نخواهد رسید (صحیح است)

**وزیر دارائی** - آقای لیقوانی گمان میکنم صبح در موقعیکه در خود این ماده صحبت میکردیم تشریف نداشتند **لیقوانی** - این که دلیل شد آقا چرا نبودم؟ بودم **وزیر دارائی** - یا توجه نفرمودند قضیه شرکتها اینجامذا کره شد همانطور که میفرمایند آقایان آن ماده تصویب شد و گذشت

**دشتی** - آن ماده گذشته دیگر صحبت نداشت

**وزیر دارائی** - چرا ارتباط دارد باماده قبل

**دشتی** - پس چرا میفرمائید مربوط بماده قبل است و باینجا مربوط نیست؟ عجب؟

**وزیر دارائی** - عرض کنم که البته ما خودمان صد در صد طرفدار هستیم همانطور که فرمودید شرکتها برقرار باشد و روی همین نظر هم بود که صبح این جا عرض کردم منا صدی هیجده از منافع را نسبت بسرمایه بدو از این درآمدی که دارند خارج میکنیم میدهم باشخاص و اشخاص روی منافع خودشان مالیات میدهند بنا بر این دیگر جای نگرانی نیست بر این که شرکتها از بین میروند و البته اشخاصی هم به تنهایی مثل این که شرکت منافع منی برد منافع نخواهند برد و این قسمت هم ملحوظ شده صدی هیجده برای شرکت بنا بر این مانعی نخواهد داشت

**رئیس** - آقای بهبهانی

**بهبهانی** - در این چند روزه يك اشخاصی که تصور می کنم دروغ گفته باشند از قول خود آقای دکتر نقل کردند که این طرز قانون در دو سه جا بیشتر در روی زمین در کشور های دیگر تصویب نشده است و در هیچ کجای دنیا غیر از دو سه جا همچو قانونی وجود ندارد و اجرا نشده است اگر هم تصویب شده بعد از تصویب اجرا نشده یکی اخیراً در ترکیه بود که گفتند این قانون به



همین ترتیب تصویب شد ولی چون اجرائش خیلی مشکل بوده است و نتوانستند اجرا کنند همینطور ماند و اجرا نشد دیگر اینکه در نظر دارم موقعی که در مالیات تریاک صحبت بود و آقای تقی زاده وزیر مالیه بودند در این مجلس شورای ملی يك مالیاتهای هنگفتی برای تریاک گذاشته بودند یعنی قبل از ایشان وضع شده بود ایشان آمدند در همین مجلس و آن مالیاتها را برداشتند و گفتند آنچه که دولت کرده که بتواند جلوی قاچاق را بگیرد نتوانسته است. چرا؟ برای این که خود آقای تقی زاده فرمودند که بعد از آنکه از هر جا جلوی قاچاق را گرفتیم و خیلی هم زحمت کشیدیم دیدیم بالاخره نمیشود برای این که قیمت تریاک بجائی رسیده است که يك مثقال تریاک که سابقاً يك قران بود باید پنج قران فروخته شود ولی قاچاق میکنند و ارزاتر میفروشند حالا ملاحظه بفرمائید در چارک و من چقدر هاتو فریب پیدا خواهد شد و چون این قدر زیاد میشود لهذا است که مردم راه فرار قاچاق پیدا می کنند و خیلی سریع بقاچاق می پردازند و راهش را پیدا می کنند دولت هم نمیتواند جلو گیری کند از این کار و بنده تصور میکنم این قانون مالیات بر درآمد هم همین حکم را خواهد داشت یعنی این فشاری که برای مردم تهیه شده است خصوص روی این اشلی که معین کرده اند این موجب خواهد شد که مردم راه فرار پیدا کنند یعنی يك راهی پیدا میکنند که دولت نتواند با آنها مسلط شود و نتواند آن منافع آنها را صحیحاً احراز کند علاوه بر این بنده تصور میکنم که در جواب فرمایشات آقای مخبر محترم که در جلسه صبح فرمودند که معلوم نیست که این مالیات چقدر خواهد شد و کسی نمیداند چقدر خواهد شد بنده تصور میکنم که اینطور نیست و يك حسابهایی شده است روی این مالیات از قراریکه بنده تحقیق کردم خود در باب اجرای این قانون و تهیه کنندگان این قانون که حساب کرده اند مطابق اشل سابق که می گرفتند امسال گذشته از ۲۸ میلیون الی ۳۰ میلیون تومان از این بر مالیات گرفته اند و میگیرند و بموجب این قانون که از سال آتی اجرا میشود همان محاسبین حساب کرده اند که

مطابق این اشل بموجب حسابی که شده مالیات این کار ۱۳۶ یا ۱۳۸ میلیون خواهد شد بنابراین تفاوت هم خیلی فوق العاده است البته احتیاج دولت هم باین میزان نیست اگر هم احتیاج باشد ما معتقدیم که بودجه کسر ندارد اگر قسمت اقتصادیات را جزء کنیم دولت کسر پیدا نمیکند حالا که دولت میخواهد يك وجوه زیادتری یا يك پس اندازی داشته باشد یا موقع جنگ است و میخواهد يك پس اندازهای معتبری داشته باشد این را هم حرف نداریم ما ولی تصور این راه بفرمائید که فرق میان ۲۸ میلیون و ۳۰ میلیون با ۱۲۸ یا ۱۳۸ میلیون تومان چقدر است؟ و بنده معتقدم که چون این قانون اینقدر فشار بر مردم وارد می آورد و باین درجه اشل را برده اند بالا موفق با اجرای آن نخواهند شد و نقض غرض خواهد شد و بهتر این است که دولت در این باب تأمل بکند یعنی فکر بکند و اشل را يك قدری کوتاه تر بکند که اقلاً يك مقداری کسر بشود و اینقدر فشار بر مردم وارد نیاید و قابل اجرا باشد و الا این را بدانید هر چه قانون موضوع سخت تر باشد دولت در اجرائش عاجز میشود و باز میماند و نمیتواند اجرا کند و مردم هم بهر طریق که هست از زیر بار اقتدار دولت در اجرای این قانون شانه خالی خواهند کرد و از دادن این مقدار عایدی خود بدوگت استنکاف خواهند کرد و دولت هم با این وضعیت امروزه ولو اینکه آقایان آمریکائی ها در این مملکت هستند و کاملاً میخواهند خدمت کنند و نظارت کنند ولی دیدیم تا بحال آنچه جلو گیری کردند از بدو ورودشان تا بحال که هشت نه ماه است در اینجا هستند نتوانسته اند صد دینار از زیاده رویهای سابق جلو گیری کنند چه رسد باینکه این قانون را باین شدت اجرا کنند مردم هم با وسائل و وسائط مختلفه و یا اشخاصیکه مجری این قانون خواهند بود کارهایی خواهند کرد که بنظر بنده نقض غرض خواهد شد دولت هم وقتیکه نتواند این قانون را درست از سر استفاده بکند ضرر خواهد کرد دیگر بسته است بنظر آقایان يك پیشنهادی هم در اینماده کرده ام که تقدیم میکنم

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - بنده عادت ندارم هیچوقت مفصل در مجلس شورای ملی صحبت کنم و همیشه هم هر وقت لازم باشد جواب يك مطلبی را بدهم یا دداشت میکنم و یکی یکی جواب عرض میکنم. چون این جا يك قسمت راجع ببودجه صحبت شد بنده معتقدم باید يك توضیحی مقدمتاً عرض کنم و چون در واقع اساس این لایحه هم همین ماده است تا گزیرم يك مقدمه کوچکی را قبلاً بعرض آقایان برسانم بعد یکی یکی جواب آقایان بدهم اول ما باید فکر کنیم و به بینیم که برای اداره امور کشور باید يك پولی مردم مملکت بدهند و دستگاہ دولت خرجش اداره شود و جریان داشته باشد یا نه؟ این يك موضوعی است که بنظر بنده هیچ محل تردید نیست که خرج این مملکت را باید اشخاص بدهند و در مملکت هر کس هر قدر بیشتر درآمد دارد باید بیشتر در مخارج مملکت شریکت کند زیرا بیشتر از اوضاع و احوال مملکت استفاده می برد (صحیح است) آقایان فرمودند دلیل اینکه یکی که هزار تومان عایدی دارد صدی دو بدهد و دو هزار تومانی صدی چهار بدهد چیست. دلیلش این است که آن اولی بقدر هزار تومان استفاده کرده از اوضاع و احوال عمومی کشور و این دومی بیشتر از او (صحیح است) همچنین اگر کسی ده هزار تومان عایدی داشته باشد از آن کسی که دو هزار تومان یا هزار تومان عایدی داشته بیشتر از کیفیت و اوضاع و احوال عمومی کشور بهره برده البته بیشتر هم باید مالیات پردازد. (صحیح است) و باید هم تفاوت داشته باشند و این در همه جای دنیا هم معمول است و اصل کلی است. حالا آمدیم سر بیانات آقای بهبهانی اینکه فرمودند در هیچ جای دنیا غیر از دوسه نقطه اینطور مالیات وضع نشده و اینطور لایحه تقدیم نشده است تا تصویب و اجرا شود اینطور نیست آقایان در تمام دنیا که امروزه این جنگ برقرار است ملت ها دارند میدهند بلکه فدا کاری دارند می کنند (صحیح است) برای کشورشان بچه های شان را برای کشتن می فرستند صد در صد مالیات میدهند تحمل

خسارات گوناگون میکنند خانه اش زیر آتش بمب می سوزد و خراب میشود و خودش میسازد در انگلستان و امریکا که دو دولت بزرگ و متمدن دنیا هستند امروز ملاحظه بفرمائید چقدر مالیات میدهند؟ پس این حرف را هر کسی بشما گفته است بی ربط بوده است و خیلی تعجب آور است که گفته شود هیچ جای دنیا جز دوسه نقطه اینطور مالیات نمیدهند خیر آقایان این اشتباه است و همه جای دنیا دارند می دهند و فدا کاری میکنند ما هم اگر داریم مالیاتی وضع می کنیم برای احتیاجاتی است که کشورمان دارد ما احتیاج داریم که بهداری مان توسعه پیدا کند فرهنگ مان توسعه پیدا کند قانون تعلیمات اجباری را که گذرانید اجرا شود این چطور باید اجرا شود آقایان؟ باید با پول اجرا شود ملل متمدن دنیا هم همه از این مالیات ها دارند میدهند و همه شان دارند برای استقلال و حیات خودشان فدا کاری میکنند ما هم باید بکنیم بنده صریحاً عرض میکنم که بهترین قانونی که از این مجلس میگذرد همین قانون است (صحیح است) طبقه اغنیاء باید بدهند تا بالاخره طبقه ضعیف و فقرا از ضعف و زحمت بیرون بیایند (صحیح است - احسنت) این يك امر مسلمی است. بنده آقایان با کمال صراحت در این جا عرض میکنم که هیچ اولاً با کسی از این ندارم که عرض کنم هر کس بخواهد از زیر بار این قانون فرار کند بنظر بنده مخالف مصلحت کشور رفتار کرده است (صحیح است) بالاخره بنده خودم شخصاً از طبقه ندار این مملکت نیستم که این عرض را دارم میکنم (صحیح است) من میگویم عقیده ام این است و مصلحت کشور در این است که باید طبقه اغنیاء و اشخاص متمکن مالیات بدهند و از آن طبقه ضعیف و فقیر دستگیری کنند (صحیح است) و در این زمستان سخت و بگذران این دسته باید کمک کرد تا در زحمت نباشند (آفرین - احسنت) اینها هم يك مطالب مسلم و واضحی است چرا آقایان از مطالب دور میشوید ملفکر میکنیم که دولت مثلاً يك فکر عجیب و غریبی دارد. خیر آقایان فکر صحیحی دارد... ما کاری بمیسیون آمریکائی هم نداریم آقایانها هم مستخدمین ما هستند و آمده اند بما خدمت کنند



(صحیح است) آمده اند با تشخیص شما و تصویب شما سر دستگاه فنی مالیه شما و اینطور تشخیص داده اند که اداره امور این کشور احتیاج بیول دارد پول را هم باید از کسی گرفت از آن کسی که ملک دارد تمول دارد (صحیح است) بنده از ملاک حرف میزنم چون خودم هم ملاک هستم در این مملکت و ملک دارم. بگذارید آن ملاکی که یک میلیون دو میلیون استفاده برده است پانصد هزار تومانش را هم بدهد برای مملکت برای مردم ضعیفی که در کنار خیابان دارند جان میدهند (صحیح است) بنده روی سخنم با آقای بهبهانی است چرا نباید بدهد آقای بهبهانی؟ اینها يك مسائلی است آقای بهبهانی شما که و کیل تهران هستید بنده خطابم بشما است شما که و کیل تهران هستید شما پاتانرا بگذارید بجنوب شهر تهران و با شمال تهران که منزلتان است مقایسه کنید آنوقت خواهید دید که باید این مالیات وضع شود و بآن طبقه کمک بشود یا نه؟ (صحیح است) شما باید از آن طبقه طرفداری کنید آقای یعنی از اشخاصی که متمکن و متمول اند و در شمال سکونت دارند بگیرند و بمصرف مردم جنوب و فقرا و ضعفا بدهند حمام برایشون بسازند سرشانرا اصلاح کنند نگذارند تیفوس بگیرند دبستان درست کنند پس اینها از کی باید گرفته شود؟ باید با پول آن اشخاص آسایش این مردم تأمین شود اینها يك مسائلی است که باید گفته شود اگر گفته نشود مطلب لوٹ میشود مجهول میماند ما از روی عقیده و ایمان باین لایحه رأی میدهیم و اجباری هم در بین نیست و من یقین دارم که همه آقایان و خود آقای بهبهانی هم همین عقیده را دارند همان متمول هم بنده عقیده ام این است که موافق است زیرا او هم تشخیص داده است که آن فقیر و بیچاره را باید دستگیری کند دلیلش هم همان عملیاتی است که خیریه های سال پیش کردند اینهمه خیریه هائیکه تأسیس و تشکیل شد این عملیاتی که کردند و دستگیریهائیکه شد پولها ئیکه داده شد اعانه هائیکه پرداخته شد اینها را کی ها دادند چه اشخاصی دادند؟ همین اغنیا دادند برای دستگیری و نگاهداری فقرا و ضعفا (صحیح است) بالاخره حالا هم

دولت میگوید من احتیاج دارم بیول و بی پول نمیتوانم دستگاه این مملکت را اداره کنم و از مردم نگهداری کنم باید بوسیله مالیات از اغنیا بگیریم و بمصرف فقرا برسانیم البته مصلحت کشور هم اقتضا میکند تصویب کنیم و بدهیم و باید با کمال میل و با کمال رضا و رغبت باین قانون رأی بدهیم و عملاً هم نشان بدهیم که ما طرفدار فقرا و ضعفا هستیم و مطلب را به همین جا ختم میکنم و امیدوارم آقای هم موافقت بفرمایند (صحیح است - احسنت).

رئیس - آقای یمین اسفندیاری.

یمین اسفندیاری - اجازه بفرمائید بنده هم که با اجازه آقایان تا اینجا آدم و زحمت کشیدم عرایضم را عرض کنم بنده طبق آنچه که آقای ملک دفاع فرمودند بنده هم مختصراً عرایضم را عرض میکنم. عرض کنم طبق آن اشلی که تنظیم شده است و پیشنهاد شده است آقای انوار هم فرمودند و آنرا هم امضاء کردند و جمعی از آقایان امضاء نموده اند بنده هم آن پیشنهاد را امضاء کرده ام عرض کنم نظر ما این بوده است که ما بخواهیم با آن اشلی که آقای دکتر میلیسپو تهیه کرده است با آن مخالفتی کرده باشیم ولی این اشلی که تهیه و پیشنهاد شده است این هم با يك دقتی بوده است و اگر آقای مخبر و آقای وزیر دارائی دقت بفرمایند ممکن است باز هم مذاکره کنند شاید يك تخفیفی حاصل شود اما تذکر می کنم که خود بنده دادم و میخواهم عرض کنم این است که آقای ملک اینجا فرمودند که بنده تصور میکنم همه بایانات ایشان همراه باشیم ولی ایشان هم یقیناً هم مطالب را شدید گرفتند بنده میخواهم عرض کنم که وضع مالیات آنها برای بهبودی حال مردم و فقرا که فرمودید کافی نیست تا بتوانیم مردم بیچاره را نجات بدهیم بلکه يك تشکیلات خوبی این کار را میکند (صحیح است) و آسایش مردم را فراهم میآورد که بتوانیم در جنوب شهر در کنار جاده شیران و کوچه های تهران هم بدبخت ها را نجات بدهیم ولی این مالیات گرفته میشود و بدبختانه آن بیچاره هائیکه فرمودید بهمان وضعیت دچار هستند و بهمان حال باقی خواهند بود

(صحیح است) پس باید این تشکیلات اصلاح شود و امیدوارم هستم که اصلاح شود (صحیح است) بنابر این با این وضعیت امروزه کشور که همه می بینیم و میدانیم اگر هم در این سنوات اخیر در زمان اعلیحضرت رضا شاه پهلوئی چند نفری چند دینار گیرشان آمد یا از مقاطعه کاری یا از تجارت یا از معاملات آنرا مأخذ قرار ندهید امروزه دیگر این بساطها نیست این را در نظر بگیرید و توجه تان باین نباشد که امروزه يك چهار نفری يك چیزی دارند و دستشان بدهانشان میرسد آنها هم دارند بدبخت میشوند و بدبخت شده اند برای اینکه باب معاملات بدبختانه بسته شده است فقط شما وارد در هر قسمت که بشوید می بینید که آن قسمتهائیکه فرض میکردید دیروز از يك منابعی استفاده های زیادی میکردند امروز بيك صورتی افتاده اند که شاید عنقریب بکوضع خیلی بدتری بخود بگیرند (ناصری - از درآمد مالیات میگیرند) آقای ناصری اینقدر سنگ بسینه نزنید درآمد باید تولید بشود اگر شما وسایل تولید در آمد را فراهم نکنید این يك دلخوش کنکی است ما میخواهیم در آمد داشته باشیم مالیات بدهیم هر کس که میخواهد در هر شهری زندگی کند وسائل خوب داشته باشد باید مالیات بدهد باید پول خوب بدهد این تردید ندارد ولی بنده عرض کردم که اگر در آمد نداشته باشد چه مالیاتی بدهد حالا منظور عرضم این است بنده سؤالی از آقای مخبر و آقای وزیر دارائی داشتم که اینجا در ماده دوازده نوشته میشود باینکه از يك میلیون و يك ریال بالا صدی هشتاد نسبت به مازاد بنده میخواستم توضیح بخواهم که این مازادی که داده میشود نسبت بر رقم قبلس است یا از همان رقم اول که صدی سه گرفته میشود حساب میشود؟ چون در اینجا خوب نصیح نکرده و معلوم نیست که تمام این قسمت ها رعایت خواهد شد یا فقط همان رقم اصلی رعایت میشود این را توضیح بفرمایند.

مخبر - تمام این قسمت ها رعایت شده است نسبت به

مازاد هر رقمی محسوب میشود یعنی رقم قبلی خودش

رئیس - پیشنهاد آقای روحی

کلمه «میباشد» که در سطر دوم این ماده ذکر شده تبدیل به «تشخیص داده شود» گردد

رئیس - آقای روحی

روحی - آقای مخبر توجه بفرمایند اینجا نوشته است میباشد در این قانون یعنی بطور قطع و جازم و حال آنکه باید تشخیص داده شود آن کسی که اظهارنامه داده هنوز درست نمیداند...

مخبر - خوب بنده قبول کردم که اصلاح شود تشخیص داده شود.

رئیس - پیشنهادی است بامضای ۳۱ نفر آقای امیر تیمور و سی نفر دیگر.

ماده ۱۲ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۱۲ - هر مودی مالیاتی از درآمد مشمول مالیات خود بنرخهای معینه زیر باید طبق این قانون مالیات بپردازد از درآمد مشمول مالیات در سال مالیاتی دوازده هزار ریال تجاوز نماید ۲ درصد

از ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال ۳ درصد نسبت بمازاد ۱۰۰۰۰ ریال  
از ۳۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ ریال ۴ درصد نسبت بمازاد ۳۰۰۰۰ ریال  
از ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ ریال ۵ درصد نسبت بمازاد ۵۰۰۰۰ ریال  
از ۶۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ ریال ۶ درصد نسبت بمازاد ۶۰۰۰۰ ریال  
از ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال ۸ درصد نسبت بمازاد ۸۰۰۰۰ ریال  
از ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ ریال ۹ درصد نسبت بمازاد ۱۰۰۰۰۰ ریال  
از ۱۲۰۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰۰ ریال ۱۰ درصد نسبت بمازاد ۱۲۰۰۰۰ ریال  
از ۱۴۰۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰۰ ریال ۱۲ درصد نسبت بمازاد ۱۴۰۰۰۰ ریال  
از ۱۶۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ ریال ۱۵ درصد نسبت بمازاد ۱۶۰۰۰۰ ریال  
از ۲۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ ریال ۱۸ درصد نسبت بمازاد ۲۰۰۰۰۰ ریال  
از ۲۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال ۲۰ درصد نسبت بمازاد ۲۵۰۰۰۰ ریال  
از ۳۰۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰۰ ریال ۲۲ درصد نسبت بمازاد ۳۰۰۰۰۰ ریال  
از ۳۵۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ ریال ۳۰ درصد نسبت بمازاد ۳۵۰۰۰۰ ریال  
از ۴۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال ۴۵ درصد نسبت بمازاد ۴۰۰۰۰۰ ریال  
از ۵۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰ ریال ۵۰ درصد نسبت بمازاد ۵۰۰۰۰۰ ریال  
از ۶۰۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰ ریال ۶۰ درصد نسبت بمازاد ۶۰۰۰۰۰ ریال  
از ۷۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ۷۰ درصد نسبت بمازاد ۷۰۰۰۰۰ ریال

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - عرض کنم این پیشنهادی است که عده ای از رفقا امضا کرده اند که بنده هم یکی از آنها هستم و مقدمه عرض میکنم که ملت ایران هیچوقت برای اصلاح شئون



اجتماعی شان از پرداخت مالیات و پول مضایقه نداشته در آینده هم مضایقه نخواهند کرد همانطور که آقای ملک مدنی هم اشاره فرمودند اگر موردی پیدا کردند نه تنها با بذل مال بلکه با بذل جان هم حاضرند خرجهای کشور خودشان راراه بیندازند و اگر نظری باین بیست سال آخر بکنیم صدق عرایض بنده تأیید و ثابت میشود زیرا که از سنه ۱۳۳۰ باینطرف در آن تاریخ بودجه ما سالی ۲۳ میلیون بود و این اواخر رسید به سالی چهارصد میلیون و بنابراین ملت ایران بهیچوجه من الوجوه مضایقه نکرده اند از پرداخت مالیات برای اصلاح شئون اجتماعی خودش و در هیچ کشوری هم سابقه نداشته است در يك مدت باین قلیلی مالیاتش متصاعداً باین درجه بالا برود و سال بسال بودجه اش زیاد بشود اما آقای مخبر توجه بفرمائید همانطور که رقم مالیات ما در بیست سال از ۲۳ میلیون به چهار صد میلیون رسید همه ساله دولت هم مساعی بیدشماری بکار میبرد که قوه تولید در کشور و در مردم زیاد بشود به نسبت قوه تولید مردم مالیات بپردازد اکنون هم اعتقاد بنده این است که یکی از مسائلی که باید مقنن و قانونگذار در نظر بگیرد باید سعی کند که قوه تولید در مملکت زیاد بشود و مردم هم تشویق بشوند و البته صدی هشتاد عوایدشان را هم بپردازند بنده هم این رقم را پیشنهاد کردم ولی عرض میکنم عملاً این را خواهید دید که دچار زحمت میشوند زیرا کمتر اشخاص حاضر میشوند که بیابند انرژی و فعالیت و کوشش و سعی خودشان را بکار ببرند و صدی هشتاد از منافع خودشان را بدولت بدهند این حقیقه متناسب با زحمتشان نیست و در هیچ جای دنیا هم سابقه ندارد. **عذالك** که در این رقم صدی هفتاد در صدی شصت درصدی پنججاهش بنده هم موافقت کردم و میکنم در پیشنهاد بنده هم این رقم ذکر شده است ولی در عمل دولت متوجه میشود که عملی نیست و خودش در مقام اصلاح بر می آید اما رقمهای اولیه با يك مختصر تفاوتی پیشنهاد شده است با آنچه که شما پیشنهاد کرده اید حالا که ما از روی کمال حسن عقیده میخواهیم این قانون را بگذرانیم و رأی بدهیم

دولت مخصوصاً آقای وزیر مالیه و آقای مخبر قوه تولید مردم را هم در نظر بگیرند و کاری بکنند که برای مردم هم حقیقه توانائی پرداخت باشد و همانطور که دولت احتیاج بیول دارد مردم هم امروز زیر بار زندگی کمرشان خم شده و قطعاً تمام مخارجشان يك برده و بیست شده و کشور ایران هم اول کشوری است که از همه دنیا گرانتر است زندگی گرانتر است هیچ طبقه ای امروز قادر بادامه زندگی گانی نیست شما اگر هی بخواهید از مردم پول بگیرید زندگی گانی هم اینقدر گران باشد فایده ندارد باید کاری کرد که سطح زندگی پائین بیاید با گرفتن مالیات زیاد که کار مملکت پیش نمیرود، دولت باید کاری بکند که قوه تولید زیاد بشود و سطح زندگی پائین بیاید از بالا بردن مالیات که سطح زندگی پائین نمی آید بیچارگی مردم هم زیاده می شود آقای مخبر هم استدعا میکنم موافقت بفرمائید.

**مخبر** - بیانات آقای ملک مدنی که در جواب آقای بهبهانی فرمودند بنده را بی نیاز کرد که دیگر در این بلب چیزی عرض کنم ولی حقیقت امر این است که این صورت مجلس هائی که تنظیم می شود به آیندگان ثابت خواهد کرد که چه موافق و چه منقد هر دو مصالح کشور را بر منافع شخصی خودشان ترجیح داده اند اگر امروز در جراید ما يك افرادی روی يك اغراض هنر نسبتی بنمایند گان مجلس شورای ملی بدهند ولی اعمال آنها و کارهای آنها در آتیه مورد قضاوت عمومی قرار خواهد گرفت و بنظر بنده روزی خواهد رسید که روی این اعمال و افعالی که داشته اند و قدمهائی که برداشته اند شاید یکی از ادوار خوب مجلس ما مجلس سیزدهم باشد زیرا اشخاصی دارند باین مالیات بر درآمد رأی میدهند که خودشان از مؤدیان درجه اول این کشورند (صحیح است) و اگر امروز انتقاداتی نسبت باین مالیات می شود دیده می شود که همه عینک اصلاح اجتماعی را بچشم زده اند منتها اختلاف سلیقه و فرقی عقیده موجب این پیشنهادات است ولی ملاحظه می فرمائید که در تمام این پیشنهادات پافشاری غرض آلودی نمیشود در اینجا

هم آقا باید این را گفت که دواى مؤثر تلخ است و بایستی هر کس که پیش طیب میرود و میخواهد درمان پیدا بکند رضا بدهد باین که یکقدری دواى تلخ را بخورد و رنج بکشد تا نتیجه بگیرد و بنا بر این نباید خیلی متأثر بود از این که یکقدری بارسنگین است باید همه آقایان که مطابق این نرخها مالیات می پردازند متوجه باشند که بقیه دارائی آنها باین وسیله بیمه میشود تأمین می شود، حفظ میشود (صحیح است) و اگر امروز با زبان فصیح نشود پشت باین تریبون جهات این امر را اظهار کرد ولی شاید خود آنها متوجه هستند و در آتیه تصریحاً میگویند اشخاصی که این قانون رأی میدهند ولی با احترام امضا های زیادی که آقایان زیر این پیشنهاد کرده اند و بنا بر توصیه ای که آقای نخست وزیر فرمودند و این موافقتها را میفرمایند از آقایان پیشنهاد کنندگان هم تمنی میکنم که باصطلاح صلح کنیم باین که از درآمد مشمولین از ده هزار ریال بیابن که سه درصد بود و در صد بشود از ده هزار ریال تا سی هزار ریال که چهار در صد بود سه درصد، از سی هزار ریال تا پنجاه هزار ریال که شش درصد بود پنج درصد، از پنجاه هزار تا شصت هزار ریال که هشت درصد بود هفت درصد حالا ورق بزیند کتابچه را از سیصد و پنجاه هزار تا چهارصد هزار ریال که پنجاه و چهار در صد بود پنجاه درصد، از چهار صد هزار تا پانصد هزار ریال که شصت در صد بود پنجاه و پنج در صد (یک نفر از نمایندگان - نسبت بمآزاد) بلی همه نسبت به مآزاد رقم پیش، از پانصد هزار تا ششصد هزار ریال که شصت و هفت در صد بود شصت در صد. از ششصد هزار تا هفتصد هزار ریال که هفتاد و دو درصد بود شصت و پنج در صد از هفتصد هزار تا يك میلیون ریال که هفتاد و پنج در صد بود هفتاد درصد از مآزاد يك میلیون هم همان هشتاد درصد بنده تمنی میکنم که چون این ماده هم بقول آقای انوار بیت الغزل این قانون است آقایان هم موافقت بفرمایند که بعد از پائین آمدن بنده از اینجا باین ماده رأی گرفته شود.

**امیر تیمور** - بنده بسهم خودم موافق هستم.

**رئیس** - آقای تهرانچی.

**تهرانچی** - آقای معدل يك قسمتی فرمودند البته آقای امیر تیمور هم از امضا کنندگان بودند بنده هم لازمست عرض کنم مقصود این نیست که مالیات را ندهند یا کمتر بدهند مقصود این است که نسبت باشخاصی که اضافه از مبلغ معینی ندارند تحمیلی نشود که از خرجشان کم بیاید و بیفتد بقرض و بد بختی و فلاکت استدعای کنیم آقای نخست وزیر و آقای وزیر دارائی توجه بفرمایند این را تصدیق می فرمایند همینطور که عواید زیاد شده است برای بعضیها خرج هم گران شده است باین معنی که پول کار پیش را نمیکند اگر بنا بشود يك کسی عوایدش در سال بیست هزار تومان یا سی هزار تومان شده است حکم دو هزار تومان سابق را دارد طبقه متوسط هم همین طبقه است طبقه عالیته آنهاى هستند که عایداتشان به پنجاه شصت و صد هزار تومان میرسد اگر صدی پنجاه یا صدی هشتاد هم بگیرند از اضافه خرجشان گرفته اند و بنده که یکی از امضا کنندگان این پیشنهاد هستم هیچ مخالف نیستم که از اضافه خرج هر چه میخواهید بگیرید و حتی میخواهم این عرض را کرده باشم که صد در صد هم بگیرید زیاد نیست ولی آن کسی که مطابق خرجش دارد که باید قرض بکند به فلاکت می افتد و این نقض غرض است و بنده میدانم که نه دولت و نه آقای وزیر دارائی نه آقای دکتر میلسپو هیچوقت این نظر را ندارند که از افرادی که باندازه خرجشان دارند مالیات گرفته شود. چرا؟ بعلم اینکه شما خودتان از مأمورین دولت مالیات را برداشتید برای چیست؟ برای این نیست که میخواهید آن طبقه مالیات بپردازند گفتند که چون حقوقشان باندازه بخارجشان کفایت نمیکند اگر بخواهیم يك چیزی هم ازشان بگیریم بیشتر بآنها صدمه است پس باید مردم را هم در نظر بگیریم آنچه که خرج يك خانواده متوسط است با نرخ امروزه مقایسه کنید اما در عین حال اگر شما نتوانستید سطح زندگی را پائین بیاورید و چه بوسیله این قانون چه بوسیله دیگر



هیچ اشکال ندارد که بیائیم در این قانون تجدیدنظر کنیم بنده هیچ نمیگویم در این قسمت که شما الان در قانون معین میکنید بیائید و از آن مبلغی که واقعا خرج خانه‌های متوسط است کمتر بگیریید برای آتیه هم اگر شما موفق شدید هزینه زندگی را پائین آورید که هیچ والا این راهم ببرید بالا شما نسبت بان مبلغ پنجاه هزار ریالی شصت هزار ریالی که باید بگیریید تخفیف دادید و اوایلش را دست نزدیک (مخبر - اوایلش را توجه نفرمودید) بنده می بینم چیزی در اوایل نیست شما آمدید آن ده هزار ریالی که هزار تومان میشود... (مخبر - شما برای فقر امیفرمائید یا اغنیا نه قربان برای طبقه متوسط عرض میکنم شما آمدید فقط يك طبقه فقیر را ملاحظه کردید و يك طبقه اغنیارا ولی وسط را هیچ ملاحظه نکرده‌اید (مخبر - وسط هم وسط پول میدهد) خوب اگر از آن متوسط هم بگیریید فقیر میشود و بر فقرای این مملکت می افزائید در آمدش بان اندازه همان خرجی است که گران شده حرف سر این است و الان طبقه‌ای که زیاد دارند خود بنده هم معتقدم که هفتاد و پنج درصد راهم زیادتر کنید ولی فقیر و بیچاره و بدبخت را نمیشود منتها البته تا وقتی که اوضاع دنیا اوضاع جنگ است که شما این را خواهید گرفت این را که همیشه نخواهید گرفت این اشکالی ندارد که دو سال سه سال هم اضافه بدهند از اضافه خرج اما آن کسی که باندازه مخارجش دارد و اگر زیادی بدهد او را فقیر کرده‌اید و از بین برده‌اید برای اینکه اگر فقیر شد مجبور است برود ملکش را گرو بگذارد تومانی دهشاهی دو عباسی قرض کند و همان ترتیبی میشود که قبل از این دوره‌ها داشتیم مگر خاطر تان رفته قبل از بیست سال در این مملکت کدام ملک بود که گرو نبود کدام خانه بود که گرو نبود کدام خانه بود در قرض نبود اگر حالا هم میخواهید این طبقه بهمان حال بیفتند البته مضر است برای مملکت بنده معتقدم بهمان طبقه متوسط هم یعنی سی هزار ریال که حکم سه هزار ریال سابق را دارد چون این حال را دارد این تخفیف را بدهید که این از مؤنه‌اش کمتر پیدا نکند و کسر خرج نداشته باشد

دو بست تومان در سال و بعد آن قسمتهای دیگر که چهارصد تومان برای عیال ششصد تومان برای اولاد همه این طبقات را که اولاد دارند حساب بفرمائید تا دو هزار و پانصد تومان را تقریباً معاف کردیم چون هم مخارج فرق کرده است هم عایدات این طبقه را بکلی معاف کردیم و از هر جهت ملاحظه شده است. اما قسمت دوم که عرض کردم ده هزار تومان و دوازده هزار تومان این قانون فعلی است و این هم قانون جدید مالیاتی که الان برای اینها وضع میشود از مالیاتی که الان میدهد کمتر است بجهت اینکه در این قانون فعلی ملاحظه بفرمائید از ۵۰۰۰۱ ریال تا ۲۰۰۰۰ ریال صدی سه است و از ۲۰۰۰۱ ریال تا ۴۰۰۰۰ ریال صدی شش است ما اینجا تا ۵۰۰۰۰ ریال صدی شش کردیم حالا هم که کمترش کردیم شد صدی پنج و از چهل هزار و یک ریال تا صد هزار ریال صدی ده است در اینجا کمتر شده صدی هشت است از پنجاه تا صد هزار ریال صدی پانزده است اینجا هم همینطور است بنا بر این ما طبقه متوسط را هم همینطور که اظهار فرمودند ملاحظه کرده‌ایم و از آنچه که امروز میدهند کمتر میگیریم اگر بنا شد از قسمت بالا هم هیچ نمیگیریم این طبقه پائین را هم کسر کرده‌ایم پس عاید صندوق مملکت چه خواهد شد؟ حالا در نتیجه مذاکرات و مباحثات زیاد که ما کردیم از برای این طبقه سوم باز تخفیف قائل شدیم که نسبت بانها البته باز ارفاق بیشتر شده باشد و يك قسمت هم طبقه متوسط را ارفاق کردیم این است که خواهش میکنم همانطور که آقای امیر تیمور موافقت فرمودند سایر آقایان هم موافقت بفرمایند که این قانون زودتر از مجلس بگذرد.

**پهمن اسفندیاری** - جنده هم موافقم

**جمعی از نمایندگان** - رأی بگیریید

**رئیس** - اگر آقایان موافقت میفرمایند پیشنهادی که آقای مخبر خواندند رأی بگیریید

**پهمنانی** - به پیشنهاد که نمیشود رأی گرفت. آقای مخبر که قبول فرمودند جزء قانون میشود حالا ما پیشنهاد داریم.

**رئیس** - پیشنهادی که آقای مخبر کردند جزو ماده میشود حالا رأی گرفته میشود به ماده با این ترتیبی که اصلاح شد. در صورتیکه آقای بهبهانی هم اجازه بدهند. آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

**بهبهانی** - بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم، جنابعالی حق ندارید با وجود این پیشنهاداتی که اینجا هست به ماده رأی بگیریید بنده با این پیشنهادی که آقای مخبر کردند پیشنهاد خودم را مسترد می‌کردم ولی حضرت تعالی حق ندارید این کار را بکنید این را بدانید که مخالف قانون رفتار میکنید و حق ندارید این کار را بکنید.

**رئیس** - آقای بهبهانی با عدم توجه اعتراض می کند. قبل از گرفتن رأی مخصوصاً متذکر شدم اگر آقای بهبهانی هم موافقت میفرمایند نسبت بماده دوازدهم با اصلاحی که از طرف آقای مخبر اظهار شد رأی گرفته شود چون مخالفت نکردید رأی گرفته شد (صحیح است) اگر شما توجه نفرموده‌اید تقصیر کسی نیست (صحیح است) ماده سیزدهم: ماده ۱۳ - بجای عوارض قیام شهریاری و مالیات مستغلات مالیاتهای زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و در حدود احتیاجات شهر دارها که با توافق وزارتین دارائی و کشور تشخیص داده خواهد شد بشهر داری‌ها پرداخته خواهد شد.

**الف** - يك مالیات اضافی بمیزان ده درصد مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از مؤدیان تعلق میگردد.

**ب** - درآمد حاصله از مالیات برق.

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - آقای مخبر که در مسئله شهر دارها توجه دارند و خیلی هم زحمت کشیده‌اند توجه دارند در اینجا يك ماده‌ای است شهر داری نه منحصر بمرکز است بلکه برای تمام ولایات برای اینکه بودجه شهر داری تمام ولایات بعد از این باید از این ماده تأمین شود در این ماده نوشته است بجای عوارض قیام شهر دارها و مالیات مستغلات که اینها از بین میرود مالیاتهای زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و به

شهر داریها داده میشود باین معنی که الا آن مطابق قانونی که ما گذرانیدیم برای شهر داریها در تمام کشور شهر داریها خودشان يك انجمن دارند و يك عوارض وضع میکنند و زندگانی خودشان و اداره شهر داری را مطابق آن قانونی که گذشته است میچرخانند مطابق این ماده بعد از این مالیات صدی سه و این پیش آمد های دم دروازه همه از بین می رود و قتیکه از بین رفت عوائد شهر داری هم از بین می رود در اینجا نوشته است با توافق وزارتین دارائی و وزارت کشور در صورتیکه شهر داری های ولایات و ایالات و در هر کجا که شهر داری است خودش مستقل است در بودجه متنها می آید در تهران و وزارت کشور نظر میکنند بنده نظرم این است که شما يك توضیحی بدهید که حقوق ولایات از بابت شهر داری از بین نمی رود و آنها نظر خودشان محفوظ است ثانیاً اضافه بفرمائید با توافق وزارتین دارائی و کشور و شهر داری های هر محلی که این حقوق بهشان خواهد رسید برای اینکه در اینجا آن کسی که مالیات خواهد داد صدی ده مالیات را افزوده میکند و مالیات مستغلات و قپان از بین می رود لابد در هر شهری مالیات بر درآمد هست يك صدی ده که از مؤدیان مالیاتی گرفته میشود برای همان جا است مثلاً در شیراز گرفته میشود برای شیراز در تبریز گرفته می شود برای تبریز ما باید مدخلیت بدهیم شهر داری ها را نسبت باین نظر حالا هر جوری که جنابعالی میفرمائید تامین میشود تأمین کردید من نمیدانم

**وزیر کشور** - اینجا آقای انوار اگر توجه بفرمائید تصور میکنم نظریه ایشان تأمین است برای اینکه ماده ۱۳ اینطور مینویسد . بجای عوارض قپان شهر داری و مالیات مستغلات مالیات های زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و در حدود احتیاجات شهر داری ها یعنی همه شهر داری ها هر جا که شهر داری هست دیگر استثناء نکرده است که شهر داری تهران مشمول این قانون باشد و مال شیراز نباشد پس بنا بر این همین کلمه يك کلمه صحیح و جامعی است و آقای انوار هم

بی جهت اشکال نفرمائید علاوه بر این اینجا عبارت دارد که با توافق وزارتین دارائی و وزارت کشور این احتیاجات شهر داریها تشخیص داده خواهد شد و بشهر داریها پرداخته خواهد شد عموماً بنا بر این این نظریه تأمین است و اما نظری که بنده داشتم و میخواستم بعرض مجلس برسانم و قبلاً هم مذاکره کردم با آقای مخبر و آقای وزیر دارائی که موافقت فرمودند (وزیر دارائی - صحیح است) و آن این است که در اینجا وصول کننده این مالیاتها که بجای عوارض قپان و مستغلات است وزارت دارائی باشد ولی شهر داریها در تحت نظر مستقیم وزارت کشور است در اینجا نوشته است که این مالیاتی که بجای آن عوارض سابق گرفته میشود با توافق نظر وزارتین دارائی و وزارت کشور باید تشخیص داده شود و بشهر داریها داده شود بنظر بنده مداخله وزارت دارائی صحیح نیست فقط مأمور وصول است باین صورت بدهید بوزارت کشور وزارت کشور هم بشهر داریها تقسیم کند و توزیع کند و حالا اگر ما قائل شویم بتوافق بین وزارت دارائی و کشور این تولید مشکلات مزید می خواهد کرد و ممکن است يك موقع اختلافی ایجاد نماید بنا بر این بنده اینطور پیشنهاد میکنم که عبارت این طور اصلاح شود از این جمله (که با توافق وزارتین دارائی و کشور تشخیص داده خواهد شد) صرف نظر بشود و بجای آن (به تشخیص وزارت کشور بشهر داریها پرداخته خواهد شد)

**رئیس** - ماده سیزدهم قرائت میشود

ماده ۱۳ - بجای عوارض و قپان شهر داری و مالیات مستغلات و مالیات های زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و در حدود احتیاجات شهر داریها به تشخیص وزارت کشور بشهر داریها پرداخته خواهد شد

الف - يك مالیات اضافی بمیزان ده درصد مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از مؤدیان تعلق میگردد

ب - در آمد حاصله از مالیات برق

**دهستانی** - چه ضرری دارد که عواید هر شهری را بدهید بخودش

**وزیر کشور** - عایدی هر شهری را بخود آن شهر خواهند داد

**وزیر دارائی** - بنده با این پیشنهادی که آقای وزیر کشور فرمودند موافقت میکنم

**مخبر** - بنده هم موافقم

**رئیس** - آقای یمین اسفندیاری

**یمین اسفندیاری** - عرض کنم که آقای وزیر کشور تا

حدی منظور بنده را عملی کردند ولی باز هم بنده این جا میل دارم اگر موافقت بفرمائید آقای وزیر دارائی و آقای مخبر که این جمله در حدود احتیاجات هم برداشته شود .

زیرا که شهر داری هر قدر بهش پول داده شود کم است چه رسد باینکه يك عوایدی که مخصوص خود شهر داری است مادر

اینجا قید کنیم در حدود احتیاجات و بنده میخواستم عرض کنم احتیاجاتش واضح است و هیچ تردیدی ندارد و این

پولی که گرفته می شود بوسیله مأمورین وزارت دارائی است ولی وزارت دارائی نمی تواند خرج کند و آن مربوط است

بشهر داری که در تحت نظر وزارت کشور باید عمل کنند و همانطور که خود آقای وزیر کشور بیان کردند این مربوط

بشهر داری است که در تحت نظر و نظارت وزارت کشور باید بمصرف برسد و اما در حدود احتیاجات اینجا يك زحمتی

ایجاد میکنند برای اینکه مسلم است انجمن شهر داری یا شهر داریهای محل بدون تصویب و اجازه وزارت کشور که

نمی تواند پولی را خرج کند پس وقتی که این جا تصریح شد در حدود احتیاجات وزارت دارائی خواهد گفت که در

حدود احتیاجات نیست و حال آنکه این پول در اختیار شهر داری است و باین نظر و تصویب وزارت کشور داده شود

پس تمنا میکنم در این صورت این قسمت را از آنجا حذف بفرمائید تا اینکه رفع آن اشکال بشود .

**وزیر بهداشت** - نخیر آقا خیلی خوب است

**یمین اسفندیاری** - اما قسمت دیگر این مالیات صدی

ده را کی باید بدهد آقا؟ این مالیات صدی ده بجای عوارض است که بابت قپان و صدی سه از دروازه ها گرفته می شود

(وزیر دارائی - این صدی سه هم جزو قپان است) بالاخره مال کسی است که جنسی وارد شهر میکنند از او مالیات گرفته میشود اگر يك مالکی در ملك خودش است و در

شهر نیست بچه مناسبت این صدی ده باید باو هم تحمیل شود و حال آنکه صدی ده را شما نوشته اید شامل همه میشود

در صورتیکه شامل کسانی باید بشود که در شهر هستند و از آنجا استفاده می کنند و باید بآن شهر مالیات بپردازند .

(مخبر - آنهاست که بشهر داری مالیات میدهند مگر همه شهر نشین هستند آقا؟) دهاتی که گندم می آورد بشهر که

وارد شهر نمیشود بنده هم که در ملك خودم هستم و بشهر نمی آیم بچه مناسبت باید این صدی ده را بدهم شما یکجا

صدی فلان قدر مالیات بر درآمد میگیرید یکجا هم صدی هشتاد می گیرد در صورتیکه این تخصیص داده شده است

بآن کسانی که دم دروازه معامله می کنند ولی شما این جا میخواهید يك صدی ده هم بگیرید بچه مناسبت باید بدهند

آقا؟ این برای چیست؟ اگر مالیات بر درآمد است که بکشید روی همان مبلغی که مالیات میگیرید اگر مالیات

بر درآمد نیست و مالیات عوارض قپان و شهر داری است نباید تمام افراد مردم مشمول بشوند این را استدعا میکنم اصلاح

بفرمائید پیشنهاد هم ندادم و جنابعالی را بزحمت نمی اندازم ولی تمنی میکنم خودتان لطف بفرمائید آقای مخبر

**رئیس** - آقای دکتر طاهری (یمین اسفندیاری - آقای دکتر مخبرند؟)

**دکتر طاهری** - اعضای کمیسیون همه حق دارند که جواب بدهند در پیشنهادات باید اشخاص معین جواب بدهند

یا مخبر یا اعضای کمیسیون این لایحه فوری هم مثل شور دوم است مقصودم تذکری است بچند موضوع يك موضوع

باید این جا رعایت شود یکی آن بود که آقای دبستانی اشاره کردند و آن در این ماده اصلاً رعایت نشده آن ماده اینطور

در کمیسیون تنظیم شد که ده در صد از درآمد مالیاتی اضافه بر آنچه که گرفته میشود گرفته شود و بشهر داریها

تخصیص داده شود ولی عبارت ماده این بود که با نظر وزارت



دارائی و کشور بر حسب احتیاجات به شهر داربها داده شود این چند عیب دارد یکی این است که آقای وزیر کشور بیان فرمودند دوش اینکه اصلاً اینکار و تقسیم این مالیات میافتد بدست دولت در صورتیکه اهالی هر محلی که مالیات میدهند برای شهر داربها باید در جای خودش بدهند و این باید تصریح شود و عبارت ماده باید عوض شود ده درصد در آمد مالیاتی رامودی باید اضافه بدهد و بنظر وزارت کشور صرف شهر داری همان محلی که گرفته شده بشود و این بعدالت نزدیکتر است هر محلی هر چقدر مالیات بر در آمد داده ده در صد هم بهمان نسبت بشهر داریش داده است و در همان جا صرف میشود این يك قسمت اما قسمتی که آقای یمین فرمودند که اشخاص چرا بایستی مالیات اضافی بدهند برای شهر داری ملاحظه بفرمائید اصل این قانون حسنش این است که بکلی زارع را دو همه جا معاف کرده است برخلاف قانون مالیات بر در آمد سابق که هر کسی هر چه وارد شهر میکرد باید عوارض شهر داریش را بدهد صدی سه هم بدوات بدهد عیب مالیات بر در آمد قدیم این بود که مالک و زارع باید همه این مالیات را بدهند و این بسیار ظالمانه بود هر کسی هر چیز وارد شهر میکرد هم باید صدی سه بدهند هم عوارض شهر داری ولی در این قانون اشکال آقا وارد نیست و زارع بکلی در همه جا معاف است یعنی آن کسی که در ده است و کاری بشهر ندارد مالیات هم نباید بدهد و يك کسی که در شهر نشسته است و از چیزهای شهری استفاده میکند او باید البته بدهد طرز عادلانه هم همین است منتهی مال هر محلی صرف خود آن محل باید بشود.

**یمین اسفندیاری** - خیلی خوب تأمین شد.

**وزیر بهداری** - این توضیح که آقای دکتر طاهری

دادند شاید رفع اشکال آقا را بکنند و نکته دیگری که بنده میخواستم عرض کنم این که بشخص وزارت کشور صرف محل خودش میشود این چون يك اشکالاتی در کار داشت باین جهت ماده این طور تنظیم شده است چون که خیلی از مالیاتها و درآمدهائی است که معلوم نیست این درآمدها

از کجاست مثلاً شرکتی در طهران تشکیل می شود شعبی هم در ولایات دارد بمرکز آن حساب و بیلان میدهد میگوید روی هم رفته این قدر در آمدست و میدهد به وزارت دارائی و حق نیست آن در آمدی که شرکت مرکزی برای سهام در آمد خودش خواه در خارج ایران و خواه در داخل ایران میدهد آنرا مثلاً بشهر داری طهران بدهد. چرا برای اینکه شعبی هم در تبریز و اصفهان و شیراز دارد برای کسیکه يك شرکتی يك کارهائی کرده است يك درآمدهائی داشته است آنوقت وزارت کشور يك تناسبی میگیرد نسبت بر درآمد اختصاصی هر محل و آنوقت از روی درآمدهای عمومی هم که گیرش میآید به تناسب احتیاجات آن راهم علاوه بر آن که اینجا بدهد این است که اگر آقایان موافقت بفرمایند این ماده خیلی خوب تنظیم شده است و بهمین صورت بگذرد

**رئیس** - آقای یمین اسفندیاری.

**یمین اسفندیاری** - آقای وزیر بهداری این بیاناتی

که میفرمایند در قسمت شهر داریها کاملاً اطلاع دارند ولی اجازه بدهید بنده هم توضیح بدهم عرض کنم وقتی که ما گفتیم با تصویب و بانظر وزارت کشور این مخارج بشود وزارت کشور تمام این قسمتها را رعایت مینماید ولی در این جا که نوشته شود که در آمد هر جائی در حدود احتیاجات صرف همان محل شود و بمصرف خود آنجا برسد این اشکال فراهم میشود باین جهت بنده تصور میکنم همانطور که وزارت کشور هم موافقت مینمایند جمله در حدود احتیاجات برداشته شود و نوشته شود مالیات هر کجا بمصرف همانجا برسد. (معدل - پیشنهاد بدهید آقا).

**رئیس** - در این باب پیشنهاد هم داده شده است. پیشنهاد

آقای خسرو شاهی:

پیشنهاد میکنم از ماده الف میزان ده درصد تبدیل به ده درصد شود.

**خسرو شاهی** - خاطر آقایان مسبوق است که قانون

مالیاتی ۱۳۱۷ اسفند نسبت بمستغلات مازادی را که باید مالیات بدهند حساب میکردند و مازادها میان راه وصول میکردند و از مالیه می گرفتند قبل از آن مستغلات يك مالیات صدی

هشت داشت مطابق این لایحه هر کس هر مستغلی دارد باید مطابق آن اشل ماده ۱۲ مالیات بپردازد اینجا يك مرتبه راجع به مستغلات آن اشل ماده ۱۲ را در نظر گرفته اند يك بار هم بجای آن صدی هشت سابق در ماده ۱۳ این صدی ده را در نظر گرفته اند (امیر تیمور - مستغلات دیگر از بین می رود و يك مالیات میدهند آقا) در ماده سیزده نوشته شده بجای عوارض قپان و شهر داری و مالیات مستغلات که سابق بر این صدی هشت بوده عوارض قپان و شهر داری ده درصد اضافه بدهند حالا بنده شاید اشتباه میکنم و آقای مخبر کمیسیون توضیح بدهند تا بنده روشن بشوم یا اینکه آقایان توجه نمینمایند بعرض بنده این جا یکی بجای عوارض صدی سه صدی ده قائل شده اند و یکی هم بجای مالیات مستغلات صدی هشت سابق صدی ده علاوه قائل شده اند مطابق این اشل ماده ۱۲ (معدل - آقای خسرو شاهی توجه بفرمائید تا بنده توضیح بدهم) عرض کنم آقا بنده میخواستم این قسمت را عرض کنم که مطابق این لایحه ماده ۱۳ برای مستغلات دوبار در نظر گرفته است اگر شما منظورتان تهیه عواید شهر داری است مطابق اشل ماده سیزده چندین برابر مالیات سابق شهر داری وصول خواهد شد این ماده هم مالیات مستغلات را در نظر گرفته و هم مالیات صدی سه را و بنا بر این بنده خیال میکنم اگر وزیر دارائی قبول کنند با همان صدی سه باندازه کافی عایدی خواهد بود وزارت دارائی بجای مالیات مستغلات سابق باید از عایدات خودش صدی هشت یا صدی ده واگذار بکند.

**مخبر** - آقای خسرو شاهی توجه بفرمایند که اول این

صدی ده از درآمد نیست این صدی ده از مالیات است یعنی هر کسی بتناسب حسابش هر چقدر در آمدش شد ده تومان از صدتومان میدهد (منشور - جبران نمی کند) چرا خیلی خوب جبران میکند ثانیاً این که اینجا نوشته شده است بجای عوارض قپان شهر داری توجه بفرمائید آقا الان در کشور دو مالیات گرفته میشود یکی بنام مالیات دولتی صدی سه یکی هم بنام عوارض شهر داری یعنی آنچه که انجمن شهر داری وضع

کرده حالا صدی ده مالیات بجای عوارض شهر داری گرفته میشود و این حالا طوری است که از صدی سه عوارض شهر داری بیشتر میشود در بعضی نقاط ملاحظه بفرمائید وقتی که يك خروار گندم وارد شهر میشود اگر يك صد تومان صدی سه گرفته میشود دوازده قران هم بعنوان شهر داری گرفته می شود شما میفرمائید که شن کنیم و پیشنهاد میکنید که بجای آن مالیات صدی ده صدی سه گرفته بشود این نکته را باید متوجه بشوند آقایان که شهر داریها يك تشکیلات معینی دارند يك بودجه معینی هم دارند که همه مردم شاکی هستند و میگویند که این تشکیلات ناقص است و این وجوه کافی نیست برایش و این مبلغی هم که این جا نوشته شده است تکافوی آن مخارج را نمی کند و دولت ناچار است که يك بودجه دیگری اضافه کند و تهیه کند برای شهر داربها تا چه رسد باین که این را هم کسر کند.

**رئیس** - آقای خسرو شاهی.

**خسرو شاهی** - بنده پیشنهاد کردم بجای صدی ده عوارض صدی سه قائل بشوند و فرمایشات آقای مخبر کمیسیون برای بنده قانع کننده نبود و با بنده نتوانستم ایشان را متوجه کنم صدی سه که سابقاً گرفته میشد عبارت بود باصطلاح از عایداتی که وارد شهر همامی شد حالا صدی ده یعنی در هر صد تومان که بر میدارند اگر شصت تومان مالیات بدهند باید شصت تومان هم بابت صدی ده بپردازند و این طور استفاده میشود از بیانات آقای مخبر این صدی ده را اگر صدی سه قائل بشوند بجای تفاوتی که برای شهر داری قائل شده اند وزارت دارائی از همان مالیاتی که وصول میکنند میپردازد و بنده خیال میکنم که بودجه شهر داربها تأمین بشود و حالا بسته است بنظر آقایان.

**طوسی** - اگر اجازه بفرمائید چند پیشنهاد دیگر است اینها را هم بخوانم (همهمه نمایندگان).

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای خسرو شاهی موافقین بر خیزید؟ (عده کمی برخاستند) تصویب نشد چند



پیشنهاد است که نظیر هم است. پیشنهاد آقای فرمانفرمایان پیشنهاد میکنم: اصلاح زیر در بند الف بشود.

ده در صد علاوه بر مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از مودیان تعلق میگردد.

د کتر ظاهری - اصل ماده را هم بخوانید ( طباطبائی پیشنهادات را بخوانید ).

**رئیس** - پیشنهادات دیگر قرائت میشود. پیشنهاد آقای یمین اسفندیاری.

پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ بطریق زیر اصلاح شود.

بجای عوارض قیان شهرداری و مالیات مستغلات و مالیات های زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و عواید هر شهر به تشخیص وزارت کشور بمصرف محل خود خواهد رسید و پرداخت آن منوط به تصویب و درخواست وزارت کشور خواهد بود.

پیشنهاد آقای امیر تیمور.

تبصره زیر را بماده سیزده پیشنهاد میکنم: در آمد حاصله هر شهرستان بمصرف شهرداری همان شهرستان خواهد رسید.

پیشنهاد آقای فرمانفرمایان:

ماده سیزده چنین اصلاح شود: بجای عوارض قیان شهرداری و مالیات مستغلات مالیاتهای زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و عواید حاصله نسبت بهر محل بخود آن محل اختصاص داشته و توسط وزارت کشور پرداخته میشود.

پیشنهاد آقای دبستانی.

پیشنهاد میکنم: که در ماده سوم بجای این جمله در حدود احتیاجات شهرداری ها که با توافق وزارتین دارائی و کشور نوشته شود و در آمدی که از این راه در هر شهری وصول می شود صرف همان شهر بشود.

پیشنهاد آقای ملک مدنی.

پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ بطریق زیر اصلاح شود.

تبصره - در آمد هر محل باید بمصرف همان محلی که مالیات بر درآمد را پرداخته اختصاص داده شود.

پیشنهاد آقای دکتر ادهم.

پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده سیزده اضافه شود: تبصره - عایداتی که از این محل ها وصول میشود مال هر شهری بهمان شهر اختصاص خواهد داشت.

پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم: بعد از کلمه شهرداری شهرستان ها اضافه شود و قصبات.

**وزیر دارائی** - اجازه میفرمائید چون از مجموع پیشنهاداتی

که تقدیم شده است نظر آقایان نمایندگان محترم این است که عایدات هر شهرستانی بمصرف شهرداری همان شهرستان برسد این است که بنده با آقای وزیر کشور این جا مذاکره کردم ایشان هم موافقت کردند که عبارت ماده را باینطور اصلاح کنیم، بجای عوارض قیان شهرداری و مالیات مستغلات مالیاتهای زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و در تحت نظر وزارت کشور در آمد حاصله هر شهرستان بمصرف شهرداری همان شهرستان خواهد رسید.

**طوسی** - يك پیشنهاد دیگر مال آقای طهرانچی است پیشنهاد آقای طهرانچی.

پیشنهاد میکنم: بجای ده در صد قسمت الف ماده ۱۳ يك در صد نوشته شود.

**رئیس** - آقای طهرانچی.

**تهرانچی** - بنده می خواستم يك قسمتی را با آقایان

تذکر بدهم و آن این است که ما يك قانونی اینجا گذراندیم که بانجمن های شهرداری اختیار دادیم که وضع مالیاتی برای شهر بکنند حالا این را الغاء نکردند و اینجا عوارض قیان را برداشتم ولی آن قانون که اختیار داده بانجمن شهرداری این را هر وقت بخواهند. (معدل - اینطور نیست) اینکه می فرمائید اینطور نیست که میفرمائید آن قانون اختیار داد بانجمن شهرداریها که هر وقت بخواهند چیزی را بتصویب هیئت وزراء برسانند. خوب باز هم خواهند کرد ولی حالا این ده درصدی که شما میخواهید در مقابل درآمدی که سابقاً میدادند بشهرداریها حالا بدهند ولی آن عوارض قیان را ما وضع نکردیم بلکه قانونی بود که از

مجلس شورای ملی گذشت و اختیار داده شد بانجمن ها که با تصویب هیئت وزیران می توانند هر گونه عوارض مالیاتی برای شهرها وضع کنند اصلاح این قانون الغاء آن را نوشته اند و توجهی هم نکرده اند اگر شما این را تصویب می کنید برای شهرداریها باید اختیارات از آن انجمن گرفته شود که مالیات دیگری وضع نشود عرضی که بنده در این قسمت داشتم این است که توجه فرمائید ده درصد عواید از کلیه این مالیات ها بنده استدعا میکنم که آقای وزیر دارائی و آقای وزیر کشور توضیح بفرمایند که چه عوایدی الآن برای شهرداریها وصول میشود ده درصد این مالیات خیلی خیلی بزرگ است الآن ده در صد کل این مالیاتها اگر ملاحظه فرمائید ممکن است از ده برابر عواید فعلی شهرداریها زیاد تر باشد برای اینکه الآن میخواهید صدی ده کل مالیات را وصول کنید شما اگر میگوئید که حالا مملکت محتاج به يك پول هائی شده است شهرداری ها هم همین طور است و تمام پولهایی که بعنوان شهرداریها گرفته می شود هیچ بمصرف خودش نمیرسد آقا و تمام پولهایی که از عوارض قیان گرفته می شود بمصرف نمیرسد یکی شهرداری طهران است که بنده اطلاع دارم يك شخصی را آوردند آنجا که کار کند با آنکه آن شخص بسیار جدی و فعالی است ولی پول بهش نمیدهند و الآن کمیتهش لنگ است آن وقت شما می خواهید عواید سابق را زیاد تر کنید و اضافه بگیرید در صورتی که هیچ موردی ندارد چرا زیاد تر بگیرید باین مالیات سنگینی که دارید از مردم میگیرید و اساساً مصرفی هم ندارد این مبلغ هنگفتی است این مالیات سنگین شوخی نیست از پانصد میلیون هم بیشتر خواهد بود و این مالیاتی که از تمام عواید مردم گرفتند زراعت و غیر زراعت و تشکیلات يك توضیحی بفرمائید تا روشن شویم

**وزیر کشور** - دو قسم پول از مردم گرفته می شود در هر مملکتی و در هر کشوری يك قسم اسمش مالیات است يك قسمت دیگر اسمش عوارض شهری است اختلاف اسمی

هم دارد برای این جهتی که عرض می کنم مالیات باید مصرف مصالح عمومی کشور بشود بدون اختصاص بجائی ولی هر شهری يك احتیاجاتی دارد که باید آن احتیاجاتش را خودش رفع کند باین معنی که مالیات از فارس نمیشود گرفت و صرف اصلاحات شهری تهران کرد و ب مالیات خراسان را نمیشود گرفت و صرف شیراز کرد عوارض شهری برای این است و احتیاجات اولیه شهر خودش را تأمین کند شهر بمنزله يك خانه است خیابان یا کوچه اینها بمنزله صحن آن حیاط های ساکنین آن هستند شهر باید نظیف و پاکیزه شود شهر باید از حیث روشنائی تکمیل بشود شهر باید از حیث آب مشروب آبی داشته باشد که قابل استفاده باشد از حیث بهداشت و سایر چیزها حتی از حیث فرهنگ مدارس ابتدائی هر شهر را اگر حقا بخواهید باید با مخارج همان شهر خودش باشد نه اینکه مالیات عمومی صرفش بشود و تحمیل ب همه مردم بشود اینکه آقایان میفرمایند خیلی مالیات هنگفتی است هر چه هنگفت باشد آن شهر را زودتر آباد خواهد کرد تهران و هم چنین سایر شهرها در درجه اول احتیاج به چند چیز دارند به نظافت یعنی زباله ها و کثافات را از این کوچه ها و خیابانها بردارند و مهال درست کنند برای این شهر نه این که این کثافات در شهر باشد در کوچه ها باشد یکی هم مسئله روشنائی است و یکی هم مسئله لوله کشی این شهر است اگر امروز بخواهید لوله کشی کنید و آب شهر را طوری کنید که در مجرای لوله ها کشیده شود این چندین میلیون خرج دارد آقا و خرج این چیزها را خود ماها باید بدهیم (نمایندگان - صحیح است) بنا بر این سهمیه شهرداریها هر قدر زیاد شود جای نگرانی نیست برای اینکه بمصرف آبادی خود شهرها میرسد و آقا میگویند که گرفته اند و نمیدهند آن يك موضوع دیگری است بعد از این امیدواریم هر چه گرفته میشود و وصول میشود صرف خود شهرداریها بشود.

**طهرانچی** - مسترد میکنم.

**رئیس** - پیشنهاد دیگر خوانده میشود

**طوسی** - پیشنهاد دیگری است مال آقای نیک پور و منظور آقای نیک پور از قسمت ت البته قسمت ج است. نیم



درصد از مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از مؤدیان تعلق میگیرد برای تأمین بودجه اطاقهای بازرگانی کشور .  
**نیکپور** - عرض کنم خاطر آقایان محترم مستحضر است در همان قانون مالیات بر درآمد سابق مقرر بود که يك درصد مالیاتی که وضع میکنند اختصاص داده بودند باطاق های بازرگانی کشور که مصرف کنند و بوسیله وزارت دارائی تحویل بشود و وصول بشود و جمع بشود و بوزارت بازرگانی بیاید و با پول اطاق بازرگانی بین اطاقهای بازرگانی قسمت بشود بر طبق این قانون چون زیاد بود بنده نیم درصد پیشنهاد کردم چون آن قانون سابق ملغی میشود و از مالیات سابق این قسمت هم مانعی میشود از این جهت بنده پیشنهاد میکنم این نیم درصد را آقای وزیر دارائی هم موافقت می کنند (طباطبائی - آقایان هم موافقت فرمودند).

**معدل** - آقای نیکپور موافقت نفرمایند که این نیم در صد شامل قسمت کشاورزی نشود (نیکپور - از شر کتهای بازرگانی و بازرگانان) بسیار خوب بود .  
 (وزیر بهداری پیشنهاد را بخوانید).  
**طوسی** - بسیار خوب .

ج - نیم درصد از مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از مؤدیان تعلق میگیرد برای تأمین بودجه اطاقهای بازرگانی .

**وزیر دارائی** - بجای مؤدی یا هر يك از مؤدیان این جور بنویسند (بهر يك از بازرگانان و شرکتهای بازرگانی) صحیح است .

**رئیس** - موافقین باماده سیزده با اصلاحاتی که شده است بر خیزند؟ (اکثر برخاستند) تصویب شد .  
**رئیس** - ماده چهاردهم قرائت میشود .

**ماده ۱۴** - بجز موردی که در زیر پیش بینی شده هر مؤدی مالیاتی که طبق ماده اول این قانون مشمول مالیات بوده و جزو مستثنیات ماده دوم نمیشود در هر سال منتها تا موعدی که مقرر بموجب آئین نامه تعیین میگردد باید شخصاً و بوسیله دیگری اظهار نامه کتبی با درج اقلام درآمدهائی که در

سال پیش بدست آورده است تنظیم و بداراره دارائی محل اقامت و یا بداراره دارائی مرکز شغل و یا کسب خود در ایران تسلیم نماید . مؤدی مالیاتی مکلف است در اظهار نامه اینکه تسلیم مینماید میزان کل درآمد غیر و بره و هزینه هائیکه از آن کسر میشود و میزان درآمد و بره و بخشود گیهای که بموجب این قانون تعیین شده و میزان درآمد مشمول مالیات و مبلغ بدهی مالیاتی خود را صریحاً تعیین و درج نماید . در مورد انواع درآمدهای کشاورزی مؤدیان مکلفند طبق آئین نامه مخصوص هر پنج سال يك مرتبه اظهار نامه کتبی با درج اقلام درآمد متوسطی که در سه سال پیش بدست آورده تنظیم و بمراجعی که در بالا ذکر شده تسلیم نماید اولین موقع تسلیم این گونه اظهار نامه ها اولین سال اجرای این قانون خواهد بود .  
**رئیس** - آقای انوار .

**انوار** - در این ماده لشکالی نیست و عبارت ساده است و چون قرار شد مطابق آئین نامه مخصوص باشد و چون همه آئین نامه های مخصوص سابق این جا نیست در این جا وارد نمیشوم اگر آقای مخبر اطلاع بدهند این انواع درآمد کشاورزی که مالیات بهش تعلق میگیرد و موضوعی که بعد از این هست راجع بدرآمد متوسطی است که در سه سال معین میشود در مملکت ما مثلاً طرف فارس و همینطور در طرف ساوه و قم در همین مدتی پیش سن آمد اینجا اگر بخواهید تنظیم کنید برای ۵ سال آن سالی که ملخ آمده است سالیان پی در پی گمان هم نمیکنم کشاورزی ما حالا طوری شده باشد که بتواند و موفق بشود ملخ را بکلی دفع کند که دیگر نباید نسبت با آنجا هائی که آفت عامه دارد و مدتها طول میکشد نمیدانم چه خواهند کرد برای اینکه بنده در این قسمت کاملاً موافقم که باید فکری کرد که مأمورین مالیه تماس مستقیم در دهات با رعایا نداشته باشند این خیلی خوب است اما آنجا هائی که ۴ سال ۵ سال پی در پی آفت واقع میشود باید تکلیفش معین شود اگر تکلیف آن هم معین شود بنده عرضی ندارم و موافقم

**مخبر** - اولاً در قسمت آفات اگر خاطر مبارک تان باشد يك تبصره خاصی اینجا آورده ایم و موافقت کردیم در

قبول شد و تکلیف آفات هم روشن شد و تصویب هم فرمودید و تمام شد و رفت ماده ۱۴ يك ماده تشریفاتی است ماده آئین نامه است از نظر اینکه تصریحی شده باشد و فردا يك مؤدی اشکال نکرده باشد بهمین جهت هم بود که در کمیسیون رویش حرف نزدیم در این ماده که این اظهار نامه را بدهد و اگر ندهد اینطور میشود یا آنطور بشود دیگر چه فایده دارد صحبت کنیم موافقت فرمائید رأی بدهیم و ازش بگذریم .

**امیر تیمور** - اجازه فرمائید رأی بدهیم و ازش بگذریم از آقای مخبر و آقای وزیر که توجه نفرمایند (مخبر - فرمائید) من چندین مرتبه این ماده ۱۴ را مرور کردم و خواندم و اعتراف میکنم که شخصاً چیزی نفهمیدم و علاوه بر اینکه من نفهمیدم از اغلب آقایان رفقا پرسیدم مثلاً از آقای انتظام و آقای صدر استدعا کردم که اگر متوجه هستند بمن فرمایند يك جواب مثبتی بمن نگفتند هر قدر شما میخواهید پول بگیرید در آن بابت حرفی نبود بایستی که مالیات گرفته شود در عین حال باید کلری کرد که برای مردم معضلاتی فراهم نشود که علاوه بر پرداخت مالیات دیگر مردم گرفتار تشریفات هم بشوند این ماده بقدری غامض و تو در تو و سردرگم است که معلوم نیست مقصود شما از این ماده ۱۴ چیست . بنده تمنی میکنم از آقای مخبر که فرمایند مقصود از این ماده ۱۴ چیست و بعد هم این ماده را به بینند طوری که نوشته شده کافی برای مفهومشان هست یا نیست این يك چیزی است که سر و تهش باهم ربطی ندارد .

**مخبر** - اگه آقا عبارت این ماده درست بنظرشان آشنا نیامده علتش این است که با قوانین سروکار نداشته اند این را عرض کردم این ماده ۱۴ آئین نامه است و آقا خیلی انس باین عبارات ندارند این حقاً نباید جزو قانون باشد ولی منظورش را میخواهید بفهمید منظورش این است که مثلاً يك کسی در این مملکت درآمدی دارد میبایستی يك اظهار نامه تنظیم کند در همان محلی که سکونت دارد و به اصطلاح در جائی که حوزه کارش آنجا است تنظیم کند

و این را در ستونهای اظهار نامه قرار خواهند داد ولی این را که نوشته اند عرض کردم ملاحظه فرمائید این از نظر تشریفاتی است اما دیگر حضرتعالی میفرمائید سلاست و فصاحت این عبارت مثل گلستان سعدی نیست بنظر بنده این تزیین وقتی که میکنیم این بیشتر نگرانی دارد تا اینکه يك عبارت سلیسی بجای این بگذاریم .

**امیر تیمور** - آقا شما این فکر را نمیکنید که این قانون را میدهند دست يك مأمور مالیه که باید اجرا کند آن چطور میفهمد؟ و هر طوری که دلش میخواهد اجرا میکند پس يك کاری بکنید که کار مردم را آسان تر کند و اسباب زحمت نشود .

**رئیس** - آقای یمین اسفندیاری

**یمین اسفندیاری** - عرض کنم آقای مخبر یکی از خصائص این قانون مالیات بر درآمدی که ما داریم وضع میکنیم این است که فرد فرد مردم يك مشاور حقوقی هم باید داشته باشند تا اینکه بفهمند این چه چیز است و چطور باید عمل کنند خوب! نه آقای وزیر دارائی توجه میکنند نه آقای مخبر (معدل - بالاخره همه هیئت دولت اینجا هستند آقا) بالاخره بنده هم همانطور که آقای امیر تیمور فرمودند چیزی نفهمیدم قسمت اول را حالا ما کاری نداریم ولی خواستم عرض کنم که در اینجا در این قسمت بنده مخالفم که مینویسد: درآمد طبق مقررات آئین نامه . . . به بخشید بنده راجع بماده ۱۴ عرضی نداشتم عرض بنده راجع بماده ۱۵ است (خنده نمایندگان)

**رئیس** - آقای ملک مدنی .

**ملک مدنی** - آنچه که عرض کردم و جواب دادند باز هم تذکر میدهم و آن مسئله درآمد های ۵ ساله املاک مزروعی است که درآمدها باید صحیح و به تسعیر سالی که مالیات میپردازد ملاک عمل باشد خواهش میکنم حضرتعالی هم باز این مطلب را یاد آور شوید که در حین جریان عمل اسباب اشکال نشود .

**وزیر دارائی** - همانطور که در جلسه قبل هم عرض



کردیم این مطلبی را که حضرت تعالی فرمودید بایستی اظهارنامه که مالکین میدهند از روی درآمد محصول سه سال قبل از این اظهارنامه باشد و آنهم بطور جنس باشد اظهارنامه که میدهد همانطور که ذکر شده است و ملاحظه فرمودید که برای اجناس در موقع برداشت هر محصولی در هر سال قیمت معین میشود و از روی آن قیمتی که معین میشود درآمد نقدی معلوم خواهد شد و از روی آن درآمد مالیاتی که باید بدهد معلوم میشود و قیمت تسعیر اجناس مؤدی برای هر سال است.

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت میشود.

پیشنهاد مینمایم در ماده ۱۴ صفحه ۹ سطر ۶ بعد از کلمه سه سال پیش اضافه شود ( نرخ دولت در همان سال ) .  
**بهبهانی** - بنده مقصودم همین بود که آقای ملک فرمودند که چطور رسیدگی میشود و چطور باید مؤدی مالیاتی مالیات سه سال پیش را بپردازد و روی چه نرخی بپردازد این بود که این پیشنهاد را کردم ولی با توضیحی که آقای وزیر دارائی دادند دیگر بنده عرضی ندارم و مسترد میکنم  
**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۱۴ موافقین با ماده ۱۴ برخیزند ( اغلب برخاستند ) تصویب شد ماده پانزده قرائت میشود .

ماده ۱۵ - بجز در مورد درآمد های کشاورزی مؤدیان مالیاتی میتوانند بدهی مالیاتی خود را در موقع تسلیم اظهارنامه که طبق ماده ۱۴ تعیین شده یا در سه قسط متساوی که قسط اول آن ضمن تسلیم اظهارنامه و اقساط دوم و سوم تا تاریخی که بموجب آئین نامه تعیین میگردد تأدیه نمایند در مورد درآمد های کشاورزی پرداخت مالیات با قساطر و در تاریخهاییکه بموجب آئین نامه مخصوص معین میگردد بعمل خواهد آمد وزارت دارائی نیز حق دارد که از پاره ای از منابع درآمد ها مالیات را در موقع تحصیل آن در آمد طبق مقررات آئین نامه مخصوص کسر و وصول نماید و جوهری که باین ترتیب بابت بدهی مالیات مؤدیان وصول میشود بپای حساب مالیاتی آنها محسوب میگردد و لسی این عمل مؤدی

میکند؟ این اولاً ثانیاً در آمدی که کسر میکنند نسبت بکل درآمد کشاورزی و غیر کشاورزی است یا نسبت بکشاورزی نیست چون عبارت بعد از آن واقع شده است توجه بفرمائید آقای مخبر! در مورد درآمدهای کشاورزی پرداخت مالیات با قساط و در تاریخهاییکه بموجب آئین نامه مخصوص معین میگردد بعمل خواهد آمد بعد میگوید وزارت دارائی حق دارد که از پاره ای از منابع درآمدها مالیات را موقع تحصیل آن در آمد طبق مقررات آئین نامه مخصوص کسر و وصول نماید. مثلاً دولت برای نگاهداری ارتش جو و گاه و بونجه اش را میدهد هنوز هم تسلیم نکرده صاحب ده یا کسی که علاقه ملکی دارد تسلیم نکرده است در نظر میگیرد از بلوک و زمین یا از فلاجا بگیرند و میگوید از فلاجا فلان اندازه جو یا گاه داده میشود این نسبت باین است که میگویند وزارت دارائی حق دارد نسبت بدرآمد کشاورزی است این حق یا مثلاً نسبت باین است که فلان تاجر جنسش را وارد کرده است در گمرک و این جنسش را میآورد و بموجب اطلاعی که از گمرک دارد این جنس فلان اندازه مالیات بهش تعلق میگیرد و اظهارنامه هم تسلیم نکرده است نسبت به آن کسر میکند؟ این است که اولاً وزارت مالیه قبل از تقدیم و تسلیم اظهارنامه معنی ندارد کسر بکند باید اظهارنامه بدهند بعد از آن میخواهد مالیات را کسر بکند بکند و الا قبل از تنظیم اظهارنامه و تسلیم آن این کار را بکنند بنده مخالفم بعد هم همینچنین است نسبت به پرداختش است نسبت بدرآمد کشاورزی و غیر کشاورزی است یا نسبت بکدام است باید یک توضیحاتی در این داده شود یکی دیگر موضوع این است در مواردی که درآمد مؤدی مالیاتی منحصر است بحقوق و دستمزد من نفهمیدم این حقوق و دستمزد ذکر کردنش بی معنی است خود کسی که دستمزد میگیرد کسی نیست که مالیات بده باشد که او را معاف کنند یا نکنند بحساب در می آید اینرا من گمان نمیکنم آخر حقوق او چه قدر است این بر سهیل مطلق است و عبارتهای مطلق که ما بیان کردیم نسبت باین کسانی که حقوق میگیرند مالیات تعلق نمیگیرد یا اینکه

با هم جمع میشود و گرفته میشود این عبارت توضیحاتی لازم دارد.

**وزیر دارائی** - این قسمتی که در اینجا اظهار شده که میتواند از پاره ای از منابع درآمدها مالیات را موقع تحصیل آن در آمد طبق مقررات آئین نامه مخصوص کسر و وصول نماید یکی از مواقع و مواردش همین قسمت دستمزد و حقوق کارگراها است تصدیق میفرمائید در مؤسسات کارخانجات بنگاهها یک کسانی خدمت میکنند که حقوقی که میگیرند در هر ماه یا در موقع پرداخت اگر حقوق آنها را در در همان موقع کسر نکنند بعد وصول و ایصالش مشکل میشود یعنی معلوم نیست آن کسی که در روز اینجا کار میکرده پنج روز جای دیگر کار میکرده این طرز وصولش اصلاً عملی نیست بنا بر این در یک بنگاه و مؤسساتی که یک اشخاص کار میکنند و کارگر و مستخدم هستند اینها را بایستی در ماههایی که حقوق آنها پرداخته میشود مالیات ازشان کسر شود اصل عمده که در نظر گرفته شده است همین است البته آقای یک چیزهایی هم امثال و نظایر این است مثل مقاطعه کاری یا مساعده های موقتی که در نظر میگیرند که معلوم بشود و الا از حیث کشاورزی و از حیث تجارت تا سالش بگذرد اصلاً مالیات نمیگیرند این برای چیزهایی است که عایداتش معلوم است مثل همین دستمزد با قساط مقاطعه کاری که گرفته میشود و عایداتش معین است اگر در آن موقع بگیرند موجودش از بین خواهد رفت بنا بر این اجازه خواسته شده در ضمن عمل گرفته شود اما قسمت دوم برای تسهیل عمل است اینجا میگوید کسانی که باین ترتیب اینقدر داده اند محتاج نیست اظهار نامه خودشان را مستقیماً میدهند همان کارخانه یا هنگامیکه کار میکنند همان اظهارنامه را همان رئیس کارخانه همان موقعیکه کسر میشود میدهند در واقع اظهارنامه را مثل اینکه خود او میدهد بومی همان شخصیکه در آن جا مستخدم است و این عمل از نقطه نظر تسهیل است و قسمت اول از نقطه نظر اینکه از این نیرو بنا بر این هر دو قسمت کشاورزی و تجاری باید عایداتش تا آخر سال معلوم شود



نمایندگان - کافی است، کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم سطر ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ از ماده ۱۵ حذف شود.

امیر تیمور - عرض کنم آقای وزیر دارائی آقای بیات تمنی میکنم توجه بفرمائید اگر این ماده باین ترتیب بگذرد بکسی عمل کشاورزی را وزارت دارائی و دستگاه وزارت دارائی مختل خواهد کرد طبق این ماده شما حق می دهید که وزارت دارائی حق دارد که از پاره ای از منابع درآمد ها مالیات را موقع تحصیل آن درآمد طبق مقررات آئین نامه مخصوص کسر و وصول نماید. یعنی چه؟ فرض بفرمائید آن موقع برداشت محصول تریاک است تریاکش را فلان زارع و ملاک کشاورز می آورد با اداره دارائی طبق مقررات خاص دیگری تسلیم میکند این پولش را باید از دولت بگیرد یا نه؟ میگوید این پول را علی الحساب طبق این قانون حق داریم کسر بگذاریم تا حسابت را روشن بکنیم، موقع چغندر کاری چغندر را مردیکه ۱۲ ماه است زحمت کشیده است و تسلیم شما میکند که پولش را بگیرد و احتیاجاتش را رفع کند طبق این ماده میگوید بنده حق دارم باید مالیات کسر بشود این هی معطلی معطلی برای هر قران برای یک قران چقدر رشوه بدهد و تعارف بدهد تماق بگوید التماس بکند درخواست کند پیش اعضای مالیه مأمورین مالیه که آقا محضاً لله آن پانصد تومان را بمن بده میگوید خوب این صد تومان را تو بگیر و این یک راه اخاذی و یک راه دزدی و یک راه رشوه بازی باز میشود و تمام مردم را معطل میکند و قضیه سلب اعتماد در معامله دولت میشود و بعد از یکی دو سال عمل مردیکه ترجیح میدهد که تریاک نداشته باشد که بدهد تا باین اقتضاح بکشد کارش الا ن والله قسم میخورم باور بفرمائید آقا چغندر را که میدهد، تسلیم میکند باید پولش را بگیرد در موقع پول دادن تا از آن مردیکه صاحب مال یک پورسانت بازی نگیرند محال است بهش بدهند نصف آنرا مأمورین مالیه بعنوان رشوه اخذ میکنند تا پولش

را بدهند حالا مطابق این قانون میخواهند حق مردم را نگاهداری کنند ولی صدی صد اطمینان داشته باشید که با این قانون فقط مردم را معطل میکنند محض اینکه این را در نظر بگیرند شما که نباید مردم را بیچاره و معطل کنید بنابراین شما میفرمائید مقصود از این ماده ۱۵ این است که آن دستمزدها را که دولت چیز میکند آن قسمت مانع است و بقول آقای همین قسمت که نوشته اند وزارت دارائی حق دارد از پاره ای منافع آن قسمت را پرداخت نماید الا آن آقا برای این مردم یک بد بختی و یک بیچارگی ایجاد میکند و کشاورزی در این مملکت از بین خواهد رفت دلم میخواهد آقای دشتی در یک ولایتی باشند موقع معامله مأمورین مالیه با کشاورزان باشند، شاید بعضی از آقایان آنجا باشند، تا صدق عرایض من برشان معلوم شود دیوانه میشوید آقا صد تومان که مردم میدهند لااقل سی تومانش را میگیرند از پول گندم دزدی میکنند از پول تریاک دزدی میکنند از همه چیز شما دزدی میکنند و در تمام معاملات نظیر همین اعمال را میکنند مخبر - این نظری را که حضرتعالی فرمودید وزارت دارائی نداشته است و ندارد (دبستانی - تصریح کنید) توجه بکنید آقا تا حالا مالیات کشاورزی نبوده است که بگوئیم این عمل شده است آن قسمتی که شما میخواهید بفرمائید این است که فرض کنید یک مردی یک اداره مقاطعه کاری دارد یا یک اداره کار دارد یا یک مستخدمینی دارد آنجا که ماهی ۲۰۰ تومان ۳۰۰ تومان بآنها حقوق میدهد روزی که میخواهد دستمزد و حقوقشان را بدهد مالیاتی که باید بدهند از حقوقشان کسر میکنند حالا هم همینطور است اگر این نوشته نشود وزارت دارائی نمیتواند این وجه را بگیرد استدعا میکنم آقای انوار توجه بفرمائید اگر آدم لاآبالی است و عوائد دیگری ندارد که اکتفا شده است بهمین پولی که ازش گرفته اند و زد شده است و رفته است اگر عوائد دیگری دارد می رود اظهار نامه میدهد مینویسد از آنجا ماهی ۲۰۰ تومان یا پانصد تومان گرفتیم فلان فلان عایدی را دارم و فعلاً اینقدر هم بابت مالیات من میگیرند ولی این عمل را که حالا

میکنیم از لحاظ این است که یک قدری دیر و زود نشود و این عمل حالا هم جریان دارد انحرافی هم حاصل نمی شود و جنابعالی نگران هستید که شاید این عمل را در مورد کشاورزی بکنند یعنی تریاکشان یا گندمشان را گرو بگیرند این لازم نیست که او را حذف بکنید پس از جمله از پاره از منابع از درآمد ها مالیات را تا یک پراکنش باز کنید (باستثنای منابع کشاورزی)

امیر تیمور - قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای یمین اسفندیاری قرائت میشود پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ از قسمت وزارت دارائی نیز حق دارد الی آخر حذف شود

یمین اسفندیاری - این موضوعی که آقای معدل فرمودند با این اصلاح قانع نکرد بنده را. مضافاً بر اینکه آقای امیر تیمور فرمودند این موضوع بضرر دولت و مردم هم تمام میشود ولی حالا قطع نظر از این قسمت اصلاً معاملات دیگران را هم این خنثی میکند برای خاطر اینکه شما خودتان مینویسید اگر مالیات بده مثلاً باید صد هزار ریال مالیات بدهد و بگوید اعتراض شود او هم خودش را مدیون نمیداند و معترض است وقتیکه معترض شد باید رسیدگی شود و وضعیتش معلوم شود (معدل - مربوط به آنجا نیست) شما اعتراض میدید که ۱۰ هزار تومان باید مالیات بدهد. اینجا ماده را بخوانید میگوید در آمد طبق مقررات آئین نامه مخصوص کسر و وصول نماید و جوهری که باین ترتیب بابت بدهی مالیات مؤدیان وصول می شود پهای حساب مالیاتی آنها محسوب میگردد ولی این عمل مؤدی مالیاتی را معاف از تسلیم اظهار نامه معینه در ماده ۱۴ نمینماید. بنده قبول ندارم مبلغی را که شما میخواهید از من بگیرید اظهار نامه هم میدهم چه کار باید کرد؟ این است که چون بنده معترض هستم بنده هم اختیاری در زندگانی خودم ندارم این قسمت زندگانی من فلیح خواهد شد تا این قضیه مالیات تمام شود با این وضع تمام معاملات ما خنثی

خواهد شد و در عمل خواهید دید که همینطور است که عرض می کنم

وزیر بهداشتی - اینجا اگر توجه بکنید شاید رفع اشتباه بشود اینجا یک تسهیلاتی است فرضاً شرکتهای یک مستخدمینی دارند که بآنها پول میدهند یا سهامی میدهند میتواند وزارت دارائی در موقعی که پول بآن شخص میدهند این را ترتیبی بدهد که داده شود صبح هم در یکی از مواد یکی از آقایان اشکال میکردند آقای صفوی بود این خیلی آسان بود حالا جلوگیری میشود این بدیهی است یک قراری میگذارند با آن شرکت با آن نگاه با آن اشخاصی که مؤسسه دارند که آقا وقتی تو این پولها را باین اشخاص میدهی این مالیات را هم کم بگذار آنهم کم میگذار آن آدم میگوید این پول گیر من آمد از بابت مالیات و آیین وضع خوبی است

یمین اسفندیاری - بنده مسکوت میگذارم

رئیس - پیشنهاد آقای صفوی قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ اشل مالیات حقوقی تعیین گردد.

صفوی - استدعا میکنم یک قدری توجه بفرمائید این قسمتی که در ماده ۱۵ نوشته شده است سر و کار تمام مردم را با وزارت دارائی و مأمورین دارائی می اندازد اینجا شما نوشته اید در مواردی که در آمد مؤدی مالیاتی منحصر به حقوق و دستمزد بوده و در مواقع پرداخت آنها طبق این ماده مالیات کسر و عاید دولت می شود سابق بر این یک اشلی داشت مالیات حقوقی الا ن هم دارد که روز ۱۸ آبان است مطابق این اشل فعلی کارخانه ها و مؤسسات دولتی و ملی یک مرتبه داشتند که تا ۲۰۵ ریال ۷ ریال بدهد همین طور می رود بالا تا سیصد تومان و هفتصد تومان که ده پانزده تومان میدهد هر کس روی آن اشل عمل میکند یعنی هر صاحب بنسگاه یا کارخانه تکلیفش معلوم است که آخر هر ماه که میشود روی آن اشلی که وزارت مالیه دستش داده است کسر میگذارند و ملزم است آن صاحب کارخانه

صاحب بنگاه بنویسد و بوزارت دارائی بفرستد تا یکماه بعد حالا خبط کرده است اول آمده است مستخدمین دولت را گفته ندهند آنها مالیات بدهند معاف اند. بنده اساساً گفتم وقتی که شما مستخدم را معاف کردید همه را معاف کنید فرق طبقاتی قائل ... حالا میفرمائید خیر مستخدم دولت باید مالیات ندهد همین بنگاه ملی باید بدهند خیلی خوب ولی آقای ایشلی یک میزانی بدستش بدهید و بگوئید مطابق این قانون مالیات بدهد این ماده که معلوم نکرده آقای معدل توجه بفرمائید! این ماده معلوم نکرده پس شما همین قانون فعلی را زیاد کنید یا کمش بکنید بدهید بدست صاحبان مؤسسات ملی و کارخانجات که از روی آن حساب کنند که ماهی ۴۰۰ تومان که بفلان حسابدار مثلاً داده میشود این قدر باید از او کسر کنند و بمالیه بدهند نه این که ابهام داشته باشد و فردا هم آن یک اظهارنامه تهیه کند و بدهد بصاحب کارخانه و او هم تصدیق بکند و آتوقت بین صاحب کارخانه و مؤدی اختلاف شود بعد اداره دارائی محل جریمه بنخواهد خوب آقای ایشلی تنظیم کنید معلوم کنید که مستخدم بنگاههای ملی بهر مقدار حقوق که میگیرد باید بعنوان مالیات یک مبلغی بدهد و از او کسر کنند.

**وزیر دارائی** - اینکه آقای نماینده محترم هم صبح و هم عصر فرمودند که فرق طبقاتی نگذارید و چطور و چطور اصلاً این جا طبقه و اشخاص هیچ در بین نیست یک قسمت مستخدم دولت است که دولت باید بهشان حقوق بدهد البته دولت هم باید مالیاتشان را بدهد یکعده هم مستخدم یک مؤسساتی هستند آن مؤسسات باید مالیات آنها را بدهند هیچ فرقی بین مستخدم دولت و مستخدمین دیگر نداشته

نشده است آنها هم که مستخدم دولت هستند دولت باید مالیاتشان را بدهد بدهیم و پس بگیریم این اسباب زحمت است پس اینطور قائل شدیم که نه بدهد و نه بگیرد ولی اشخاص بنگاهها و کارخانهای ملی و غیره خوب همین وظیفه که دولت نسبت به مستخدمینش دارد او هم نسبت به مستخدمین خودش دارد باید وضع زندگی مستخدم و کارگر و کسانی که ازشان استفاده میکنند تأمین کند و اگر مالیاتی بهشان تعاقب میگیرد باید قدری بدهند که تأمین بکنند این فرق طبقاتی نیست این قسمت را نمی گویم دولت بدهد این قسمت را میگویم صاحبان بنگاه و مؤسسه و غیر ذلك بدهند پس بنابراین در اینجا فرقی ملاحظه نمیشود اما برای هر مستخدم که یک عائله دارد زن دارد بچه دارد مطابق این قانون می بینید که تاجه میزان حقوقش میرسد آن را کسر میکند اگر اضافه است که آنرا معین میکنند مطابق اشل کمیسیون کسر میکنند ماه بماه بمالیه میپردازند این اشل لازم ندارد اشل معلوم است بطور کلی تحقیقات هم معلوم است مطابق همان حساب میکنند.

**صنوی** - مسترد میدارم.

نمایندگان - رأی بگیرید، رأی بگیرید.

**رئیس** - رأی گرفته میشود بماده ۱۵ با اصلاحی که شده است موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۶ قرائت میشود.

**جمعی از نمایندگان** - ختم جلسه.

**رئیس** - اگر آقایان مساعدت بفرمایند فردا جلسه تشکیل بشود (صحیح است) جلسه آئینه فردا سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه این لایحه (مجلس ۷ ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)  
**رئیس مجلس شورای ملی** - حسن اوفندیازی